



زن در سرتو اسلام

حضرت آئیة اللہ العظمیٰ صافی کلیایکافی رحمۃ اللہ علیہ

سرشناسه	: صافی گلپایگانی، لطف‌الله.
عنوان و نام پدیدآور	: زن در پرتو اسلام / لطف‌الله صافی گلپایگانی.
مشخصات نشر	: قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی، ۱۳۹۴.
قیمت	: ۱۰۰۰۰۰ ریال
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۶۱-۲
وضعیت فهرست نویسی	: چاپ اول (۱۳۹۴).
یادداشت	: فیبا.
شناسه	: شیعه - آراء و نظرات - مسائل اجتماعی
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۷/۴۱۷ / BP / ۲۱۲/۵۰ / ۴ص۲

شناسه

- نام کتاب: زن در پرتو اسلام
- مؤلف: حضرت آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی مدظله‌الوارف
- ناشر: واحد بین الملل دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌الوارف
- چاپ اول: محرم الحرام ۱۴۳۷ / تابستان ۱۳۹۴
- شمارگان: ۳۰۰۰
- بها: ۱۰۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۶۱-۲
- سایت الکترونیک: www.saafi.net

سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از خطرات بزرگی که جوامع دین‌محور را به شدت تهدید کرده و در سیر جامعه به سوی تعالی و رشد، وقفه ایجاد می‌کند و راه را برای سقوط اجتماع در وادی ضلالت و بدبختی هموار می‌سازد، تحریف آموزه‌ها و تعالیم دین در موضوعات مهم مسائل اجتماعی است.

از مسائل مهمی که متأسفانه در جوامع اسلامی، دستخوش تحریف و تفاسیر مغرضانه و شهوت‌مندانه دانشمندان نماها قرار گرفته است، مسأله «فرهنگ اسلام درباره زن» می‌باشد که از اهمیت بالایی برخوردار است.

نگاه شهوت‌آلود و اندیشه ناپاک و مشوب به آلودگی‌های روحی نسبت به موضوع زن در اسلام با مکر و خدعه و با در دست گرفتن پرچم دروغین "دفاع از زن و آزادی او" در جامعه اسلامی، خطر بزرگی است که عصر تجدید و نوگرایی مادی برای مسلمانان به ارمغان آورده است، و این تهاجم خبیثانه و همه‌جانبه، نیاز به اندیشمندان پاک‌رأی و مستقیم‌العقیده را جهت تبیین نظرات

و اندیشه ناب اسلام، مضاعف ساخته تا بتوان با محور قرار دادن فهم و بینش متخصصان و دین‌شناسان عالی‌مقام، بانوان مسلمان را به عنوان سعادت‌مندترین زنان بشریت به دنیا معرفی نمود.

از این رو بر خود فرض دانستیم تا با مراجعه به آراء و نظرات اندیشمند بزرگ جهان اسلام مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف که عمر شریف خویش را وقف مطالعه و تأمل و تعمق در آیات شریفه قرآن و روایات ثمینه پیامبر و خاندان گرامی‌اش علیهم السلام نموده است، شاکله و اصول کلی دیدگاه اسلام درباره زن را تبیین نماییم که به حق می‌توان نظرات ایشان را بخصوص در زمینه فوق‌الذکر، به عنوان یک سند و سیاست کلی سعادت‌بخش در برنامه‌ریزی‌های نظام اسلامی درباره زنان جامعه، مطرح نمود.

اثر پیش‌رو با عنوان «زن، در پرتو اسلام» که مشتمل بر بعضی پیام‌ها و پاسخ‌های معظم له به پرسش‌هایی در این زمینه است گردآوری و موضوع‌بندی شده است به امید آن‌که، در پیشگاه قطب عالم امکان حضرت ولی عصر عجّل الله تعالی فرجه الشریف به شرف قبول نائل گردد و مورد استفاده اندیشمندان و برنامه‌ریزان جامعه اسلامی قرار گیرد؛ بعون الله تعالی و توفیقه

دفتر تنظیم و نشر آثار

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی

شوال المکرم ۱۴۳۶/تابستان ۱۳۹۴

فهرست مطالب

سخن ناشر..... ۵

پیام‌ها..... ۱۹

حجاب، کرامت و شرافت زن مسلمان..... ۲۱

ناکامی دشمنان در توطئه علیه حجاب..... ۲۱

استقامت بانوان مسلمان..... ۲۲

لزوم ایستادگی بانوان بر امر حجاب..... ۲۳

حجاب، از ضروریات اسلام..... ۲۴

الگوی بانوان مسلمان..... ۲۵

سبک زندگی فاطمی..... ۲۶

لزوم الگوگیری از استقامت فاطمی..... ۲۸

خطبه‌ای معجزه‌وار..... ۲۸

لزوم فاطمه‌شناسی..... ۲۹

- الگوی ایثار** ۴۱
- نقش ممتاز حضرت خدیجه در یاری اسلام ۳۱
- الگوی بانوان مسلمان ۳۲
- عفت زینبی علیها السلام** ۴۴
- حضرت زینب، الگوی مردان و زنان ۳۴
- سبک زندگی زینبی علیها السلام ۳۴
- لزوم الگوگیری بانوان از حضرت زینب علیها السلام ۳۵
- بانوان قرآنی** ۴۶
- مادران قرآنی، الگوی بانوان مسلمان ۳۶
- وظایف مادران قرآنی ۳۷
- پیام‌های قرآنی به مادران مسلمان ۳۸
- فضیلت پوشاندن صورت ۳۹
- خطر جاهلیت مدرن** ۴۰
- وضع بانوان در دوران جاهلیت ۴۱
- کرامت و ارزش والای زن در پرتو اسلام ۴۱
- هشدار درباره ظهور جاهلیت مدرن ۴۲
- وظیفه مسلمانان در برابر جاهلیت مدرن ۴۳
- استقامت اسلامی** ۴۵
- تقدیر از ثبات قدم مسلمانان ترکیه ۴۵
- لزوم وحدت مسلمانان ترکیه ۴۶
- مدافعان عفت و حجاب** ۴۷
- اسلام، کرامت‌بخش زنان ۴۷



۴۸ عظمت تعهد معنوی و دینی.....

۴۹..... لزوم بیداری علمای اسلام.....

۴۹ تأسف از موضع جامع الأزهر.....

۵۰ انتقاد شدید از بی‌توجهی به عزت اسلامی.....

۵۱..... حجاب. حق بانوان مسلمان.....

۵۱ تناقض رفتاری غرب مدعی حقوق بشر.....

۵۲ محرومیت از حجاب، محرومیت از حقوق شهروندی.....

۵۳ لزوم اهتمام سران کشورهای اسلامی به هویت اسلامی.....

۵۵..... پرسش‌ها و پاسخ‌ها.....

۵۷..... نگاه کرامت‌بخش اسلام به زنان.....

۵۷ تفاوت تشریحی ناشی از تفاوت در نظام خلقت.....

۵۸ روابط قرآنی زن و شوهر و نمونه‌ای از آن.....

۵۹ نگاه والای دین به زن.....

۶۰ همسانی زن و مرد در کسب فضائل.....

۶۱ مخاطب روایاتِ موهم تحقیر زنان.....

۶۲ اسلام یعنی تسلیم کامل.....

۶۴..... فلسفه برخی احکام زنان.....

۷۰ گله‌مندی از دوست، ویژگی بشریت.....

۷۱ پرهیز از گناه، جهاد اکبر.....

۷۱ حدود و مصالح ولایت بر صغیر.....

۷۴ حقوق متقابل زن و مرد در اسلام.....

۷۵ حکمت اختیار طلاق.....

- نظام ازدواج، نظامی الهی و وحیانی ۷۶
- مقام زن در اسلام ۷۶
- مختاربودن زن در اعمال ۷۷
- ولایت جدّ بر صغیر ۷۸
- روایات در مورد نقص عقل زنان ۷۸
- اطاعت زن از مرد و ایجاد حقوق متقابل ۷۹
- لزوم تفسیر درست مسائل و پیش‌آمدها ۷۹
- تفسیر «الرّجال قوَّامون علی النّساء» ۸۰**
- ممنوعیت اختیار مطلق بر دیگران ۸۰
- اهمیت اسلام به بانوان بی‌نظیر است ۸۰
- تفاوت و تفاضل، اصل مهمّ عالم طبیعت ۸۲
- دوری از دین، عامل فساد در دنیای معاصر ۸۶
- اسلام، عصر طلایی حیات زن ۸۷
- استفاده سه حکم از آیه شریفه ۸۸
- الف. توزیع کار بین زن و مرد ۸۸
- ب. سرپرستی عائله ۸۹
- ج. نشوز زن و وظیفه مرد ۹۴
- شایسته‌ترین شغل زن ۹۷**
- پایگاه ارزنده زن در اسلام ۹۷
- انحطاط مقام زن بر اثر دوری از اسلام ۹۸
- اسارت مدرن زنان توسط تجدد نماها ۹۸
- لزوم واقع‌نگری در مسائل زنان ۱۰۰
- ارزش‌های وجودی، ملاک اشتغال زن ۱۰۰



۱۰۱.....	خانه‌داری، اشرف اعمال زن.....
۱۰۲.....	نظام عقلانی اسلام در فرهنگ عدم اختلاط.....
۱۰۳.....	نظام حجاب و عفاف، نظام معقول ارتباط بین زن و مرد.....
۱۰۴.....	جامعه سالم مرهون تفکر عقلانی در موضوع زن.....
۱۰۵.....	اسلام، منادی کرامت و ارزش واقعی زنان.....
۱۰۶.....	ارتباط با نامحرم، تهدیدکننده کرامت زن.....
۱۰۷.....	خانه‌داری، اشرف کارها.....
۱۰۸.....	همسانی مرد و زن در کسب ارزش‌های معنوی.....
۱۰۸.....	دوری از نظرات شهوانی به مسأله زن در اسلام.....
۱۱۰.....	ورود زنان به مناصب حکومتی.....
۱۱۰.....	منافات مناصب حکومتی با شأن بانوان.....
۱۱۲.....	مشاغل مختلط، اهانت به حریم زنان.....
۱۱۳.....	زن، معاف از سختی جهاد و دفاع.....
۱۱۳.....	معاف‌بودن زنان از جهاد و دفاع در اسلام.....
۱۱۴.....	از فرهنگ اسلام تا فرهنگ کنونی.....
۱۱۴.....	لزوم توجه بزرگان جامعه به حفظ سنت‌های اسلامی.....
۱۱۵.....	اختلاط فراگیر، سقوط همگانی.....
۱۱۶.....	مبانی فرهنگ اسلامی درباره زن.....
۱۱۶.....	ارتباط زن و مرد در فرهنگ اسلام.....
۱۱۷.....	مفاسد عدم رعایت حریم زن و مرد.....
۱۱۷.....	فضیلت بزرگ خانه‌داری.....
۱۱۸.....	فرهنگ اسلامی، مسیر سعادت جامعه.....
۱۱۹.....	بزرگترین جهاد زن مسلمان.....

- ۱۱۹..... خانواده اسلامی فراتر از یک قرارداد.....
- ۱۲۰..... فرهنگ اسلامی ارتباط زن و شوهر.....
- ۱۲۱..... جهاد اکبر بانوی مسلمان.....
- ۱۲۲..... حجاب. کرامت بانوان.....**
- ۱۲۳..... لزوم تأمل در کتاب آفرینش.....
- ۱۲۳..... پرهیز از نگاه احساسی در مسأله حجاب.....
- ۱۲۴..... فوائد حجاب در جامعه.....
- ۱۲۴..... توزیع مناسب کار بین زن و مرد در اسلام.....
- ۱۲۵..... تعالیم ارزشمند اسلام.....
- ۱۲۵..... حجاب در همه ادیان.....
- ۱۲۷..... چرایی در احکام زنان.....**
- ۱۲۷..... مجهولات بی‌نهایت انسان.....
- ۱۲۸..... عالم ناشناخته.....
- ۱۳۰..... ارزش زن در حفظ حجاب.....**
- ۱۳۰..... برترین الگوی دختر مسلمان.....
- ۱۳۱..... حجاب و عفت، ملاک ارزش زن.....
- ۱۳۱..... ابیاتی تقدیم به دختران سعادت‌خواه.....
- ۱۳۴..... ضرورت‌های یک حضور.....**
- ۱۳۴..... ناسازگاری فرهنگ فعلی با فرهنگ قرآنی عفاف.....
- ۱۳۵..... فرهنگ غرب، دون شأن بانوان.....
- ۱۳۶..... ازدواج. قرارداد متحد شدن.....**
- ۱۳۷..... همدل‌بودن زن و شوهر از آیات الهی.....
- ۱۳۸..... نمونه خانواده اسلامی.....

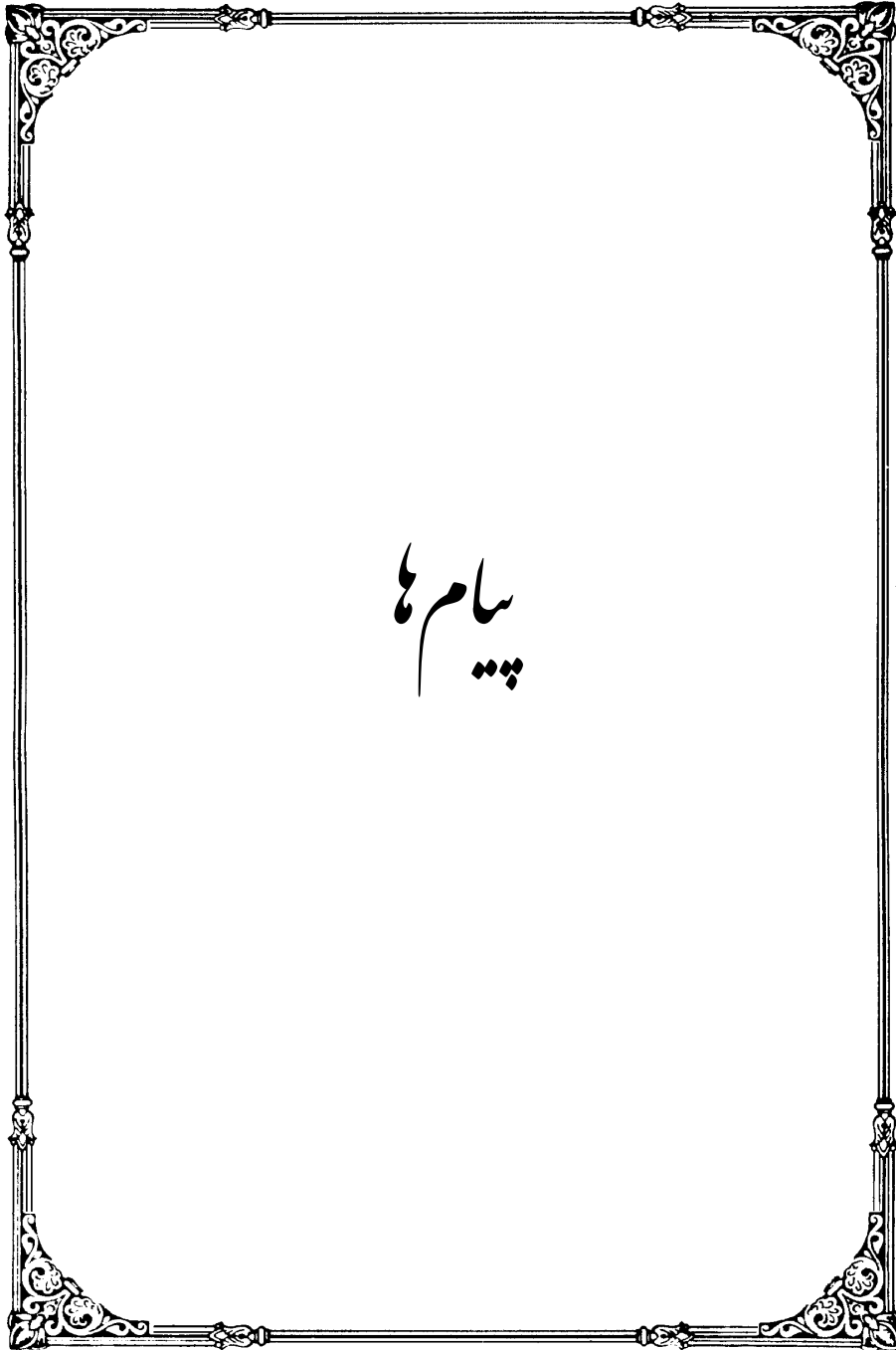
۱۳۹.....	قانون، حافظ نظام خانواده.....
۱۳۹.....	حقوق متقابل زن و شوهر.....
۱۴۱.....	پوشش در مقابل زنان اهل کتاب.....
۱۴۱.....	لزوم پوشش مواضع زینت.....
۱۴۲.....	پیام مهم روایت.....
۱۴۳.....	اسلام و ورزش بانوان.....
۱۴۳.....	هدف اسلام از ورزش.....
۱۴۴.....	خطر بیماری ورزش گرائی.....
۱۴۴.....	حدود ورزش بانوان.....
۱۴۵.....	لزوم هوشیاری در برابر نقشه‌های شیاطین.....
۱۴۷.....	پوشش بر مبنای حیا.....
۱۴۷.....	حیا و وقار، ملاک پوشش اسلامی.....
۱۴۸.....	تضاد فرهنگ فعلی پوشش با حیا.....
۱۴۹.....	رسوایی مفاسد اختلاط با نامحرم در غرب.....
۱۵۰.....	حجاب، مایه حشمت زن.....
۱۵۰.....	حفظ حشمت بانوان، حکمت اصلی حجاب.....
۱۵۱.....	جایگاه زن در جوامع غیر اسلامی.....
۱۵۱.....	غرب‌زدگی، مانع عفت اسلامی.....
۱۵۲.....	وجوه تمایز زن مسلمان با کفار.....
۱۵۲.....	مبارزه با حجاب، هدف استعمارگران.....
۱۵۴.....	زنان و مسابقات ورزشی.....
۱۵۴.....	لزوم آگاهی از فوائد حقیقی ورزش.....
۱۵۵.....	تصویر افراطی ورزش.....

- ۱۵۶..... لزوم پرهیز زنان از شرکت در مسابقات ورزشی
- ۱۵۷..... عاقبت غرب‌گرایی در ورزش
- ۱۵۸..... چرایی تعدد زوجات و اختصاص آن به مردان**
- ۱۵۸..... بی‌اطلاعی انسان از علل تکوین و تشریح
- ۱۵۹..... در پاسخ شخص مادی
- ۱۶۰..... جواز تعدد زوجات، مطابق سیر طبیعت
- ۱۶۰..... لزوم پرهیز از نگرش تک‌بُعدی به زن
- ۱۶۳..... فلسفه برخی احکام ازدواج دوم**
- ۱۶۳..... تحت قاعده‌بودن ازدواج در اسلام
- ۱۶۴..... همسانی زن و مرد در کسب فضائل معنوی
- ۱۶۵..... عدم جواز تعدد زوجات، موجب نقصان قانون
- ۱۶۶..... اسلام و مدیریت زن در جامعه**
- ۱۶۶..... رجليّت، شرط مدیریت جامعه
- ۱۶۶..... کرامت زن، دلیل معافیّت زن از بعضی مشاغل
- ۱۶۷..... سیره فاطمی و حضور زن در مناصب مدیریتی
- ۱۶۸..... لباس دین و استقلال زن**
- ۱۶۸..... پوشاندن صورت، نشان کرامت نفس زن
- ۱۶۹..... چادر، نماد حضور شجاعانه زن در اجتماع
- ۱۷۰..... تحصیل یا خانه‌داری**
- ۱۷۰..... وجوب علم بر مرد و زن
- ۱۷۱..... تحصیل به مقدار نیاز جامعه بانوان
- ۱۷۲..... خانه‌داری، اشرف کارها

۱۷۳.....	زنان و مردان خردمند: مخاطبان قرآن
۱۷۳.....	درجه احساسات و عاطفه در بانوان
۱۷۴.....	تفسیر نقصان عقل در روایات
۱۷۵.....	پیوستگی زن و شوهر در فرهنگ اسلام
۱۷۵.....	ابعاد شخصیت انسان
۱۷۶.....	روابط همسران از نگاه قرآن
۱۷۷.....	اسلام و فرهنگ ازدواج
۱۷۷.....	تفسیر صحیح اوضاع دنیا
۱۷۸.....	قرآن و کلید تفسیر مشکلات
۱۷۹.....	ازدواج؛ از فرهنگ ما تا فرهنگ اسلامی
۱۸۱.....	زنان و قضاوت
۱۸۱.....	گواهی تاریخ بر عدم قضاوت زنان
۱۸۱.....	نقش استعمارگران در گرایش‌های غیراسلامی
۱۸۲.....	اختلاط در حال طواف
۱۸۲.....	لزوم تسلیم حکم خدا بودن
۱۸۲.....	طواف، جلوه‌ای از روز قیامت
۱۸۴.....	حجاب، موجب پاکی جامعه
۱۸۴.....	فوائد بی‌شمار حجاب
۱۸۵.....	فرهنگ غربی دون شأن زن
۱۸۵.....	ترجیح کرامت زن توسط اسلام بر هر چیز دیگر
۱۸۶.....	تعالیم نجات‌بخش اسلام درباره بانوان
۱۸۶.....	لزوم بررسی مسائل زنان با نگاه عقلانی

- ۱۸۷..... اسلام، نجات بخش بانوان.....
- ۱۸۹..... اختلاط با بیگانه، اهانت به زنان.....
- ۱۹۰..... فضیلت خانه‌داری.....
- ۱۹۰..... یگانگی زن و شوهر در اسلام.....
- ۱۹۱..... سخن آخر.....
- ۱۹۳..... زنان و مقام پیامبری.....**
- ۱۹۳..... رسالت و نصب الهی.....
- ۱۹۵..... همسانی زن و مرد در خطابات الهی.....
- ۱۹۶..... رسالت و کارهای دشوار.....
- ۱۹۸..... تفکیک جنسیتی و پیشرفت علمی.....**
- ۱۹۸..... لزوم تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها.....
- ۱۹۹..... لوازم پیشرفت علمی در دانشگاه.....
- ۱۹۹..... هزینه تفکیک جنسیتی، مورد قبول ملت مسلمان.....
- ۲۰۰..... مدیریت داخلی و بیرونی خانواده.....**
- ۲۰۰..... فطرت و طبیعت، مبانی تکلیف.....
- ۲۰۰..... مدیریت داخل منزل مطابق طبیعت زن.....
- ۲۰۲..... الحاق به کنوانسیون حقوق زنان.....**
- ۲۰۲..... الحاق به کنوانسیون، تنازل از مواضع اسلامی.....
- ۲۰۲..... لزوم ایستادگی مسئولان نظام اسلامی.....
- ۲۰۴..... اختیار طلاق و مراعات حقوق و شرافت زن.....**
- ۲۰۴..... مبنای عقلی و عرفی اختیار مرد در طلاق.....
- ۲۰۵..... پیش‌بینی جنبه‌های تأمینی برای زن.....

- ۲۰۶..... **دختر نمونه کیست؟**
- ۲۰۷..... ملاک‌های دختر شایسته
- ۲۰۸..... **تفاوت احکام زن و مرد در اعمال حج**
- ۲۰۸..... تفاوت، نه تبعیض
- ۲۰۹..... وجوب تسلیم حکم خدا بودن
- ۲۱۰..... **دیه زن و مستندات آن**
- ۲۱۰..... روشن بودن حکم دیه زن در منابع فقهی
- ۲۱۱..... اسلام یعنی تسلیم



سامه
په

حجاب، کرامت و شرافت زن مسلمان^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»^۲

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته

با عرض ادب و احترام به علماء اعلام و دانشمندان و حضار محترم که در این همایش عالی که برای تکریم و بزرگداشت یکی از ارکان بزرگ هویت اسلامی مسلمانان تشکیل گردیده حضور دارند، این سپاس را تقدیم می‌نمایم:

ناکامی دشمنان در توطئه علیه حجاب

رکن و پایه‌ای که بانوان مسلمان به آن در جهان امتیاز دارند و کرامت و شرافتی که به آن افتخار می‌نمایند، رکن قویم و اصیل حجاب است. پس از یکصد و پنجاه سال، تلاش سیاست‌های استعماری در

۱. پیام به همایش عفاف و حجاب استان اصفهان؛ سوم محرم الحرام ۱۴۳۳ هجری قمری.

۲. «و هنگامی که از آن زنان چیزی می‌خواهید از پشت پرده و حجاب بطلبید». سوره احزاب؛ آیه ۵۳.

حجاب‌زدائی ناکام ماند و با این‌که در کشورهایی، مثل ترکیه و افغانستان و ایران، عوامل مزدور و بی‌سواد و فاقد غیرت، مثل مصطفی کمال و امان‌الله خان و رضاخان را برانگیختند و به قوه قهر و کشتار و حبس و زور و ارتکاب جنایات بسیار، به میدان جنگ با حجاب اسلام آمدند، در برابر استقامت مسلمانان شکست خوردند، و خودشان از صفحه‌های ظلم و جنایت به دار البوار جهنم شتافتند.

قوت ایمان مسلمانان و التزام آنها به سنن اسلامی و حجاب، در کمال استحکام متجلی گردید. در ایران ما - که الحمدلله از برکت انقلاب اسلامی، حجاب و عفاف در جایگاه رفیع خود قرار گرفت - بانوان متعهد و متدین به هویت خود، به حجاب به چادر افتخار می‌کنند.

در کشور ترکیه، بازگشت به حجاب، روز به روز بیشتر، و مقامات عالی این کشور در اعاده این هویت پیش‌قدم می‌باشند.

در افغانستان - که از روز اول امان‌الله خان را خلع نمودند - الحمدلله شجره طیبه حجاب در شرایط فعلی و بیداری اسلامی هر روز شاداب‌تر می‌شود.

استقامت بانوان مسلمان

هر چند دشمنان اسلام، دست از معارضه با آن بر نمی‌دارند و با زنان محجبه مسلمان در داخل کشورهای خود جنگ دارند و با جعل قوانین ضد انسانی، و حتی جریمه و ممنوعیت‌هایی، فضا را بر مسلمانان - که برخی از آنان از اساتید دانشگاه‌ها هستند - تنگ می‌کنند، اما با مقاومت و استقامت و



اعتراضات قانونی آنها مواجه می‌شوند، مانند همین جریانی که در کشور به اصطلاح دروغ آزاد و متمدن فرانسه جاری است، و در این میان، این اعتراف نیز جالب است که یکی از سران این دولت‌های اسلام‌ستیز، از حمایت ممنوعیت حجاب سرباز می‌زند و می‌گوید: مریم طاهره، مادر حضرت مسیح علیهماالسلام محجبه بوده است.

با این همه، مسأله حجاب در میان چالش‌های سیاسی و سیاست اسلام‌زدائی استکباری حفظ شده است، و مسلمانان حتی در کشورهای مسیحی از بعضی کشورهای اسلامی بیشتر متعهدند که روی‌پوش مناسب داشته باشند.

ما به این بانوان فاضل و شجاع که در میان آن سیاست‌ها در کشورهای غربی، شخصیت اسلامی خود را با حجاب کامل اعلام می‌کنند افتخار می‌کنیم، و از خداوند متعال، قوت روزافزون انقلاب اسلامی کشورمان را در حفظ هویت اسلامی، مخصوصاً حجاب؛ در همه جا و همه نهادها، همه همایش‌ها، همه اجتماعات و مؤسّسات فرهنگی، دبستان‌ها، دبیرستان و دانشگاه‌ها و رسانه‌ها مسألت می‌نماییم.

لزوم ایستادگی بانوان بر امر حجاب

سزاوار نیست و دور از انتظار است که بانوی مسلمان، در غرب و قلب اروپا بر حفظ حجاب اسلامی آن‌گونه در برابر فشارهای دولت‌های آنها مقاومت کند، ولی در کشور اسلامی عزیز ما ایران، ترک چادر مد و رایج شود و بعضی از دختران دانشجو بدون چادر باشند.

آنجا ایستادگی و قدرت ایمان و شجاعت و خودباوری باشد، و اینجا گرایش به قهقرا و ترک سنت‌ها و شعارهای مقدس انقلاب اسلامی - العیاذ بالله - رایج شود.

حجاب، از ضروریات اسلام

نکته پایانی عرض بنده این است که وجوب حجاب در اصل، از ضروریات اسلام است که قرآن و روایات متواتر بر آن تأکیدات بلیغ دارند. هر مسلمانی باید، حفظ این هویت و این سنت و این افتخار را وجهه همّت قرار دهد و به آن افتخار نماید.

از حضرات برگزار کننده این همایش و شرکت‌کنندگان محترم تشکر و تقدیر نموده و موفقیت همگان را در اعتلاء و عزّت مملکت اسلامی و پیروی از دستورات شرع مقدّس تحت عنایات خاصّه حضرت بقیّةالله ارواح العالمین له الفدا از خداوند متعال مسألت دارم. و السّلام علیکم و رحمةالله وبرکاته

الگوئی بانوان مسلمان^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. السَّلَامُ عَلَى الصَّادِقَةِ الطَّاهِرَةِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ عَلَى وَلَدِهَا الَّذِي بَشَّرَهَا بِهِ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتِهِ عَلَى عِبَادِهِ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْمُبِينِ الْحُجَّةَ الثَّانِيَ عَشَرَ أَرْوَاحَ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ.

خجسته میلاد بانوی یگانه جهان، سیده نسوان را به پیشگاه اقدس کُهِفِ امان و صاحب دوران حضرت امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ وَ دُوسْتَدَارَانِ وَ مَحَبَّانِ اَهْلِ بَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ تَبْرِيكَ وَ تَهْنِيتِ عَرْضِ نَمُودِهِ وَ بَرَايِ هِمَّةِ اَنَانِي كِهِ افْتِخَارِ شَرَفِ حُضُورِ دَرِ جِشَنِ مَلَكُوتِي مِيلَادِ كُوتَرِ رَا دَارَنْدِ، دَوَامِ تَوْفِيقِ مَسْئَلَتِ نَمُودِهِ وَ بِهِ مَحْضَرِ شَرِيفِ هَمْگَانِ، شَادَبَاشِ تَقْدِيمِ مِي نَمَايِمِ. يَكِي اَزِ جَلُوهَايِ دَرخْشَانِ وَ بَسِيَارِ حَسَّاسِ وَ مَعْرِفَتِ اَمُوزِ حَيَاتِ حُضْرَاتِ

۱. به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها؛ ۱۹ جمادی الثانیة ۱۴۲۵ هجری قمری.

معصومین علیهم السلام، که مشحون به پیام‌های سعادت‌بخش و هدایت‌های عالی و راهنمای بشر در طول تاریخ و مرور اعصار و ادوار است سیره خاصّ هر یک از آن بزرگواران می‌باشد که در عصر خود و شرایط و اوضاع خاصّی که با آن روبه‌رو شده‌اند در احیای دین و اعلاء کلمه اسلام و نجات جامعه از گمراهی، نقش اساسی داشته است.

سبک زندگی فاطمی

در این میان و به مناسبت ایام، موضع الهی حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها را در نظر می‌گیریم که از ویژگی‌های مختصّ به خود و امتیازاتی بی‌نظیر برخوردار است؛ اگر چه عمر ظاهری آن حضرت به واسطه ورود آن مصایب و مظالم جانکاه، کوتاه شد و در عنفوان جوانی شهید شدند و به لقاءالله شتافت، اما در همین فرصت کوتاه، موضعی را از خود نشان داد و مواقعی را از خویش به یادگار گذاشت که درس‌های آموزنده و سازنده آن در طول تاریخ برای همه، مخصوصاً مسلمین راه‌گشا و حق‌نما است؛ به قول شاعر که می‌گوید:

ضلّ من جعل مقياس الحياء الطّولا؛ مقياس حیات بشر، طول عمر و برخورداري از خواب و خوراک و بستر نرم و پوشاک نیست؛ آنچه مهمّ است عرض حیات و برکات وجودی انسان است.

حیات حضرت زهرا سلام‌الله علیها، مانند حیات پدر بزرگوارشان، بسیار عریض، گسترده و پر از آثار و برکات بود.

اگر چه عمر آنان ۱۸ سال یا ۶۳ سال بود، اما عرض آن بیش از میلیون‌ها و

بیشتر و بیشتر بود؛ مهمّ این است که شخص در مدّت کوتاه زندگی، کارهای بزرگی را انجام دهد که از دیگران در هزاران برابر آن سال‌ها، صادر نمی‌شود. مواضع حضرت زهرا علیهاالسلام، در ایمان و معرفه الله، در زهد و بی‌اعتنایی به دنیا، در رحم و احسان و ایثار، در عبادت و بندگی خدا، در همسررداری و تربیت فرزند، در حفظ کرامت‌ها و حشمت‌های خاصی که اسلام برای بانوان توصیه نموده است، در رعایت ستر و عفاف و در نشان دادن تمام آن ده صفت برجسته‌ای که در سوره احزاب^۱ برای زنان، مانند مردان افتخار شمرده شده، نمونه و یگانه بود.

در بین این همه مواضع ممتاز، مواضع آن حضرت بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در برابر آن فتنه‌ها و انحرافات عجیب و ارتجاعی که پیش آمد، تاریخی، نجات دهنده و کوبنده بود؛ موقفی بود که اگر چه مدّت آن به ظاهر کوتاه و در حدود ۳ ماه بیشتر نبود، اما تا امروز

۱. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً عَظِيمًا؛ به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبیا و زنان صابر و شکیبیا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.»، سوره احزاب، آیه ۳۵.

پس از ۱۴ قرن و بعد از اینها همواره زنده و برقرار و پیام‌های آن به گوش‌ها می‌رسد.

لزوم الگوگیری از استقامت فاطمی

موقفی بود که می‌توان گفت به ملاحظه مأموریت خاصی که حضرت مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام داشت، مأموریت اعلان حقایق و ابطال باطل و افشای گمراهی‌های دشوار و اعلام خطر و بیان اسلام ناب و فلسفه احکام و مقاصد دین بر عهده حضرت زهرا ی اطهر بود.

آن همه استقامت و مقاومت در برابر هجوم‌های وحشیانه، همه در مسیر حفظ دین از انقراض و پاسداری از زحمات رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود. گویی زبان حال اسلام خطاب به فاطمه این بود که در این شرایطی که علی، مرد یگانه اسلام، موضع و مأموریت و تکلیف خود را دارد چه کسی غیر از تو باید از اسلام دفاع کند و در برابر این سیل بنیان‌کن بایستد و اگر تو از اسلام دفاع نکنی، چه کسی خواهد کرد؟

تو ای فاطمه! باید واقعیت این فتنه‌ها و نقشه‌هایی را که گروه جاه‌طلب و ریاست‌خواه، در سر دارند و عواقب سوء آن را بر ملا کنی.

خطبه‌ای معجزه‌وار

آن خطبه رسا، تاریخی و مشحون به حقایق دینی و تعالیم اسلامی و مطالب و مسائل مهم سیاسی، یک خطبه ساده نبود؛ یک معجزه بزرگ بود؛ معجزه فاطمه زهرا، معجزه پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، معجزه

اسلام و معجزه عالم غیب بود.

در آن شرایط سخت و اوضاع دگرگون و آشفته، انشای آن مطالب که همه وحی گونه است، به صورت بدیهه، با آن بیان و نهایت فصاحت و بلاغت و با حفظ ستر و از پشت پرده، معانی و پیام‌های مهمی دارد.

اصولاً هر کسی که تاریخ را دقیقاً بررسی کرده باشد می‌داند که در آن جوّ هیاهو و ارعاب - که آن شخص، با شمشیر کشیده و جلاّدان همراهش در کوچه‌های مدینه، گردش می‌کردند و مردم را با تهدید به بیعت با حاکم خود خوانده، فرا می‌خواندند - این فقط فاطمه زهرا بود که توانست در مسجد، بانگ اعتراض و محکوم‌بودن آن وضع را با آن صراحت بلند کند که تا امروز و بعد از این، آن بانگ همچنان طنین‌انداز است؛ چنان‌که موضع مظلومیت و اعلام عدم مشروعیت آن حکومت و وصیت فاطمه سلام‌الله علیها، به این‌که شب دفن شود و مکان قبرش معلوم نباشد از مواضعی است که اکنون پس از ۱۴ قرن، مردم را به اسلام راستین که همان تمسک به تقلین است هدایت می‌نماید.

لزوم فاطمه‌شناسی

انصاف این است که مواضع و مقامات فاطمه علیهاالسلام، با تمام آنچه در مورد آن گفته و نوشته‌اند، ناشناخته مانده است و سزاوار است فاطمه‌شناسی در حوزه‌ها و مراکز تحقیق و پژوهش، یک رشته خاص و مستقل باشد.

این برنامه‌های عظیم و گسترده فاطمیه که در هر دو ماه جمادی (اول و

دوم) با شکوه و عظمت فراوان انجام می‌شود، و این همه ابراز احساسات ارادتمندان مخلص اهل بیت علیهم‌السلام، موجب احیای دین و اعلاء کلمه اسلام و بیداری و هوشیاری همه، خصوص نسل جوان می‌باشد و این دو ماه با عنوان «فاطمیه»، مکتب تربیت و مدرسه آموزش دین گردیده است و در پایان آن، جشن‌ها و مراسمی که به مناسبت ولادت باسعادت آن حضرت برگزار می‌شود نیز با جلوه و پیام‌های خود، قلوب را به حقایق و معنویات و حفظ هویت اسلامی و تعهد دینی، بسیج می‌نماید.

حقیر، از عموم عزیزان موفق که در برگزاری مراسم سوگواری شهادت و شادمانی ولادت آن حضرت، اهتمام دارند به سهم خود تقدیر می‌نمایم. امید است خدمات همگان در آستان فرشته‌پاسبان حضرت ولی عصر ارواح العالمین له الفداء، به احسن وجه، به شرف درجه قبول نایل و موجب مسرت خاطر آن عزیز خدا باشد. و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

الگوی ایثار^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ...»^۲

نقش ممتاز حضرت خدیجه در یاری اسلام

تجلیل و تعظیم از شخصیت یگانه بانویی که با ایثارها، فداکاریها، همراهیها و همدلیها، پیامبر عظیم الشان حضرت خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را در انجام بزرگترین مأموریت‌های جهانی الهی، پشتیبان و نقطه اتکائی منیع و عزیز بود، وظیفه حق‌شناسی همه ملت و امت است و باید، همواره یاد ایشان تازه و تجدید گردد.

به راستی، توصیف نقش و اثر این چهره نورانی در به ثمر رسیدن

۱. به مناسبت سالروز ارتحال حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام؛ غرّه رمضان المبارک ۱۴۲۶ هجری قمری.

۲. «برترین زنان بهشت: خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و ... می‌باشند». بحار الأنوار، جلد ۲۹،

دعوت اسلام، فوق بیان است. نهال نوپای توحید تا هفت سال به وجود او و حضرت امیرالمؤمنین علیهما السلام در کنار رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم برپا و پایدار بود.

مصیبت فقدان این بانو برای اسلام و مسلمین و شخص حضرت خاتم المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم به قدری سنگین بود که در تاریخ اسلام، سال رحلت او عام الحزن نامیده شد.

الگوی بانوان مسلمان

امتی که بانوانش، الگو و اسوه‌ای، مثل خدیجه کبری و حضرت سیده نساء العالمین علیهما السلام دارند، باید به آن، بر امم دیگر مباهات و افتخار نمایند، و بانوانشان در فضیلت و شخصیت و حق‌پرستی و اعتماد به نفس و اخلاق ملکوتی و ایمان و نجابت و خودسازی و ستر و عفاف، باید ممتاز و در جایگاه بلند و قلّه‌های رفیع ارزش‌های اسلامی و قرآنی باشند.

امید است روز بزرگداشت ارتحال آن بانوی بزرگ اسلام، موجب تعظیم شعائر و آشنایی بیشتر خواهران مسلمان به مکتب، سیره و مواضع و مواقف شکوهمند و پُر از صلابت و مهابت آن نمونه برتر فضائل شود.

از خداوند متعال برای عزیزان و دل‌باختگان آستان اقدس اهل بیت نبوت و رسالت علیهم السلام که سالروز ارتحال آن بانوی دنیا و آخرت را در این ماه عزیز خدا، گرامی می‌دارند، توفیق و تأیید مسألت می‌دارم و السلام علیهم و علی جمیع المؤمنین و المؤمنات و رحمة الله و برکاته.

عَفَّتْ زَيْنَبُ عَلَيْهَا السَّلَامُ^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تعالى: «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۲

با عرض ادب و سلام و احترام خدمت بزرگان و فرهیختگان حاضر در این مجلس شکوهمند و همایش نورانی و ولایی که برای بزرگداشت، تجلیل و تکریم و تعظیم از مقامات عالیه و مواقف عظیمه و شئون کریمه حضرت عالمه غیر معلّمه، نائبة الزهراء و شریکة سیّدالشهداء، عقيلة القریش زینب کبری علیها السلام برقرار است، این افتخار بزرگ را - که نصیب برگزارکنندگان محترم این همایش و شرکت کنندگان ارجمند شده است - گرامی می دارم.

۱. پیام به همایش تجلیل از عقيله بنی هاشم حضرت زینب علیها السلام؛ ۱۵ رجب المرجب ۱۴۳۳ هجری قمری.

۲. «مردان و زنان با ایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می کنند.»، سوره

حضرت زینب، الگوی مردان و زنان

آنچه که باید متذکر باشیم این است که این همایش و بزرگداشت در اعتبار و عظمت و معنا و پیام‌هایی که به جهان بشریت و مخصوصاً جوامع معاصر دارد، بی‌نظیر است.

در دنیای کنونی، مردان و بانوان، همه به فراگرفتن درس در مکتب بزرگ این بانوی عظیم‌الشان و مواضع هیبت‌انگیز و دفاع شجاعانه او از اسلام و قرآن و ابطال باطل و ظلم و الحاد و استبداد و استضعاف و احقاق حق و پیام‌های حیات و سیره آن حضرت نیازمندند.

زینب! آری زینب یک اسم از چهار حرف، اما همه فضایل انسانیت و همه ارزش‌هایی که خدا در سوره احزاب^۱ برای مرد و زن شمرده است؛ الگوی ایمان و علم و معرفت، اسوه صبر و صداقت و استقامت، نمونه شجاعت و بانویی که در بلاغت و فصاحت زبان پدر را در دهان داشت و همه مکارم اخلاق مادر در وجودش جمع بود و نه فقط زنان مسلمان؛ بلکه امت اسلام از زن و مرد به چنین بانویی افتخار دارد.

سبک زندگی زینبی علیها السلام

سیره او، حجاب و عصمت و عفت او، عبادت او، و عظمت و بزرگی و فخامت او، همه افتخارانگیز است؛ معالی مقامات و مواضع او، و حمایت از دین و نفی حکومت مستکبران تاریخ که سران استکبار زمان را چنان

۱. سوره احزاب، آیه ۳۵.

منکوب و محکوم نمود که تا ابد، بنی‌امیه در زباله‌دان‌های تاریخ، منفور جهان شد.

الحقّ او از اسلام، از مجد و مفاخر بنی‌هاشم، از شخصیت جدّ بزرگوارش رسول الله صلی‌الله علیه و آله و از قرآن مجید، پاسداری کرد و اسلام و قرآن و دین توحید، همه مدیون او هستند. تصوّر این‌که اگر او نبود، تاریخ چگونه ورق می‌خورد، بسیار وحشت‌انگیز است.

لزوم الگوگیری بانوان از حضرت زینب علیهاالسلام

امید است که امروز، زنان مسلمان، الگوی زندگی خود را آن حضرت قرار دهند و در تمام وظایف دینی و شرعی خود از آن بانوی بزرگ اسلام درس گرفته و به چنین اسوه‌ای به جهانیان افتخار کنند، و نام و یاد و پیام‌های ولایی و معنوی حضرت زینب علیهاالسلام را همیشه زنده نگهدارند؛ صلی‌الله علیها و علی جدّها و أبیها و أمّها و رحمة‌الله و برکاته.

بانوان قرآنی'

بسم الله الرحمن الرحيم

السّلام علي إماء الله الصّالحات اللّاتي وصفهن الله تعالي في القرآن الكريم
بأشرف الأوصاف و أعلي المراتب و الكمالات المسلمات المؤمنات الذاكرات
الأمّيات الخاشعات اللّاتي أعدّ الله لهن مغفرةً و أجراً عظيماً

مادران قرآنی، الگوی بانوان مسلمان

سلام بر مادران قرآنی، بر مادرانی که هم خود به تربیت قرآن تربیت شده
و هم فرزندان قرآنی در دامن مهر و محبت خود پرورش می دهند؛ مادرانی
که در طلیعه آنها خدیجه کبری مادر حضرت سیّده النّساء و مادر بزرگ
یازده امام تا حضرت مهدی علیه السّلام می باشد؛ مادران شهیدی که در
اسلام چنان درخشیده اند که همه بانوان و بلکه مردان به آنها افتخار
می نمایند و غبطه مقام و عظمت آنها را می خورند؛ حضرت زینب سلام الله
علیها مادر فرزندان شهید از دودمان ابوطالب، جعفر طیّار، امّ البنین مادر

۱. به نخستین همایش مادران قرآنی، تهران؛ رمضان المبارک ۱۴۳۱ هجری قمری.



حضرت عباس علیه‌السلام، مادر حضرت قاسم، مادر حضرت علی اکبر و حضرت علی اصغر، مادر وهب و مادرهای عظیم‌الشان از اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان قرآنی پیروان قرآن و عترت؛ آری! همه باید قرآنی باشند؛ عالم و جاهل، صغیر و کبیر، مرد و زن همه باید قرآنی باشند.

وظایف مادران قرآنی

مادران قرآنی، بانوان قرآنی!

در قرآن کریم هر کجا اعلامیه‌ها و اعلانات بزرگ بشری عنوان می‌شود، بانوان، هم‌ردیف مردان مخاطب می‌باشند. در هر جا که فضایل حقیقی مانند «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۱، «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۲ و «لَايَاتٍ لِّأُولَى الْأَلْبَابِ»^۳ عنوان شده است، مرد و زن با هم مقصودند.

مادران قرآنی، همان‌ها که در راه اسلام و نصرت دین، فرزندان‌شان به شرف شهادت نائل شده‌اند و آنها که تربیت قرآنی و حفظ سنت قرآنی را شعائر و افتخار نموده‌اند، امروز در عصر حاضر و دعوت‌هایی که از بانوان به غرب‌گرایی و ترک‌گرایی‌های دینی می‌شود مسئولیت بزرگی دارند؛ حفاظت از سنن قرآنی در حدّ مهمی به دوش آنها است؛ همت و پایداری آنها بر هویت اسلامی و امتناع و خودداری از ورود به بعضی برنامه‌ها و

۱. «مایه هدایت پرهیزکاران است». سوره بقره، آیه ۲.

۲. «همانا گرمی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست». سوره حجرات، آیه ۱۳.

۳. «نشانه‌هایی است برای خردمندان». سوره آل عمران، آیه ۱۹۰.

نهادها، نقش بزرگی در بقای هدایت و تعلیمات قرآنی دارد.

پیام‌های قرآنی به مادران مسلمان

همایش مادران قرآنی، بانوان قرآنی باید بر محور پیام قرآنی «استقامت در دین» باشد؛ پیام «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا»^۱، نصرت در امر دین و استقامت در حجاب و عفاف، افتخار دانستن و عبادت شمردن خانه‌داری، فرزند پروری، استقامت در ترک اختلاط و محافظت بر جدایی از نامحرم، همه پیام است.

«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ؛ با مردان به نرمی سخن مگویید تا مبادا آن که دلش بیمار است، به طمع افتد.»^۲

«وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ؛ و هنگامی که از آن زنان چیزی می‌خواهید از پشت پرده و حجاب بطلبید که برای آن که قلوب شما [مردان] و قلوب آن زنان پاکیزه بماند، بهتر است.»^۳

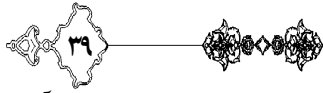
«وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ؛ و چنان پای بر زمین نزنند که زینتشان آشکار گردد.»^۴

۱. «همانا کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس استقامت ورزیدند...» سوره احقاف، آیه ۱۳.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۲.

۳. سوره احزاب، آیه ۵۳.

۴. سوره نور، آیه ۳۱.



اینها عنوان‌هایی است که بانوان قرآنی باید مروّج و حافظ و پاسدار آن باشند. همایش‌ها هم نباید مشوّق مسأله حضور بانوان در اجتماعات بزرگ باشند.

فضیلت پوشاندن صورت

اجازه دهید تا این یک کلمه را عرض کنم و از خود رفع مسئولیت نمایم؛ متوجّه باشید: قرآن کریم و احادیث شریفه و سیره ائمه علیهم‌السّلام همه بر رجحان و فضیلت پوشیدن صورت برای بانوان اتّفاق دارند؛ اگر واجب ندانند حُسن و رجحان آن مسلّم و افتخار است همان‌گونه که حضرت زهرا سلام‌الله علیها فرمودند.

خداوند متعال، بانوان و مردان ما را در حفظ شخصیت اسلامی و پاسداری از فرهنگ الهی و قرآنی ثابت‌قدم قرار دهد و مادران قرآنی را با قرآن مجید محشور فرماید. والسّلام علیکم و رحمة الله

خطر جاهلیت مدرن^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ
وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ
وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ
اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۲

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

سلام بر عموم مؤمنین و مؤمنات، سلام بر بانوان با ایمان، سلام بر بانوان
و مردانی که به اوصاف ده‌گانه‌ای که در آیه ۳۵ احزاب به آن اشاره شده،
آراسته هستند و سلام بر همه شرکت‌کنندگان در کنفرانس اتحاد بانوان
مسلمان و به ویژه شیعیان و پیروان معارف و هدایت‌های اهل بیت
علیهم‌السَّلَام.

۱. پیام به کنفرانس اتحاد بانوان مسلمان در کانادا؛ شعبان المعظم ۱۴۲۴ هجری قمری.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۵.

وضع بانوان در دوران جاهلیت

حضار محترم! چنان‌که علاوه بر عموم مسلمانان، همه ارباب اطلاع از تاریخ اقوام و ملل جهان و جوامع مختلف بشری آگاه‌اند، بانوان پیش از اسلام بر حسب مکتب‌ها و در میان جوامع گوناگون، موقعیت‌هایی که بسیار دون شأن و مقام آنهاست داشته و همه‌جا تحت استذلال و استحقار بودند.

در بین اعراب، وضع به همان صورت بود که قرآن کریم می‌فرماید: «إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَلَّا يُمَسِّكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»^۱

کرامت و ارزش والای زن در پرتو اسلام

یکی از کسانی که مثل دیگران در جاهلیت، چند دختر خود را سنگ‌دلانه زنده به گور نمود، عمر بن خطاب بود^۲ که به واسطه‌ی تابش نور اسلام، این عادت بسیار زشت، مانند بت‌پرستی و دیگر عادات زشت

۱. «در حالی که هر گاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود و به شدت خشمگین می‌گردد. به خاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد (و نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد یا در خاک پنهانش کند؟ چه بد حکم می‌کنند.» سوره نحل، آیات ۵۸-۵۹.

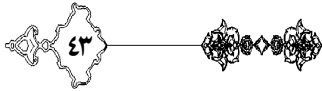
۲. الاستاذ محمد سعید الافغانی، مجلة حضارة الاسلام، ط دمشق، ع ۲، س ۲۲، ص ۲۱؛ و ماوردی بصری شافعی، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، ج ۱۳، ص ۶۷، انتشارات دار الکتب العلمیة بیروت؛ و لشتقیطی محمد الأمين، أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، ج ۸، ص ۴۳۹، انتشارات دار الفکر بیروت.

منسوخ شد و زن به موجب همین آیه و دیگر آیات و سیره و روش پیغمبر صلی الله علیه و آله، ارزش و کرامت خود را دریافت، و در خطاب‌های عام قرآنی مثل: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» هم‌تراز مردها، مخاطب خطابات الهی قرار گرفت و در آنچه ارزش حقیقی هر انسان است و کرامت انسان به آن است، چون این صفات ده‌گانه با مردها و در ردیف آنها به مسابقه دعوت شد، و چه بسا زنانی که در این مسابقات، گوی سبقت را از مردان و شوهران خود می‌ربایند، و در پایداری بر استقلال و شخصیت اسلامی و هویت حقیقی انسانی، استقامت بیشتر نشان می‌دهند و در محیط‌هایی که برخی مردها تحت تأثیر قرار گرفته و خوی خود را فراموش و به انحطاط و انحراف و ابتذال گرایش می‌یابند، زنانی هستند که حجاب و ارزش‌ها و امتیازات اسلامی خود را پاس داشته، و در هر کجا و هر شهر و دیار و بین هر جامعه‌ای باشند، مسلمان و پای برجای‌اند.

الحمد لله این بانوان مسلمان در مثل کانادا، اروپا، آمریکا و دیگر نقاط جهان کم نیستند و رفتار اسلامی آنان باعث افتخار همه مردان و زنان مسلمان است.

هشدار درباره ظهور جاهلیت مدرن

حقیر در این فرصت تذکر می‌دهم: اگر چه از برکت اسلام، بانوان، جاهلیت قبل از اسلام را پشت سر گذارده‌اند و خود را شناخته، و در میدان ایمان و عفت و خویشن‌داری و سایر صفاتی که در اسلام امتیاز است، موفقیت یافته‌اند، اما در عصر حاضر و در این دوره غیبت حضرت صاحب



الأمر ارواح العالمین له الفداء، چنان‌که مشاهده می‌کنیم با ظهور مکتب‌های بسیار فاسد حیوانی و شهوانی، بشریت رو به ابتذال گذارده، و موقعیت و شرف انسان و نوامیس مقدّس و عفت بانوان، در برخی جوامع - اگر به سقوط کامل نرسیده باشد- در شرف سقوط است، و جاهلیت در حال ظهور است.

در این جاهلیت نیز اگر چه همه در معرض امتحان قرار گرفته و انسانیت جوامع مخصوصاً جوامع لائیک و غیر ملتزم به نظامات دینی و اخلاقی از هر حیث، تهدید و متزلزل شده است، بانوان نیز بر حسب خودشان در امتحانات خاصّ قرار گرفته‌اند.

بر حسب روایات شریفه، هم‌جنس‌بازی و اختلاط بی‌حدّ و مرز زن و مرد و سایر معاصی و گناهان کییره رایج می‌شود چنان‌که هم اینک در بعضی کشورها رایج و رسماً به اصطلاح خودشان قانونی شده است.

وظیفه مسلمانان در برابر جاهلیت مدرن

در این شرایط، هر زن و مرد مسلمانی باید بداند در این هجوم فساد و فحشا و در این شرایطی که بسیاری حفظ شرف و ناموس را به استهزاء می‌گیرند، کسانی در پیشگاه عقل، وجدان، خدا و قرآن سربلند و سرافرازند که هدایت‌های اسلامی و قرآنی و تعلیمات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام را گرامی داشته و در ایمان و اسلامیت خود ثابت‌قدم بمانند و مانند کوه از هیچ باد حادثه و جوّ و غلبه اهل باطل و فساد متزلزل نشوند.

امید است ثمرات این کنفرانس برای همگان به خصوص بانوان و خواهران

ارجمند و گرامی و مؤمن ما در همه رشته‌های اخلاقی و تربیتی، اتحاد و همکاری و اشتراک همه در پیشرفت امور، چشمگیر و موجب رضای حضرت ولی عصر صاحب الزمان ارواحنا له الفداء باشد إن شاء الله. و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته

استقامت اسلامی^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تعالى: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۲

تقدیر از ثبات قدم مسلمانان ترکیه

سلام بر مسلمانان با استقامت! بر آنان که هویت اسلامی و التزامات دینی خود را گرامی می‌دارند و در مواضع خود ایستاده‌اند!

سلام بر مسلمانان افتخارآفرین ترکیه! بر آن خواهران و برادران عزیز که نه تنها در داخل کشور خود در حفظ اسلامیت جامعه خویش اعلام وجود می‌نمایند، بلکه به مسلمانان کشورهای دیگر درس وفاداری به اسلام و قرآن می‌دهند، ما به آنها درود می‌فرستیم که نزدیک یک قرن است در برابر جو سازی‌ها و فشارها، در خطّ اسلام، ثابت قدم مانده‌اند.

۱. به مناسبت محکومیت اقدام لایک‌های ترکیه برای ممنوعیت مجدد حجاب در دانشگاه‌ها؛ ۷ جمادی الثانیة ۱۴۲۹ هجری قمری.

۲. «کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.»، سوره احقاف، آیه ۱۳.

لزوم وحدت مسلمانان ترکیه

متأسفانه بر خلاف قوانین و عرف بین‌الملل در ترکیه، آزادی و حقوق حقّه بانوان مسلمان - که دارای اکثریت هستند - معرض تجاوز اقلیت قرار گرفته است و دانشجویان دختر را به نام حجاب و پوشش مقدّس اسلامی - که هر بانوی مسلمان باید به آن متعهد باشد - از درس و تحصیل علم و حضور در کلاس‌های دانشگاه محروم می‌کنند.

پافشاری بر استقلال و هویت ملی و اسلامی خواهران و برادران ترک ما، قابل صد هزار تحسین است. الحقّ این جایگاه بلند از ملت مسلمان ترک، دور از انتظار نبوده و نیست.

سزاوار است که آن اقلیت نیز به این اکثریت بیوندند و با همکاری، کشور خود را در مسیر ترقّی و موفقیت شایان به سوی جلو جهش بدهند و برنامه‌هایی را که خلاف شأن و موقعیت بین‌المللی و اسلامی ملت با فرهنگ ترکیه است کنار بگذارند و در مسیر تحصیل علم و دانش و رشد فکری جامعه، مانع ایجاد ننمایند.

مدافعان عقّت و حجاب^۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

برادر محترم جناب آقای رشید نقّار دام رنده

السلام علیکم و رحمة الله

اقدام رشیدانه شما در اختصاص مبلغی برای پرداخت جریمه‌ای که متأسفانه در کشور فرانسه برای بانوان نقابدار مسلمان معین شده است، حمایت از حریم آزادی فردی و شخصی، و دفاع از حرمت و کرامت و جایگاه رفیع بانوان در دین مبین اسلام است.

اسلام، کرامت بخش زنان

ما به اسلام و به حقوقی که برای زنان مقرر کرده و آنها را در ارزش‌های والای انسانی در آیات متعدد قرآن مجید با مردان برابر قرار داده افتخار می‌کنیم. اسلام است که سالم‌ترین روابط را بین زن و مرد اعلام نموده، و از مفاسد و معایب و مساقطی که امروز زن غربی در آن سقوط

۱. پیام تقدیر از اقدام تاجر فرانسوی در اعتراض به قانون منع حجاب در فرانسه؛ ۱۶ ذی‌الحجه الحرام

۱۴۳۱ هجری قمری.

نموده، مصونیت بخشیده است.

این حقّ برای زن است که خود را از نظرهای شهوانی مردهای شهوتران در اماکن عمومی بپوشاند و قانون، نباید و نمی‌تواند این حقّ را از او سلب کند.

عظمت تعهد معنوی و دینی

این جانب این موضع شرافتمندانه شما را که حاکی از رشادت و شعور انسانی و اسلامی است، به شما و خواهران و برادرانی که با جناب‌عالی در حفظ هویت اسلامی همکاری دارند تبریک می‌گوییم، و جلوه‌های نورانی این‌گونه استقامت‌ها از بانوان را می‌ستایم.

در دنیایی که خلأ معنویات و اخلاق و خودباوری انسانی هر روز بیشتر می‌شود، تعهد مسلمانان به مبادی معنوی و فضایل حقیقی بشری، سزاوار تحسین و آفرین است.

ما به اسلام و به دعوت اسلام به صلح و انصاف و عدالت و خیر انسان‌ها و گریز از خشونت و فتنه و فساد ایمان داریم، و خود را به رعایت اصول عالی تمدن و ترقی و اعلامیه‌های نجات‌بخش قرآن متعهد می‌دانیم. از خداوند متعال، عزّت و سربلندی و سرافرازی بیشتر مسلمانان را در پرتو عمل به قرآن کریم مسألت دارم.

لزوم بیداری علمای اسلام^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تعالى: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۲

حضرات علمای کبار کشور اسلامی مصر و اساتید بزرگوار ازهر شریف
نصرهم الله تعالی لنصره الإسلام و المسلمین و سائر إخواننا المسلمین فی
مصر، الجزء العزیز من وطننا الإسلامی الکبیر
السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

تأسف از موضع جامع الأزهر

با کمال تأسف، خبر تأیید شیخ طنطاوی مفتی الأزهر مصر، از حرکت
غیر اصولی و بدون مبنای دولت فرانسه و شخص آقای شیراک علیه التزام
مسلمانان شهروند فرانسه و سلب آزادی بانوان شهروند، موجب کمال

۱. به علمای بزرگ مصر در مورد موضع انفعالی مفتی الأزهر در برابر اقدام ضد حجاب دولت فرانسه؛ ۷

ذی القعدة الحرام ۱۴۲۴ هجری قمری.

۲. «و سست نشوید و غمگین نگردید، و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.» سوره آل عمران، آیه ۱۳۹.

حیرت و تعجب گردید.

در موقعیتی که عالم اسلام، منتظر عکس‌العمل شدید و محکوم‌ساختن این تصمیم دولت فرانسه از سوی جامع الأزهر بوده و هستند، شنیدن این خبر موهن و دور از غیرت و تهی از احترام به عزت اسلامی، برای همه شدیداً موجب تأسف است.

انتقاد شدید از بی‌توجهی به عزت اسلامی

اگرچه صدور چنین فتوایی از جانب یکی از علمای مصر - که همه باید در دفاع از کیان اسلام و حفظ عزت مسلمانان و دفاع از حقوق مسلمین پیشگام باشند بسیار بعید می‌باشد - لازم می‌دانیم به فرض صحت آن، اعتراض شدید خود را از این جانب‌داری از موضع ضد آزادی دولت فرانسه که علیه مسلمانان آن کشور و برای محو هویت اسلامی آنان اتخاذ شده است، اظهار، و آن را محکوم نماییم و تنفر خود و مسلمانان جهان را از این موضع ضعیفانه و ذلیلانه شیخ طنطاوی و بی‌توجهی او به مصالح عالیه مسلمین به ویژه در شرایط حاضر اعلام کنیم، و با کمال بی‌صبری از علمای مصر و اساتید محترم ازهر شریف، رفع این اهانت و صدور اعلام برائت از این فتوا را خواهیم.

برای مسلمانان، قابل تحمل نیست که از علمای مصر و ازهر، کسی با حرکت‌های ضد احکام دین مبین اسلام و تعالیم محکم قرآن کریم و خلاف هویت اسلامی یک میلیارد و نیم مسلمان، هم‌نوا و هم‌صدا باشد، و استضعاف و استعلائی آنها را تأیید نماید؛ و لاحول و لا قوه الا بالله العلیّ العظیم.

حجاب، حق بانوان مسلمان^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

تناقض رفتاری غرب مدعی حقوق بشر

دنیای غرب، اروپا و آمریکا در زمان حاضر مرکز اضداد و دعاوی متناقض و سیاست‌های ضدّ و نقیض است؛ از یک‌سو به بهانه آزادی‌خواهی و حمایت از کرامت انسانی و حقوق بشر و این‌گونه شعارها، فریاد می‌زنند و دولت‌ها و ملت‌هایی را که با آنها همگام و مغلوب مطامع و خواسته‌های آنها نیستند به نقض این حقوق و نبود آزادی‌ها و تجاوز به حقوق بشر متّهم نموده و در بین آنها فتنه و دعوا بر پا می‌کنند؛ همه سازمان‌ها و نهادهایشان حتی جامعه ملل و شورای امنیت به نام دموکراسی و دفاع از حقوق بشر در کشورهای مستقلّ مداخله می‌نمایند و به حریم حقوق عام ملت‌ها تجاوز می‌نمایند؛ و از سوی دیگر برای حفظ مصالح استکباری و سیاسی و سلطه خود بر جهان، از استضعاف ملل دیگر هر قدر بتوانند کوتاهی نمی‌نمایند و

۱. به مناسبت تلاش استکباری برخی قدرتهای جهانی در مبارزه با حجاب اسلامی؛ اول ذی القعدة

قلدرمآبانه با ملل دنیا مخصوصاً شرق و به ویژه مسلمین عمل می‌کنند و تا آنجا به مبانی‌ای که مطرح می‌کنند بی‌اعتنا هستند که حتی در داخله خود، حقوق شهروندان خویش را محترم نمی‌شمارند و آزادی آنها را سلب می‌نمایند.

محرومیت از حجاب، محرومیت از حقوق شهروندی

حوادثی که این روزها در کشور به اصطلاح متمدن فرانسه می‌گذرد، وجدان هر انسان آزاده و آگاه را به درد می‌آورد.

فرانسه، کشوری که ادعای آزادی و دمکراسی‌اش گوش فلک را پر کرده است، اکنون در صدد است بیش از پنج میلیون مسلمان شهروند خود را به جرم مسلمانی، از آزادی عقیده و برخی حقوق شهروندی محروم نماید!!! چرا بانوان مسلمان نباید در انتخاب حجاب و پوشش اسلامی آزاد باشند در حالی که فرانسه طبق اصل لایسته، باید اجرای اعمال مذهبی را تضمین کند؟

ملل مسلمان و مردم آزاد جهان واقعاً از این دوگانگی‌ها، مفهومی غیر از اسلام‌ستیزی و عدم احترام به آزادی عقیده درک نمی‌کنند. از یک سو کشورهایی را متهم می‌کنند که در آنها آزادی عقیده نیست و نهادهای بین‌المللی را وادار به محکوم کردن آنها می‌کنند و از سوی دیگر علناً آزادی عقیده شهروندان مسلمان خود را نقض می‌کنند!



لزوم اهتمام سران کشورهای اسلامی به هویت اسلامی

این جانب به سران و دولت‌های اسلامی - اگر چه بیشتر آنها در پاسداری از هویت اسلامی مسلمانان چنان‌که باید یا اصلاً احساس وظیفه نمی‌کنند - و به ملل اسلامی و علمای اسلام و دانشگاهیان و دانشجویان مسلمان و به علمای مراکز دینی، مثل حوزه علمیه بزرگ قم و جامع الأزهر مصر و همه ارباب مقامات و ائمه جمعه و جماعات اعلام خطر می‌کنم و به همه از عواقب سوء این تصمیمات هشدار می‌دهم و از شخص آقای شیراک، رئیس جمهور فرانسه، و نیز آقای شرودر، صدر اعظم آلمان، می‌خواهم که هر چه زودتر در این تصمیم، تجدید نظر نموده و به سیاست ضد انسانی اسلام‌ستیزی نزدیک نشوند و قلوب یک میلیارد مسلمان جهان را از خود نگران نمایند، و بدانند که پرچم اسلام، بر فراز اعصار، همواره در اهتزاز است و ابرقدرت‌های خودکامه در ستیز با آن، همه مغلوب بوده و خواهند بود.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

نگاه کرامت‌بخش اسلام به زنان

سؤال. اگر چه پس از اسلام، زن مقامی والا به دست آورد، و اسلام به او حیثیت داد، ولی از جهاتی، مقام او را پست و کم‌ارزش شمرد. می‌گویند احادیثی هست که زن را ناقص العقل، بی‌وفا و عامل فساد معرفی کرده‌اند. در فقه هم، شهادت دو زن در برابر یک مرد اعتبار دارد. اینها همه نشانه آن است که اسلام، وجود مرد را بر زن برتری داده است، و الاّ چه توجیهی برای این همه تحقیر زن است؟

تفاوت تشریحی ناشی از تفاوت در نظام خلقت

در پاسخ به این سؤال باید به دو نکته توجه داشت:

۱. تفاوت‌های مختلفی در مواضع مردان و زنان، یا زن و شوهر وجود دارد که نفس جنسیت هر یک، مقتضی آن اختلاف است، و اقتضاء تکوین این دو جنس است که در تمام حیوانات کم و بیش بین نر و ماده وجود دارد، و مثل این است که با هم تفاهم و توافق دارند؛ و در عالم تشریح و تأمین حقوق و نظام والای انسانی نیز همین فرق‌ها با ملاحظه این جهات تکوینی است که نه از آن چیزی می‌کاهد و نه بر این چیزی می‌افزاید، حتی

مثل «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۱ که مربوط به زندگی عائلی و اداره خانواده است، مدیریت به مرد واگذار شده است که اگرچه مرد در اداره، صاحب اختیار است، اما تبعات و مسئولیت‌های سنگینی به او تحمیل شده که در واقع، مدیریت نیست، بلکه مسئولیت است.

روابط قرآنی زن و شوهر و نمونه‌ای از آن

این نظم و ترتیب در بین زن و شوهر مسلمان به طور خشک و رو در رویی با هم سامان نمی‌یابد، و مانند رابطه اداری یا تجاری دو نفر نیست، بلکه رابطه‌ای زنده و تعاملی عاطفی است.

بر اساس هدایت‌های وحیانی و قرآنی، مثل «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۲ یا «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۳ بهترین و لذت‌بخش‌ترین روابط بین دو همسر برقرار می‌شود که هر دو با هم، یک واحد مشترک المنافع می‌شوند؛ نه این، خود را از او جدا می‌بیند و نه او.

زندگی عائله و مدیریت مرد تا آنجا حسّاس می‌شود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ وَالْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ»^۴

۱. «مردان، سرپرست زنان هستند». سوره نساء، آیه ۳۴.

۲. «او خداوند بین شما (زن و شوهر) دوستی و مهربانی قرار داد». سوره روم، آیه ۲۱.

۳. «آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید)». سوره بقره، آیه ۱۸۷.

۴. «مؤمن طعامی را می‌خورد که خانواده‌اش می‌خواهند و منافق خانواده‌اش را مجبور به خوردن غذای

دلخواه خود می‌کند». کافی، جلد ۴، بَابُ كَفَايَةِ الْعِيَالِ وَالتَّوَسُّعِ عَلَيْهِمْ، حدیث ۶.

این دو همسر، در اسلام در هم فانی هستند و مصداق این شعر می‌شوند که:

ترسم ای فصّاد چون فصدم کنی نیشتر ناگاه بر لیلی زنی
من کی‌ام لیلی و لیلی کیست؟ من مایکی روحیم اندر دو بدن

اگر بخواهم از این زندگانی، مثالی بگویم، نزدیکتر از پدر و مادر خودم مثالی ندارم. اگر فرصت بود و شرح روابط این دو همسر و فضیلت‌های بالایی را که در همسری و اشتراک منافع و در هم فانی شدن آنها را و روبروشدنشان را با مشکلات و دشواری‌ها و قداست بین آنها می‌نوشتم، همه درس بود و عرض مکتب.

هیچ وقت در دل، آنها گله‌ای از یکدیگر نداشتند؛ یک واحد کامل بودند. پدرم مجتهد و فقیه عالیقدر، و مادرم فاضله عارفه اهل قرآن و حدیث و دعا، و در نظر همه اقوام و خویشان با مهابت و احترام خاص بود. معاش اقتصادی آنها بسیار مختصر و در حد اقل بود که نمی‌خواهم بیشتر از این بنویسم که شاید حمل بر خودستایی شود.

نگاه والای دین به زن

مقصود این است که در مکتب دین، زن هیچ حقارتی ندارد، و در مواردی، حرمتش بیشتر، و حتی بر مرد هم حفظ آن واجب می‌شود، اگرچه

به خطر انداختن جان خود باشد.

مردی که در راه حفظ کیان همسر خود کشته شود، شهید محسوب می‌شود، و رعایت رضایت و خواست مادر نسبت به پدر اولی و مقدم است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اولویت آن را تا سه درجه مقدم فرموده است.

همسانی زن و مرد در کسب فضائل

۲. راجع به روایات، اولاً باید سند هر روایت به دقت شناسایی شود که از چه صنفی از روایات است؛ مرسل است یا ضعیف السند، و یا سند معتبر دارد، و ثانیاً متن و مضمون با مبانی اصیل قرآنی و روایی موافقت دارد یا با آن اصول سازگار نیست.

قرآن مجید، مرد و زن را به دو قسم تقسیم، و در کنار هم قرار داده است؛ یک تقسیم مرد و زن مسلمان مؤمن متعهد صابر حافظ شرافت و سایر صفات فاضله، و بر یک لفظ مؤمنین و مؤمنات که در قرآن در تعریف آنها، آن صفات ارزشی را بیان می‌کند:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۱

۱. سوره احزاب، آیه ۳۵.

در همه این صفات ده‌گانه با این که اگر به همان مؤمنین اکتفا می‌شد، به قاعده اشتراک زن‌ها را شامل می‌گردید، ولی قرآن مجید در این آیه، عنایت به ذکر بانوان و تصریح به هم ردیف‌بودن آنها دارد.

مخاطب روایاتِ موهم تحقیر زنان

حال، اگر خبری باشد که به ظاهر، این معانی در آن حفظ نشده باشد، یا خبر ضعیف است، و یا در فهم مضمون و برداشت مقصود از آن، اشتباه شده است. و مطلبی که باید در این روایات در نظر گرفت این است که مخاطب در این روایات و حتی سخنان حکما و ادباء و شعراء، هر کجا که مذمتی از زن‌ها شده باشد، مخاطب همه نیستند.

این‌گونه روایات، مخاطب خود را دارند. مخاطب آنها مثل حضرت مریم و حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام و هزارها و میلیون‌ها زن‌های عالیقدر نیستند. مخاطب امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مثل امّ سلمه همسر پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم، آن زن کم‌نظیر و عاقل و با معرفت نیست. مخاطب حضرت، همان زنی است که جنگ جمل و آن فتنه بزرگ را در اسلام - که تا امروز هم مسلمانان در آتش آن می‌سوزند - برپا نمود.

مخاطب حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله، همان قشر و صنفی هستند که مستقیماً مورد این هشدارها قرار می‌گیرند؛ زن‌های آنچنانی، زن‌های خودفروشه، زن‌های خواننده و نوازنده. زن‌هایی که در دنیای امروز متأسفانه

بسیار زیاد هستند.

زن‌هایی که به همسرها خیانت می‌کنند، زن‌هایی که از اختلاط با مرد بیگانه نمی‌پرهیزند و ... زن‌هایی که در کتاب‌های روایی ما از آنها در آخر الزمان خبر داده شده است: «نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مُّبَرَّجَاتٍ خَارِجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِلَّاتٌ لِلْمُحَرَّمَاتِ؛ زنانی بی حجاب و عریان، خارج‌شوندگان از دین، داخل‌شوندگان در فتنه‌ها، روی‌آوردگان به شهوترانی، شتابندگان به سوی لذت‌جوئی‌های حرام، حلال‌کنندگان حرام‌های الهی.»^۱

و بالاخره مخاطب این روایات، همان زن‌هایی هستند که مردها را نیز در فتنه‌های فساد اخلاق و رذائل جنسی وارد می‌کنند، و امروز در غرب، طوری رایج شده که این قبایح را مدح می‌کنند، و ترک آن را قبیح می‌دانند، و متأسفانه در کشورهای اسلامی هم کم و بیش به تدریج این برنامه‌ها؛ در سینماها و تلویزیون‌ها شایع شده است. مخاطب این روایات، این زن‌ها می‌باشند.

اسلام یعنی تسلیم کامل

در پایان، پرسشی که اینجانب از شما دارم این است که چرا مثل آن مؤمنی سخن نمی‌گویید که می‌گفت اگر شما (امام) بفرمایید این سیب که در دست من است، نصفش حلال و نصفش حرام است، همان را حلال، و

۱. من لا یحضره الفقیه؛ شیخ صدوق ره، جلد ۳، حدیث ۴۳۷۴.

حرام می‌دانم؟

من بنده ناقابل هم عرض می‌کنم که اگر خدا تمام وجود زن را امتیاز بر مرد قرار داده بود، من گله‌ای نمی‌کردم و به حکم خدا تسلیم بودم.

فلسفه برخی احکام زنان

بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال: این نامه را به امام زمان می نویسم و چون ایشان را نیافتم جواب آن را از شما که نماینده ایشان می باشید می خواهم: من نمی دانم تو کیستی. شاید هم وجود نداشته باشی. تو همی باشی یا امیدی که در نا امیدی های مطلق، به آن پناه می برم. چون اگر به تو یقین داشتم در زندگی حقیقی ام جایگاهی داشتی.

ای امام عصر، ای سرور من، تو مرا از این نفرت فزاینده به در آور ... من دیگر نمی توانم به پیش بروم... من از همه چیز متنفرم ... هر چه افزون تر می دانم نفرتم فزونی می یابد ... و زندگی و جامعه هم مرا به این نفرت تشویق می کند ... ای امام عصر! من با جنسیتم بسیار مشکل دارم ... من دختری سرکش و گردن فرازم ... و دینی که تو را به آن می شناسم مرا به عصیان می آورد. مرا به سرکشی و می دارد. بی تعارف بگویم؟ شرمندهام ولی ... نفرتم را فزون می کند. همه چیزش نه، فقط برخی چیزهایش ... دین تو مانند همه ادیان و مانند همه انسان ها به جنسیت من ظلم می کند. مرا تحقیر می کند...

مرا بنده درجه دو می‌داند.

ای امام عصر! مرا ببخش. اما کارد به استخوانم رسیده که دارم به تو می‌نویسم. این جسارت‌های مرا به بزرگواری و فهم و بردباری بی‌نظیر خود ببخشای. من کنترلی بر احساس خود- در این هنگام- ندارم. من تنها می‌گیرم و می‌نویسم و به تو پناه می‌آورم تا مرا از این سؤالات جان‌فرسا نجات دهی. گمان می‌کنم از آنجا که فرزند پیامبر خدا هستی، بنابر این چون او مردی رئوف و بردباری.

پس جسارت مرا به سبب محبت بی‌پایان خود به گناهکاران و نادانان، نادیده بگیر. من داستان‌های زیادی از آنان که با تو نشست و برخاست می‌کنند خوانده‌ام و بارها در دل به حالشان غبطه خورده‌ام، چون حتی لحظه‌ای همنشینی با انسانی چون تو، سعادتی ابدی است که با یاد آن می‌توان تمام تلخی‌ها و بدبختی‌های آینده را تحمل کرد.

من دختری مسلمانم و در زندگانی‌ام سعی کرده بودم از گناهان بزرگ دوری کنم و گناهان کوچک را کم‌کم کنار بگذارم. من از خانواده‌ای پدید آمده‌ام که به وظایف مسلمانی در آن ارجحی نهاده نمی‌شد، اما در شانزده سالگی تصمیم گرفتم که انسانی دیگر باشم. من که تا آن زمان نماز نمی‌خواندم و حجاب نداشتم و ... بنده‌ای مطیع گشتم و زندگی خود را کاملاً دگرگون نمودم. سال‌ها گذشت و از لغزش‌های کوچک هم در امان بودم و خود را

در آغوش مصونیت و توجه خداوند حس می‌کردم. طوفان‌های نوجوانی را با سربلندی به ساحل سلامت رساندم و به گناهی دست نیازیدم. اما از بیست و دو سالگی همراه با عمیق‌تر شدن فهم و کمال عقل، اندک اندک نیرویم تحلیل رفت و سؤالات بی‌جواب در من ایجاد شد. من به گناهان بزرگ دست زدم؛ گناهی بسیار بزرگ.

من از تو پوزش می‌طلبم و روی سیاهم را بر خاک می‌مالم. چون دوستان تو به ما گفته‌اند هر هفته پرونده اعمال شیعیانت را می‌خوانی ... اما تو به این اشک‌ها که می‌ریزم اعتنا نکن و امید مبیند. چون ابدأ به معنای عزم ترک گناه نیست. تنها به معنای بیزاری و پشیمانی است. من هم مانند اکثر دوستان درجه دو و سه شما اهل بیت، توان ترک گناه را ندارم. می‌دانم تو هم تنها به دوستان حقیقی و درجه یک خود امید داری و به تو حق می‌دهم که به سراغشان بروی و به آنان توجه کنی. می‌دانم که پرونده‌ام تو را شوکه کرده است. پرونده‌ای درخشان که یک‌باره سیاه شد. اما تو جواب سؤالات مرا بده. شاید من هم بتوانم خود را قانع کنم و دوباره با ایمان آهنین و گام‌های مطمئن به سوی تعالی که در پیش داشتم باز گردم.

ای امام بزرگ و عالم! ای کسی که تمام دانش‌های خداوند را در اختیار داری، ای مرد بزرگ و بردبار، من توان فهم مصلحت‌های

خداوند را ندارم ... تردید و سؤال دارد مرا از پای می‌افکند.
مرا دریاب. اینک چند سؤال:

۱. چرا در فقه ما و اهل تسنن می‌توان کودک شیرخواره را به اذن پدر به عقد مردی درآورد و آن مرد می‌تواند همه‌گونه لذت از او ببرد به غیر از دخول؟ آیا این کودک در آن سن هزاران ضربه روحی و روانی نمی‌خورد؟ آیا می‌تواند وقتی به سن رشد و عقل رسید پدر و همسر خود را ببخشد؟ چرا باید مردان از هنگام ولادت تا مرگ بر ما تسلط صد در صد داشته باشند؟ مگر ما بنده درجه دو خداوندیم؟ چرا خداوند ما را این‌طور آفریده؟ من نمی‌خواهم متحمل این همه ظلم باشم، نمی‌خواهم.
۲. آیا مردان این قدر پاک و بزرگوارند که می‌توان دختری را به دستشان سپرد و با خیال راحت مطمئن بود که تا سن بلوغ به او تعرض نمی‌کند؟ و باز در فقه داریم که کودک در هر سنی که بتواند دخول را تحمل کند می‌توان این کار را کرد. یعنی این دختر برای مرد آفریده شده است. همین که تحمل کند، می‌توان او را در هر سنی، زنی کامل پنداشت؟ اگر باردار شد، آیا توان وضع حمل دارد؟ اگر بالغ شد و آن مرد را که بدون خواست او همسرش شده دوست نداشت چه؟ طلاق بگیرد؟ با چه کسی ازدواج کند؟ آیا جوان دلخواهش او را می‌پسندد؟ وقتی زنی کامل است با هزار ضربه روحی که از رابطه جنسی در کودکی خورده است، آیا این

زن می‌تواند انسانی عادی باشد و به سوی خدا گام بردارد؟ تکلیف او چیست؟ گناه این که تعادل روانی‌اش را از دست می‌دهد و سرکوب می‌شود به گردن کیست؟ آیا یک‌بار فرصت زندگی که دارد و با این تیره روزی تباه می‌شود قابل جبران است؟

۳. چرا مرد هر زمان که اراده کند می‌تواند همسرش را طلاق گوید حتی اگر همسر راضی نباشد؟ و زن نمی‌تواند طلاق بگیرد مگر به شرط و شروطی بسیار سخت؟

۴. چرا اگر زن و مرد از هم جدا شوند کودک به پدر تعلق می‌گیرد در حالی که نه ماه زجر بارداری و درد توان‌فرسای زایمان و دو سال شیردهی که همگی باعث عوارض بسیار، از جمله پوکی استخوان، فقر آهن و کم‌خونی، سرطان‌های مختلف رحم و دهانه رحم و ... برای زن می‌شود را زن باید تحمل کند و در آخر کودک مال کسی می‌شود که کمترین زحمات را برایش کشیده است؟ آیا برای این است که مادر تمکن مالی ندارد؟ خوب! مرد موظف باشد تا پایان عمر خرج فرزندان را بدهد. آیا زن توان تربیت ندارد؟ پس چرا وظیفه تربیت با زن است و سهم پدر بسیار ناچیز است؟

۵. چرا زن حق ندارد بدون اجازه همسر خود هیچ کاری کند و باید کاملاً مطیع او باشد و در غیر این صورت تمام عباداتش باطل و ملعون است، اما مرد هر کار که صلاح بداند بدون رضایت و

اجازه همسر می‌تواند انجام دهد؟ این حق بزرگ باعث سوء استفاده بسیاری از مردان از زنان خویش شده است تا آنجا که خود را صاحب زن می‌دانند و از هیچ ظلم و زورگویی روی گردان نیستند.

۶. چرا در صورت مرگ پدر، سرپرستی فرزندان بر عهده پدر بزرگ و یا عموهای او خواهد بود؟ چطور می‌توان این را پذیرفت که کسی پیش از مادر بر فرزندان حق داشته باشد؟

۷. پدر بزرگوار و عظیم شما امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه‌ای زنان را ناقص العقل و ناقص الایمان می‌خواند، آیا زنان حقیقتاً ناقص العقل‌اند؟ پس چطور در دنیای کنونی زنان هم به مدارجی می‌رسند که مردان می‌رسند؟ آیا ما خودمان خواسته‌ایم که عقلمان ناقص و بهره‌مان ناقص و نمازمان به سبب عادت ماهیانه ناقص باشد؟ مگر این را خدا نخواسته؟ چرا به خاطر خواست خدا باید تحقیر شویم؟ و اصلاً چرا خدا ما را این‌گونه آفریده؟ آیا همین‌ها باعث نمی‌شوند طبق حدیث پیامبر تعداد زنان در جهنم بیش از مردان باشد؟

۸. چرا ما علاوه بر تمام تکالیفی که مثل مردان داریم، تکلیف افزون‌تری به نام اطاعت از همسر داریم؟ یعنی حتی اگر به تمام فرامین خدا اطاعت و عمل کرده باشیم اما از همسر فرمان‌برداری نکرده باشیم باز در آتشیم؟ اما مردان تنها باید از خدا فرمان‌برداری

کنند؟ در درونم هزاران سؤال دیگر هست که اگر تو همین‌ها را پاسخ دهی برای من کفایت است و قول می‌دهم از مابقی صرف نظر کنم. من انسانی پر توقع نیستم. می‌دانم لیاقت ندارم که شخصاً جواب سؤالاتم را بدهی. لذا برای نمایندگان که داری این نامه را ارسال می‌کنم و منتظر پاسخ تو از زبان آنان می‌مانم والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

خواهر خانم محترم!

گله‌مندی از دوست، ویژگی بشریت

نامه شما را از آغاز تا پایان مطالعه کردم. اگرچه در ضمن بخش نخست آن الفاظ تندی به کار برده‌اید، ولی عبارات و خطاب‌های مؤمنانه آن که بسیار رسا و با معنی است، آن جمله‌های به گفته خودتان جسورانه را تأویل می‌نماید. این عذرخواهی صادقانه و پوزش‌مندانه شما، از حال و هوای دیگری حکایت می‌کند.

اگرچه رابطه ما با حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف و با خداوند متعال را نمی‌توان با روابط دوستان و خویشان بسیار عزیز تشبیه کرد، اما وقتی رابطه دوستانه خیلی عمیق و با سابقه باشد، گاه دوست از دوستش اگرچه به اشتباه باشد گله‌مند می‌شود و با زبان اعتراض گله‌گشایی می‌نماید. او هرگز از دیگران گله‌مند نمی‌شود.

شما در ضمن آنچه نوشته‌اید اعتراف به قصور و تقصیر می‌کنید؛ اعتراف و اقراری که گناه را پاک می‌کند.

پرهیز از گناه، جهاد اکبر

شما که در آن محیط ناسالم توانسته‌اید از گناه پرهیز نمایید و نماز و حجاب را رعایت کنید جهاد کرده‌اید و ثواب شما از کسانی که در میدان جهاد با کفّار می‌رزمند کمتر نیست. چه عواملی باعث شده که خطّ شما تغییر کرده است؟! خودتان آن جمله‌های نورانی را که در بخش اول نوشته‌اید بخوانید. از آنها نور بگیرید. من از نوشته‌های شما اینها را معتبر و ارزشمند می‌دانم. آن جمله‌های گله‌آمیز را معتبر نمی‌دانم و چنان می‌دانم که به این زبان، اعلام قصور و کوتاهی کرده‌اید. این عبارات توبه‌آمیز چقدر زیبا و شیرین است: «من به گناه بزرگ دست زدم، من از تو پوزش می‌طلبم و روی سیاهم را بر خاک می‌مالم، چون دوستان تو به ما گفته‌اند هر هفته اعمال شیعیان را می‌خوانی...» این سخنان بسیار جذّاب، دل‌نشین و امید بخش است و بر زبان غیر اهل معرفت جاری نمی‌شود.

و اما بخش دوم و پاسخ سؤالات:

حدود و مصالح ولایت بر صغیر

۱. این مسأله از شعبه‌های ولایت پدر بر فرزند صغیر است؛ خواه پسر باشد یا دختر که از مسائل مهمّ است و فقط در مسأله عقد نکاح نیست،

بلکه در اموال صغیر، در حفاظت از مصالح صغیر و صیانت و تربیت او هم است.

اختیار مطلق نیست و شرائط معتبری دارد که تحقق آن شرائط نادر الوقوع است، ولی پیش‌بینی آن موارد در قانون لازم است و عدم آن نقص قانون است، و این‌گونه که شما تصور کرده‌اید همه خارج از اختیارات ولی است. در اینجا مثل کسی که می‌خواهد به عمد و مغرضانه به فقه جامع اسلام اعتراض نماید سخن گفته‌اید و صورتی را مطرح کرده‌اید که فقط به فرض، قابل تصور است و وقوع خارجی ندارد.

شما موردی را نشان بدهید که به این کیفیت، پدری نسبت به فرزندش؛ چه پسر باشد و چه دختر عمل کرده باشد. از خویشاوندان، از آشنایان و از هر کس دیگری پرسید، کسی چنین موردی را به شما نشان نخواهد داد. البته لازم این ولایت پدر این است که در هر کجا مصلحت فرزند اقتضا کند عمل به ولایت نماید و این قانون به اطلاق تا آنجا فراگیر است که اگر مصلحت فرزند اقتضا کرد که ضمن هر عقدی باشد عمل کند. این ولایت، حافظ مصالح صغیر است. شما به موردی مثال زده‌اید که مصلحت صغیر در آن عدیم‌النظیر و مفسده‌خیز است، مثل این که اموال او را به ثمن بخشی اجاره دهد و به فرضی که تحقق خارجی ندارد حکم ولایت پدر بر فرزند را مورد حمله قرار داده‌اید، در حالی که اگر در شرایطی لازم شود، همه جوانب مصلحت در آن رعایت می‌شود.



آنچه در مورد عقد نکاح صغیر است، مسأله مختصّ محرّمیت‌هایی است که به نفع و مصلحت خانواده‌ها و صغیر و کبیر است که آن هم با عقد موقّتی است که پس از آن، مدّت هم بخشیده می‌شود.

شما چنان این موضوع ولایت پدر را بر فرزند صغیر حتّی بر عقد نکاح لازم مطرح کرده‌اید که فرض را بر این گذاشته که این عملی است که به شرحی که نوشته‌اید بین مسلمانان شهری و روستایی همه جا رایج است، و دخترهای صغیره به این کیفیت و در شرایط مفسده‌آمیز به نکاح دائم مردهای سالمند در می‌آیند؛ موردی که در ظرف یک‌صد سال هم اتّفاق نمی‌افتد و کسی پیدا نمی‌شود که از چنین موردی اطلاع یافته باشد.

کدام کودک به این وضعی که شما نوشته‌اید دچار شده است؟ این همه آثار سوئی که نوشته‌اید بر سر یک دختر می‌آید همه با یک فرض موهوم است! بر این اساس می‌گویید: آیا مردان این‌قدر پاک و بزرگواریند که می‌توان دختری را به دستشان سپرد و ... اگر باردار شد ... اگر چه شد ...

شما مثل این که علی الدوام پیش چشم خود می‌بینید که مردها با سنّ بالا، دخترهای صغیر را تصرّف کرده‌اند و چشم خود را بسته‌اید و نمی‌بینید که چنین فرضی در خانواده خودتان، خانواده‌های دوستانتان، در اینجا و در آنجا سابقه ندارد.

قانون سالم و کامل را مورد اعتراض قرار می‌دهید یا از تسلّط صددرصد مرد بر زن از ولادت تا مرگ می‌گویید و صددرصد واقعیات را انکار می‌کنید؟

حقوق متقابل زن و مرد در اسلام

این قرآن مجید و این آیات مربوط به روابط زن و مرد است که در آن، حقوق متقابل برای آنها مقرر شده است: «هُنَّ لِيَاسٍ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسٍ لَهُنَّ»^۱ و آیه ۳۵ سوره احزاب در ارزش‌های واقعی، زن و مرد را هم‌تراز قرار داده است.

اسلام زن را با مرد و مرد را با زن شریک زندگی قرار داده است. زن تا قبل از ظهور اسلام در همه جا و همه ملل و امم جایگاه مناسب انسانی نداشت.

اسلام، دین گرامی‌داشت زن است. این ظلم به اسلام است که زنان حق عظیم اسلام را نسبت به خود نشانند و آیات قرآن را که زن و مرد را در کنار هم شایسته فتح قلّه‌های بلند انسانی قرار می‌دهد و اعلامیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲ را فراموش نمایند و به فقه اسلام نادانسته اعتراض کنند و العیاذ بالله گمان کنند، مثل بعض جوامع و کشورها که بر اساس رنگ و نژاد، انسان‌ها را - که متساوی‌الشان هستند - به دو درجه تقسیم نموده‌اند، در

۱. «آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید)». سوره بقره، آیه ۱۸۷.

۲. «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک

زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد». سوره نحل، آیه ۹۷.

اسلام هم نسبت به زن و مرد این درجه‌بندی وجود دارد. چیزی که در فقه اسلام هیچ اثری از آن نیست.

حکمت اختیار طلاق

۲. حکمت این که اختیار طلاق با مرد است مصالحی است که مربوط به مصلحت کلّ عائله است و اگر به خیر زن بیشتر نباشد کمتر نیست.

زن از جهت عاطفی از بعض مظاهر و جریان‌ها، عاطفه، مهر، رحم و گاه خشم و نفرتش شدیدتر برانگیخته می‌شود و به عکس، مرد از صلابت خاصی برخوردار است که دیرتر تهییج می‌شود و بر احساسات خود مسلط می‌گردد که هر دو برای هر یک از آنها کمال است.

زن باید چنان باشد و مرد باید چنین؛ که فرمودند «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» پهلوانی و تهمتنی بیشتر برازنده مرد است و لطافت و نازکی و رقت عواطف و گل صفت بودن بیشتر روحیه بانوان است.

نیروی بازدارنده از طلاق در مرد بیشتر عمل می‌کند. نکته دیگر این است که در مسأله طلاق و امثال آن، مسأله یک اعتبار و یک اساس و بنیاد است که بر اساس ازدواج زن با مرد برقرار می‌شود و اساس آن بر اختصاص زن به مرد است، نه اختصاص مرد به زن که این اختصاص هم از خصوصیت جسمانی آنها است.

در رابطه جنسی و تولید نسل، زن به بیش از یک مرد نیاز ندارد و

۱. «همانا زن ریحانه است و کارگزار و خدمتکار نیست». نهج البلاغه (صبحی صالح)، نامه ۳۱.

تولیدش محدود است، به عکس مرد که در تولید- که ظاهراً غرض طبیعی از ازدواج است- در زمان واحد قادر بر تولید بیشتر است. از این جهت هم، در ازدواج و اعتبار نکاح و همسری زن به مرد قابل اختصاص است و بر حسب قرارداد اختصاص می‌یابد، ولی مرد به زن اختصاص نمی‌یابد، چون اختصاص او خلاف نظام تولید است، بنابراین در اعتبار ازدواج، رفع این اختصاص در اختیار مرد است به عکس زن.

نظام ازدواج، نظامی الهی و وحیانی

در کل، این نظام عائله و ازدواج همه بر طبق نظامات الهی و وحیانی شرعی است که همه جوانب و مصالح در آن ملحوظ است و به همین گونه که مردان مؤمن و زنان مؤمنه تسلیم این نظام هستند و به آن به جهت این که حکم خدا است در دل نگرانی ندارند.

نظام، کامل و تمام است و رابطه فیما بین دو همسر در کمال قداست و پاکی و همکاری، مثل یک وجود و واحد خارجی می‌باشند؛ هر دو از هم و به هم و با هم هستند و حاصل این که نظام همسری و همسراری در اسلام، بهترین و سالم‌ترین نظام است که متضمن خیر دنیا و آخرت طرفین است.

مقام زن در اسلام

زن به عنوان مادر بیشتر از پدر مورد احترام و تکریم است. «از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سؤال شد که چه کسی یا کدام سزاوارتر است که با او حسن معاشرت و مصاحبت داشته باشم؟ فرمودند: مادر. سؤال شد پس



از آن؟ فرمودند: مادر تا پس از مرتبه سوّم یا چهارم فرمودند: پدر.^۱

در بلندی مقام زن به مناسبت برنامه‌هایی که به حسب تکوین و طبیعت با میل و رغبت متحمّل می‌شود، مثل بارداری و دوره شیرخواری کودک و همسررداری، سخنان ائمه علیهم‌السلام به قدری روشن در اهمّیت تکریم و گرمی داشت مقام زن بیان گردیده است که موجب افتخار زن مسلمان است.

مختار بودن زن در اعمال

می‌گویند: چرا زن حق ندارد بدون اجازه همسر خود هیچ کاری کند؟ جواب این است که کجا و کی گفته است که زن حق ندارد بدون اجازه همسر خود هیچ کاری کند؟! او مثل مرد، فاعل مختار است و در مال خودش هر تصرفی بنخواهد مثل دیگران است. شما مثل این‌که در متن جامعه مسلمانان نیستید و روابط خوب بسیار والا و پر از عشق و محبّت بانوان و شوهران را ندیده‌اید یا خصوص در خانواده شما اخلاق اسلامی ظهور ندارد؟

مکرّر گفتیم زن و مرد در اثر تربیت اسلامی یک واحد می‌شوند و یک روح در بدن. این جدال‌ها و این تو و منی‌ها بین آنها نیست. امروز دنیا در اثر تبلیغات سوء، جانب جدایی زن و مرد از یکدیگر را گرفته‌اند و این دو را برابر یکدیگر قرار داده‌اند که هر یک به هم نظر بیگانه به بیگانه دارند.

۱. مستدرک الوسائل؛ ج ۱۵، ص ۱۸۱، ح ۱۷۹۳۶.

ولایت جدّ بر صغیر

راجع به سرپرستی و ولایت پدر بزرگ بر صغیر یا عموهای او متأسفانه این ایرادات شما بیشتر برای کم‌اطلاعی از احکام اسلامی است. عموی صغیر هیچ‌گونه ولایتی بر او ندارد. پدر بزرگ ولایت دارد که امور او را تحت نظر قرار دهد که منافع و مصالح او تفویض نشود و با تربیت صحیح بزرگ و کبیر و حضانت هم در صورت فوت پدر تا کبیر گردد با مادر او است. این تفصیلی که این احکام دارد همه مصلحت صغیر را تأمین می‌نماید و بسیار دقیق و عمیق است.

روایات در مورد نقص عقل زنان

راجع به خطبه‌ای که از امیرالمؤمنین علیه‌السّلام نقل شده است، این خطبه در اشاره به آن موضع ناستوده و مصیبت‌بار عایشه است که موجب شد درهای فتنه بر روی امت اسلام باز شود و موجب جنگ جمل و صفین و بعد تسلط بنی‌امیه و آن حکام مستکبر و ستمکار گردید. این بخشی از خطبه حضرت است و با توجه به این‌که تمام آن نقل شده نمی‌شود به آن برای همه زن‌های جهان - که قرآن مجید نوعشان را با مردها در یک ردیف مورد توصیف و تمجید قرار داده است - جاری دانست. مطلب معلوم است که حکم کلی نیست و در زن‌هایی، مثل حضرت زهرا و مریم علیهما‌السّلام و صدها و هزارها از بانوان دیگر که بر اکثریت همه مردان افضلیت آنها ثابت است، جریان ندارد.

اطاعت زن از مرد و ایجاد حقوق متقابل

راجع به اطاعت زن از مرد و حقوق خاصّ مرد بر زن که برحسب تراضی آنها بر نکاح همسری ثابت می‌شود، اطاعت خاصّ است که اگر نباشد منافی با اساس ازدواج است؛ حقّ است و در برابر آن زن نیز بر مرد حقوقی متقابل و متناسب دارد.

لزوم تفسیر درست مسائل و پیش‌آمدها

این سوالات شما همان‌طور که نوشته‌اید هزارها سؤال است و نسبت به تمام کاینات فراگیر است. باید نظر خود را اصلاح کنید. آنچه در ذهن شما است اشکال نیست، بد فکری و تعبیر صحیح از عالم و تفسیر درست از مسائل و کائنات و ازل و ابد نداشتن است.

امید است با توجه به این‌که در نامه شما مواردی بود که از آن بقاء روشنایی فطرت و گرایش به خدا و حقیقت بود؛ همان توفیق بزرگی را که در شانزده سالگی برای شما پیدا شده و اتمام حجّت بوده است آن را در خود زنده و راه خدا و بندگی و اعمال صالح را پیش بگیرید.

انشاء الله به توفیق خدا از این حال پرسش از مطالبی که دانستن و ندانستن آنها در سیر راه خدا و عمل به وظایف دینی و عبادات و ترک محرّمات و خودسازی اثری ندارد نجات یابید. همواره موفق باشید.

تفسیر «الرّجال قوآمون علی النّساء»

سؤال. آیا در قرآن در سوره نساء این حق را به مرد داده که نسبت به همسر با اختیار مطلق رفتار نماید یا خیر. شرح فرمایید؟

ممنوعیت اختیار مطلق بر دیگران

اصولاً اعطای اختیار مطلق به مفهومی که این کلمه دارد که یک نفر نسبت به فرد دیگر مختار باشد بدون رعایت مصلحت و حدود قانونی هر طور بخواهد رفتار نماید و میل و خواهش نفسانی او مطلق العنان باشد در اسلام مطرح نیست، و هیچ رابطه‌ای بین دو نفر - هر کس که باشند؛ رئیس و مرئوس، فرمانده و سرباز، کارگر و کارفرما، معلّم و شاگرد، همسر با همسر- بر این اساس وجود ندارد.

اهمیت اسلام به بانوان بی نظیر است

برای روشن شدن مطلب مورد سؤال توضیح می‌دهم که در قرآن مجید دو سوره است به نام سوره نساء که یکی از آنها که به این اسم معروف است سوره چهارم قرآن مجید است که ۱۷۶ آیه دارد و دیگری سوره نساء قصری است که نام معروفترش سوره طلاق است و خود این موضوع با

توجه به موضع غیر مناسبی که زن در دنیای معاصر آغاز ظهور اسلام داشت بسیار جالب است که پیغمبری بیاید و در کتاب آسمانی‌اش که سوره‌هایی به نام پیغمبران، مانند ابراهیم و هود و یوسف و یونس و محمد دارد، دو سوره به نام نساء (بانوان) باشد و از این مطلب معلوم می‌شود که این دین به شأن زن توجه خاص دارد.

گمان می‌کنم نظر شما در این پرسش به آیه ۳۴ سوره نساء (چهارمین سوره) باشد.

آیه شریفه این است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا؛ مردان سرپرست و کارگزار بانوانند به سبب آنچه خدا برتری داد بعضی را بر بعضی و به سبب آنچه از مال خود خرج و انفاق می‌کنند پس زنان شایسته فرمان برنده‌اند خدا را در حقوق شوهر و نگاهدارنده‌اند غیبت شوهر را یا اسرار او را به حفظ خدا ایشان را و زنانی را که از نشوز و ناسازگاریشان می‌ترسید موعظه کنید و در بسترها از آنان کناره‌گیری نمایید و بزنی‌شان؛ پس اگر اطاعت کردند پس طلب نکنید بر آنان راهی را که در اذیت به آنها بهانه‌جویی کنید. همانا خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.»

برای این که توضیحات پیرامون این آیه کامل‌تر شود بهتر آن است که به آیه ۳۲ این سوره نیز توجه نمایم که خدا می‌فرماید: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهٖ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ

وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ و تمنا نکنید آنچه را تفضیل داده خدا به آن بعض شما را بر بعض دیگر. از برای مردهاست بهره از آنچه کسب کرده‌اند، و از برای زنان است بهره از آنچه کسب کرده‌اند و بخواهید خدا را از فضل او به درستی که خدا به هر چیز دانا است.»

اکنون با توجه به این دو آیه توضیحات ذیل در اختیارتان گذارده می‌شود:

تفاوت و تفاضل، اصل مهمّ عالم طبیعت

۱. ناموس تفاضل و تفاوت در عالم طبیعت یک ناموس طبیعی است. همان‌طور که اشیاء و اجناس و انواع و افراد، قدر جامع‌ها و مشترکاتی دارند که همه را از یک خانواده قرار داده است، در عین حال اتحاد و اشتراک، با هم دوئیّت و جدایی دارند؛ نبات با جماد تفاوت دارد، و حیوان با نبات و انسان غیر از سائر حیوانات است؛ یک نوع با نوع دیگر تفاوت دارد و مشخصات خاصّ دارد؛ یک فرد نیز با فرد دیگر هم‌چنین است، یک درخت استعداد آن دارد که میوه بیشتر بدهد و درخت دیگر کمتر میوه می‌دهد؛ یک گاو شیر بیشتر می‌دهد و گاو دیگر کمتر؛ یک گوسفند رشد جسمی بیشتر دارد و دیگری کمتر؛ نژاد سفید با نژاد سیاه تفاوت دارند؛ اروپایی و آسیایی، آفریقایی و آمریکایی مردم این کشور و کشور دیگر همه با هم تفاوت‌هایی دارند؛ از لحاظ هوش و روان و جسم و مشخصات دیگر.

جنس نر و جنس ماده نیز در هر نوعی غیر از یکدیگرند، چنانچه یک فرد ماده یا نر هم غیر از فرد دیگر است. هر دو فرد یک جنس هستند، امّا

این آن نیست و آن هم این نیست. اگر غیر از این باشد، نظام طبیعت و نظام عالم به هم می‌خورد. قهراً این او نبودن و او این نبودن، باید در اثر این باشد که هر کدام واجد خصوصیتی باشند که دیگری فاقد آن باشد یا این که یکی از آنها واجد چیزی باشد، یا یک وصف روحی یا جسمی را کامل‌تر داشته باشد که دیگری فاقد باشد؛ بالاخره دوئیت هست. مردم دنیا همه غیر از سایرین می‌باشند و در هوش و نیرو، استعداد و خصوصیات روانی و جسمی با هم اختلاف دارند و بسا می‌شود که یک فرد یا نوع در عین اینکه از جهتی بر فرد یا نوع دیگر فضیلت دارد، آن نوع دیگر نیز از جهت دیگر از او افضل است.

قرآن مجید راجع به این ناموس اختلاف که خود از نوامیسش و قواعد ثابته عالم است، در قسمت اختلاف زبان‌ها یا صداها و لهجه‌ها و اختلاف رنگ‌ها می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافُ اَلْوَانِكُمْ»^۱، و در آیات متعددی که از فضل و تفضیل در آنها بیانی شده است نیز این مسأله تذکر داده شده است.

این اختلاف و تفاوت که از لوازم عالم طبیعت است و نظام عالم به آن وابستگی دارد در مواردی عرضی و معلوم علل خاصی است که آن را به وجود می‌آورد و در مواردی ذاتی است و اگر ذاتی یک شیء نباشد ذاتی عالم طبیعت است، و تغییر آن ممکن نیست.

۱. «و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شامست». سوره روم، آیه ۲۲.

آنان که می‌خواهند این اختلافات را نادیده بگیرند و یک برنامه علی‌السواء در شرایط غیر متساوی اجرا نمایند با نوامیس عالم طبیعت مبارزه می‌کنند و مانند این است که بخواهند درخت و گیاهی را که در اماکن گرمسیر پرورش می‌یابد در اماکن سردسیر در کنار درختان آنجا پیوراندند، یا گیاهی را که باید هر روز آب بدهند با گیاهی که در فاصله کمتر از ده روز نباید به آن آب داد آب بدهند.

باید در همه برنامه‌هایی که در عالم جماد و نبات، حیوان و انسان اجرا می‌شود به تفاوت‌های هر نوع و هر فرد و مشخصات هر کدام توجه شود. گیاه‌شناس، حیوان‌شناس، انسان‌شناس و پزشک نمی‌تواند غیر از این راه دیگری را انتخاب کند.

از آیه ۳۲ سوره نساء این مطلب استفاده می‌شود که نباید شخص آرزوی اینگونه زیادت‌ها و برتری‌ها - اگر یک نوع دارد و یک نوع ندارد، و یک فرد واجد است و فرد دیگر فاقد - بنماید و خیالی نباید زیادت‌ها و حکم خاصی را - که بر حسب شرع بر اساس واقع‌بینی کامل برای یک نفر مقرر شده و برای دیگری مقرر نشده نیز - آرزو کند.

مثلاً یک نفر همسر زیبا و شایسته‌ای دارد که شرع آن همسر را مختص به او قرار داده و دست دیگران را از دامن وصال او کوتاه کرده است. نباید دیگران آرزوی داشتن همسر او را بنمایند و به او حسد بورزند و به عذر این‌که آنها از چنان همسر زیبا محروم هستند نباید توطئه کنند که آن همسر را از او جدا نمایند و کانون مهر و صفا و وفایشان را در هم بریزند و از حکم خدا ناراحت باشند.

مثال دیگر: مرد نمی‌تواند به عقد دائم، بیشتر از چهار زن داشته باشد و زن نباید آرزو کند که او نیز مثل مرد چهار شوهر داشته باشد چنان‌که نباید آرزو کند که استعداد مرد را در تولید مثل صدها و بیشتر داشته باشد در حالی که او به طور غالب در هر نه ماه استعداد تولید مثل بیشتر از یک نفر را ندارد و همچنین در احکام میراث چنان‌که مرد هم نباید آرزو کند که در ازدواج زن به او پیشکشی تقدیم کند و مهر بدهد و پرداخت هزینه زندگی را که همه به عهده مرد است زن عهده‌دار باشد.

این آیه ۳۲ پیشنهاد می‌کند که در امور تکوینی که نظام عالم طبیعت و نوع انسان به آن وابسته است و در امور تشریحی که بر اساس مصالح مهم و توجه به فطرت و طبیعت و جسم، و روان و توانایی‌های زن و مرد، و آمادگی‌های خاص آنها مقرر شده است تمنای تغییر وضع نکنید که نمی‌شود و نگرانی ایجاد می‌گردد و صفا و لطافت زندگی به کدورت و تیرگی و خشونت مبدل می‌شود و نظام به هم می‌خورد و مداخله ننماید که خدا از شما بهتر می‌داند و این نفسیات و خصوصیات ذاتی و نفسانی مرد است که احکام تکالیف خاص را به عهده او گذارده، چنان‌که نفسیات و خصوصیات زن نیز احکام و تکالیف خاص را به او متوجه نموده است و چنان‌که این نفسیات هر کدام را برای عملی و کاری در اجتماع آماده‌تر کرده، در آن جهت که مردها آمادگی بیشتر دارند زن نباید تمنای آن را بنماید و در آن جهت که زن آمادگی دارد مرد نباید تمنای آن را بکند یا این‌که هر کدام بهره خود را از کار و عمل خود می‌برند هم بهره مادی و دنیایی و هم بهره معنوی و اخروی، همه از فضل خدا بخواهند که خدا به

هر چیز داناست.

نظام شرعی، موافق واقعیت انسانی زن و مرد

۲. در سوره نساء و هم‌چنین در سوره‌ها و آیات دیگر آنچه راجع به بانوان مقرر شده، موافق با فطرت و واقعیت اشتراک انسانی زن و مرد و موضع خاص هر یک از آنها در تشکیل زندگی عائلی و تدبیر منزل و بقای نسل، و صیانت حقوق و شرافت و شان زن است، و اگر به فساد اجتماعی و اخلاقی و حتی جسمی کشورهای به اصطلاح پیشرفته که در اثر انحراف یافتن موضع زن از فطرت حاصل شده توجه شود و با موضعی که اسلام برای زن خواسته است مقایسه گردد، معلوم می‌شود اسلام چه نقش شایسته و شرافتمندانه‌ای را ایفا کرده است.

دوری از دین، عامل فساد در دنیای معاصر

آمارهای متعدّد در رشته‌های مختلف انحطاط موضع زن و خطری را که به واسطه این انحطاط اجتماع انسانی را تهدید می‌کند نشان می‌دهد. به اسم آزادی زن، چه کارهای بی‌شرفانه‌ای که مرتکب می‌شود و زن را در چه صورت‌های پلید حیوانی و مظاهر کثیف و شرم‌آور جلوه می‌دهند، و تن و اندام او و خودفروشی او را در سیاست و بازرگانی و فروش کالاها وارد می‌کنند و او را از یک بازیچه دست مردان پست و بوالهوس کمتر و بی‌ارزش‌تر می‌سازند.

در کشور ایران که پنجاه سال بود به اسم آزادی زن او را از پیشرفت واقعی باز داشتند، یکی از مظاهر عادی این آزادی این بود که گفتند در

جشن‌های بی‌شرمانه و غیر انسانی دو هزار و پانصد ساله دخترانی تربیت کردند و از آنها تعهد گرفتند در این جشن از میهمان‌های خبیث و حیوان‌صفت که از اطراف و اکناف دنیا برای عیاشی و رذالت و هرزگی و فحشاء و نابکاری و به هدر دادن بیت المال ملت محروم ایران می‌آیند پذیرایی کنند و هر چه هر کدام از آن میهمان‌های بی‌شرف و بی‌حیثیت از آنها خواستند از آنها دریغ ندارند و با تمام وجودشان در اختیار آنها باشند.

اسلام، عصر طلایی حیات زن

اسلام با این برنامه‌ها مخالف است چنان‌که با برنامه زنده‌به‌گور کردن دختران مخالفت کرد. اسلام می‌خواهد زن و مرد در سازندگی اجتماع انسانی که هر دو عضو آن هستند به طور شایسته انجام وظیفه نمایند و آیات قرآن که راجع به جهات مشترک بین زن و مرد است، بیشتر در حمایت از حقوق زن و قرار دادن او در موضع انسانی و حقوقی خود، و سلب دیکتاتوری‌های مردها و پایان دادن به معاملات ضد انسانی آنها با بانوان می‌باشد که باید عصر اسلام را عصر جدید و طلایی حیات زن شمرد و اگر بگوییم اسلام بیش از آن‌که دین مرد باشد، دین زن است یعنی بیش از آن‌که نجات‌دهنده مردها باشد نجات‌دهنده زن‌ها است گزاف نگفته‌ایم. اکنون هم یگانه حامی و نگهبان شأن زن تعالیم اسلام است.

۳. از آیه ۳۴ سوره نساء هرگز چنین استفاده نمی‌شود که مرد حق دارد نسبت به همسر با اختیار مطلق رفتار نماید و اختیار مطلق در قوانین اسلام معنی ندارد و حقوق خاصی که مرد بر زن به موجب پیمان زناشویی و

همسری پیدا می‌کند قابل تحدید است، و زن و مرد هر گونه شرطی را که خلاف اصل و مقتضای پیمان ازدواج و قانون اسلام نباشد می‌توانند بر یکدیگر بنمایند، و پیمان زناشویی را چنان‌که می‌خواهند و در فقه اسلام پیش‌بینی شده است ببندند.

استفاده سه حکم از آیه شریفه

۴. از این آیه چنان‌که مفسرین فرموده‌اند و ظاهر آیه هم بر آن دلالت دارد سه حکم استفاده می‌شود:

الف. توزیع کار بین زن و مرد

الف) حکم اوّل که برای مردها یک تکلیف و مسئولیت و برای زن‌ها آسایش و آرامش و آزادی و عدم تعهد است، این است که امور عامّه، مانند حکومت و قضاوت و اجرای حدود و جنگ را که محتاج به صلابت و سختی مردانه و موضع‌گیری‌های انعطاف‌ناپذیر و تدبیر و مآل‌اندیشی‌های دور از احساسات و عواطف است مرد عهده‌دار شود و مسئولیت آن به عهده او باشد. مرد باید این موضع را که حفاظت آن مربوط به همگان و به سود همگان است محافظت نماید، و از آن دفاع کند، و سرپرستی این امور از این جهت به عهده مرد گذارده شده که به حسب نوع در قبول این مسئولیت‌ها، آماده‌تر و انفعالش از احساسات کمتر و موضعش برای دفاع و جبهه‌گیری و مقابله، نیرومندتر و قاطعیتش در حلّ و فصل امور بیشتر است و این جهتی است که از جمله «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» استفاده می‌شود.

بر روح لطیف و طبع سرشار از عواطف و احساسات زن در رأفتی که در او هست اعمال خشونت‌آمیز اگر چه مورد تأیید عقل باشد تحمیل و فشار روانی دارد، و همان‌طور که در روایتی آمده است: «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَكَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۱ استفاده می‌شود زن در اجتماع نقش یک ریحان و رستنی خوش‌بو و راحت‌بخشی دارد و بیم‌انگیز و سخت‌گیر و عامل رعب و وحشت و نگرانی نیست؛ ژاندارمری و میرغضبی و جلادی و تخریب و در هم کوبیدن با ساختمان وجودی زن سازگار نمی‌باشد و پیدایش مثل حجاج و چنگیز و خونخواران تاریخ از بین مردها در اثر انحراف و اسراف در موضع‌گیری‌های مردان و تربیت وحشیانه می‌باشد و نشان می‌دهد که مردان در گرایش‌هایی که دارند مانند زنان، احساساتی و عاطفی نمی‌باشند.

بدیهی است هم گرایش‌های زنانه و هم گرایش‌های مردانه باید به طور صحیح رهبری شود تا از حد اعتدال خارج نگردد و در مظاهر گرایش‌های مردانه، مانند چنگیز و حجاج پیدا نشود و در بانوان نیز مظاهر گرایش‌های زنانه زنان آلوده و بی‌شرم و آزر و تجمل‌پرست و خودفروش نباشند و در هر دو جنس، نمونه‌های کمالشان افرادی مانند محمد و علی و عیسی و خدیجه و فاطمه و زینب و مریم علیهم‌السلام باشند.

ب. سرپرستی عائله

ب) دوّمین حکمی که از این آیه استفاده می‌شود راجع به سرپرستی

۱. «همانا زن ریحانه است و کارگزار و خدمتکار نیست». نهج البلاغه (صبحی صالح)، نامه ۳۱.

عائله است. در اینجا نیز باید توجه داشت که فطرت و طبیعت تکالیف، سرپرستی را به عهده مرد گذارده و قوت و صلابت ذاتی مرد و توانایی درگیری او با دشواری‌های بیرون از محیط عائله، تماس با مردم و قدرت او بر حمایت از مصالح عائله، او را به سرپرستی این اجتماع و داشتن اختیاراتی که در هر اجتماع مدبر آن اجتماع باید دارا باشد آماده کرده است، و زن به همان علت نرمش و لطف و عاطفه که لازم وجود او و کمال وجود او است به پرداختن به امور داخلی و مدیریت داخل عائله که نوازش و گرمی و شور و شوق می‌خواهد، و از مزاحمت خارجی برکنار است سزاوارتر است؛ علاوه زن که وظایف بزرگ و خطیر و خطرناک و مقدس بارداری و بار نهادن و شیر دادن و پرورش طفل را به دوش می‌گیرد، چگونه می‌تواند مدیریت خانواده و مسئولیت‌های حفظ مصالح خانواده را در خارج و در میدان تراحم با دیگران نیز عهده‌دار شود؟

سرپرستی مرد در عائله یک وظیفه‌ای است که اگر قانون هم نباشد بالطبع به دوش مرد می‌افتد. قانون باید آن را تنظیم نماید که بعضی مردها از آن سوء استفاده نمایند و آن را وسیله تحمیل خود بر افراد عائله به خصوص همسر قرار ندهند.

مدیریت خانواده مرد را متعهد می‌کند که مخارج خانواده را پردازد و رنج تحصیل آن را متحمل گردد و همه را چنان‌که شایسته است کفالت کند و پاسدار عائله باشد و این وظیفه‌ای است که بر وجدان و اعصاب، بسیار سنگینی دارد. در خانواده‌هایی که مرد کفایت این سرپرستی و نیروی اداره را ندارد

آن خانواده کانون نارسایی‌ها و نگرانی و اختلال می‌گردد و بیشتر از هر کس خود بانوان از این‌که همسرشان قدرت اداره نداشته باشد رنج می‌برند. خانواده‌ای که مردش فاقد قدرت سرپرستی باشد، در معرض فساد و متلاشی شدن واقع می‌شود و بازده آن خانواده و نتیجه زندگی زناشویی آن، فرزندان خواهند بود که غالباً از ترقی و پیشرفت متعارف باز می‌مانند. لازم به تذکر است که مرد در برابر همسر خود تعهدات مالی دارد که هم صداق و هم مخارج زن را باید متکفل باشد. لذا به این جهت هم مناسب است که زن طبق پیمان ازدواج در امور جنسی در حدود مقررات و احکام شرع از او متابعت نماید.

علاوه بر این، مرد باید همیشه بتواند - البته در صورتی که همسرش مانع شرعی نداشته باشد - گزینه جنسی خود را اشباع نماید و یکی از فوائد نکاح همین است که طغیان گزینه جنسی مرد را کاهش دهد و او را از تجاوز و اندیشه‌های ناپاک حفظ کند.

لذا زن باید در امور مشترک و مربوط به زناشویی و روابط جنسی، تقاضای مرد را بپذیرد و در غیاب مرد به او خیانت نکند و روابط نامشروع با مرد دیگر برقرار نسازد و با حسن سلوک با همسر و نیکو شوی داشتن، جهادی را که بر زن است انجام دهد.

این قبول از جانب زن و پذیرفتن پیشنهاد شوهر، مقتضای اختصاص زن به مرد است؛ اختصاصی که فلسفه طبیعی و حکمت اجتماعی دارد، و مقتضای طبع زناشویی و پیمان ازدواج است.

طبق این پیمان، زن به مرد اختصاص پیدا می‌کند؛ این اختصاص علاوه

بر آن که طبق پیمان است، یک اساس طبیعی دارد و آن این است که زن در ظرف نه ماه، بیشتر از یک فرزند نمی‌تواند تولید کند در حالی که مرد در این مدت می‌تواند صدها فرزند تولید کند. پس اختصاص مرد به زن موجب تعطیل ناموس طبیعی تولید می‌شود، در حالی که اختصاص زن به مرد، هیچ‌گونه تعطیلی در این ناموس پیش نمی‌آورد.

اختصاص زن به یک مرد مانع از اختلال در امور انساب و عکس آن موجب اختلال در آن می‌شود، اما اختصاص زنان متعهد به یک مرد موجب اختلال انساب نمی‌گردد.

غرض، این یک پدیده طبیعی است که در جامعه انسانی باید قانون آن را منظم نماید و رهبری کند، لذا اسلام این اقتضای نامحدود را - چون نباید بالمره ممنوع ساخت و طبیعت را نادیده گرفت - جهت حفظ مصالح دیگر در عقد دائم تا چهار همسر تقلیل داد و محدود ساخت.

لازم به تذکر است اختیاری که مرد نسبت به همسر دارد از حدود مسائلی که مربوط به زناشویی و امور جنسی است تجاوز نمی‌کند و زن در امور مالی و اقتصادی خود جز در بعض موارد استقلال دارد، و در امور عائله نیز سرپرستی مرد بیشتر از این نیست که مخارج همسر و اولاد را تکفل می‌نماید، و پاسدار خانه و خانواده است تا حدی که اگر در دفاع آنها کشته شود شهید خواهد بود.

و بالاخره در این اختیار جزئی و ناچیزی که مرد دارد و در اعتباری که طبعاً به واسطه موضع خود در خانواده پیدا می‌کند، مرد کاملاً محدود است و نمی‌تواند دیکتاتور منشانه رفتار کند، و نسبت به زن در امور خانه و

کارهای منزل، و پذیرایی عادی از خودش، توقع و انتظاری داشته باشد و موضع ترفع و تحکم و تکبر اختیار کند که به زن به چشم یک خدمتگزار مرد بنگرد، بلکه باید به عکس، برنامه «و عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۱ را پیاده نماید و معاشرتش را با زن نیکو قرار دهد.

این برنامه حُسن سلوک و زیستن نیکو با همسران در اسلام تا آنجا و تا آن حد تأکید می‌گردد که قرآن مجید می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۲ و از حضرت رسول صلی الله علیه و اله روایت می‌شود که فرمود: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ؛ بهترین شما بهترین شما برای اهل و خانواده خود می‌باشد»^۳.

و برای این که محیط خانواده مشحون به مهر و لطف و صفا باشد، و مرد هیچ‌گونه خودبینی و خود بزرگ‌بینی نداشته باشد، حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله چنان که در حدیث آمده است فرمود: «الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ وَ الْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ»^۴ یعنی مؤمن میل خانواده را محترم می‌شمارد و آنها را بر خود بر می‌گزیند اما غیر مؤمن، میل خود را بر خانواده تحمیل

۱. «و با همسرانتان با نیکویی معاشرت کنید». سوره نساء، آیه ۱۹.

۲. «و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده است». سوره بقره، آیه ۲۲۸.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۳، باب النوادر، ص ۵۵۱، ح ۴۹۰۸.

۴. «مؤمن طعامی را می‌خورد که خانواده‌اش می‌خواهند و منافق خانواده‌اش را مجبور به خوردن غذای

دلخواه خود می‌کند». کافی، جلد ۴، باب کفایة العیال و التوسع علیهم، حدیث ۶.

می کند.

بنابر این برنامه‌ها و راهنمایی‌ها، مسأله اختیار مطلق مرد نسبت به همسر اصلاً مطرح نیست، و زن در امور مالی و اقتصادی مستقل است و اصولاً اختیار و حق و من و تو، و زن و مرد در خانواده مسلمان و بین دو همسر آشنا به تربیت اسلامی کمتر طرح می‌شود و من بودن هر کدام با پیمان مقدس ازدواج که در اسلام بنایی افضل از آن بنا نشده است به ما تبدیل می‌شود و شخصیت آنها در هم ادغام گردیده و واحد می‌شوند در عین آن‌که شخصیت آنها در آنچه وابسته به امر عائله و همسری نیست به استقلال خود باقی می‌ماند، و چنان‌که در غرب متداول است نیست که با ازدواج، وابستگی فامیل زن از فامیل خودش بریده می‌شود و نام فامیلش عوض می‌گردد.

ج. نشوز زن و وظیفه مرد

ج) حکم دیگر که از آیه استفاده می‌شود در مورد نشوز و خودداری زن از انجام کامیابی‌های جنسی است. حکم این است که در مورد خودداری زن از امور مربوط به کامیابی و همسری، مرد او را موعظه نماید و در خوابگاه با برگرداندن رو از او گله خود را از او اظهار کند (و به قصد تأدیب نه کینه و انتقام) او را بزند که چنان‌که گروهی از فقهاء فرموده‌اند این تأدیب‌ها یکی پس از دیگری و در صورتی زدن جایز می‌شود که موعظه، و برگرداندن رو و کارهایی که گله‌مندی و نگرانی او را نشان دهد مؤثر نشود و زدن هم طبق تحدیدی که فقهاء فرموده‌اند باید شدید و غیر متعارف و

سخت‌دلانه نباشد، البتّه در کتاب‌های فقه راجع به این احکام و قیود آن علما آراء مختلف دارند، ولی بنابر آنچه گفتیم این یک برنامه‌ای نظیر برنامه امر به معروف و نهی از منکر است؛ برنامه خاصّ و بی‌سابقه‌ای نیست. طبق برنامه امر به معروف و نهی از منکر برای بازداری هر کس از گناه باید نخست او را موعظه کرد، و اگر اثر نکرد وضع سلوک و معاشرت با او را تغییر می‌دهد، و اگر باز هم در گناه اصرار کرد با زدن، او را از گناه باز می‌دارد. این برنامه کلیّ اسلام است که اکنون هم در دنیا در این حدود یا سخت‌تر اجرا می‌شود. نشوز زن هم یک گناه است که باید طبق احکام امر به معروف و نهی از منکر از آن بازداشته شود و در اینجا چون یک امر داخلی است طبعاً خود مرد باید این برنامه را اجرا کند و اصولاً مرد در تمام اوضاع داخل منزل و روش عائله از زن و فرزند و خادم مسئول است و باید محیط خانه را از گناه پاک نگاه بدارد؛ هر گونه گناهی در خانه بشود حتّی غیبت، دروغ، تهمت و ستم بعضی افراد عائله بر بعضی دیگر، مرد در صورتی که مطلع باشد از آن مسئول است؛ از انحراف، از فساد خانواده و از سوء تربیت آنها مسئولیت دارد. قرآن مجید این مسئولیت بزرگ را به عهده او گذارده است «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^۱ یعنی نگهدارید خود و خانواده خود را از آتشی که هیضم آن مردم و سنگ است.

۱. سوره تحریم، آیه ۶.

در تفاسیر است وقتی این آیه نازل شد و مردان مکلف به صیانت خانه و خانواده از گناه گردیدند، چنان مردان مؤمن سنگینی آن را احساس کردند که می‌گریستند که علاوه بر مسئولیت اعمال خود، مسئولیت رفتار خانواده نیز به عهده آنها آمد.^۱

حاصل این که مسائل متعدّد، مانند تعلیم و تأدیب و استیفاء حق و نهی از منکر، همه این برنامه را توجیه و تفسیر می‌نمایند، و بدیهی است که در خانواده‌های آشنا به تربیت اسلامی و زن و مردی که مودّت و رحمتی را که خدا بین همسران قرار داده است شناخته باشند، سلوک و معاشرت عالی‌تر و باصفا‌تر از این است که زمینه‌ای برای اجرای این برنامه‌ها پیدا شود.

بنابراین این برنامه هم خصوصاً با توجه به تربیت عالی اسلامی مورد سوء استفاده و موجب اختیار مطلق مرد نسبت به همسرش نیست، و جز در این مورد خاصّ که تخلف یکی از موارد و مقاصد اساسی پیمان زناشویی است در مورد دیگر نیست، حتّی مرد در امور خانه‌داری و کارهای منزل و شیردادن به طفل حقّ تحمیل بر همسر ندارد و او به تمام معنی خود مختار است، هر چند زن مسلمان در این کارها و اداره امور منزل مرد را یاری می‌کند و برای کسب ثواب و تقرّب به خدا بهترین معاشرت‌ها و حُسن سلوک‌ها را با همسر خود دارد.

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۹۶، ذیل آیه شریفه.

شایسته‌ترین شغل زن

سؤال. بفرمایید به نظر اسلام عزیز، برای زن پرداختن به چه شغل و کاری شایسته است؟

پایگاه ارزنده زن در اسلام

یکی از مسائلی که پیرامون آن بحث و بررسی بسیار شده، مسأله موضع زن، و نقش او در اجتماع بشری است. تا قبل از ظهور اسلام، موضع زن به طور شایسته شناخته نبود، و درباره او آراء و عقایدی اظهار می‌شد که چیزی که در آن مورد نظر نبود، شأن انسانی و شخصیت ارزنده زن بود. پس از انقلاب عظیم اسلام که در سراسر جهان اثر گذارد، به زودی موضع زن تغییر کرد و قدر و احترام خاص یافت، و پایگاه ارزنده‌اش در اجتماع معلوم شد. استقلالش، شخصیتش، حقوقش، اختیاراتش، تکالیفش، مسئولیت‌هایش، همه روشن گردید، و از رسالت زن در اجتماع و سهم او در ترقی و تکامل

جامعه، تجلیل شایان به عمل آمد.

انحطاط مقام زن بر اثر دوری از اسلام

متأسفانه از این انتقال زن از گذشته‌ای که قبل از اسلام داشت به موقعیت و ارزشی که بعد از اسلام و از اسلام یافت، بعضی مللی که آزادی زن را از اسلام اقتباس کردند به طور صحیح استفاده نمودند؛ به اسم آزادی زن، او را مانند جنس مصرفی به بازار آوردند و ننگین‌ترین معاملات را روی آن انجام دادند، و او را فروشنده تن و اندام خود قرار دادند که در کاباره‌ها و مجامع رقص و عشرت‌کده‌ها و مغازه‌ها و فروشگاه‌ها و به نام سکرتر، و اسم‌های مبتذل دیگر حتی در سازمان ملل و برای مقاصد سیاسی و جاسوسی، و هزار و یک مقصد پلید دیگر تن‌فروشی و خودفروشی کند و نمونه شخصیت زن و بانوی اول در مثل آمریکا، ژاکلین کندی شود و روابط آزادانه مردها با زن آنجا که بسیار تعریفی باشد، مثل رابطه خیانت‌کنندگی‌ها و رابطه رهبر کمونیست‌های فرانسه با او گردد که شخص اخیر پس از سال‌ها ارتباط نامشروع با یک زن شوهردار و پیدا کردن دو یا سه فرزند از او خواستار ازدواج با او شد که شرح این رسوایی‌ها و اهانت‌هایی که در دنیای معاصر به اسم آزادی به شرف و حیثیت و اعتبار انسانی زن می‌شود یک کتاب بزرگ می‌گردد.

اسارت مدرن زنان توسط تجدد نماها

غرض اینکه زنان پیش از اسلام در اسارت بودند و اکنون هم به اسم آزادی در اسارتی نو و تجددنما افتاده‌اند که ناچار باشند به کارهای سنگین

و خودفروشی و تحمّل خلاف شرافت‌هایی تن در دهند.

در این میان چند نفر هم در هر کشوری به پست‌هایی رسیده‌اند یا به آنها پست‌هایی دادند و حتّی نخست وزیر شده‌اند و زن را نه چنان که باید، ساختند و شدن و بودن او در چهار چوب شهوات و پرده‌داری و بی‌آزمی محدود گردید، و مخصوصاً در کشورهای اسلامی برای اینکه جامعه مسلمان را از اسلام جدا سازد که مبدا توأم با حرکت علمی و آگاهی همگانی که در اثر تحوّل و ترقّی وسایل تبلیغی سمعی و بصری؛ خواه و ناخواه فراهم می‌شود، بانوان مسلمان به آگاهی‌های اسلامی برسند و موضع واقعی و ارزنده و انسانی زن را به دنیا نشان دهند و یا مردهای روشنفکر در کنار آنها با استعمار به نبرد برخیزند، موجبات گرایش و توجّه زن و مرد به فساد را فراهم کرده و در هر کجا زن را گذاردند و هر پستی و شغلی به او دادند. این سیاست را به دقّت پیاده کردند چنان‌که برای مقاصد اقتصادی و اینکه زنان بهترین خریدار کالاهای بی‌فایده و لوکس و گران‌بهای آنها بشوند، نغمه آزادی مصنوعی زنان را هر چه بلندتر سر دادند و برای زن‌ها چه دلسوزی‌ها که کردند و چه غصّه‌ها که خوردند و چه سخنرانی‌ها و حرف‌ها که گفتند و چه مقالات و کتاب‌ها که نوشتند و چنان تبلیغ کردند که فقط ترقّی بانوان و راه یافتن آنها به آموزشگاه‌ها و ترقّی کشورهای مسلمان در گرو این است که زن، سنّت‌های شریف اسلام را ترک کند و برهنه و نیمه‌برهنه‌بودن بانوان و شرکت آنها در مجالس عیش و نوش مردهای هرزه و ... است.

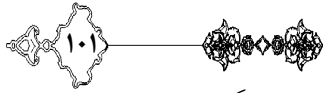
در ضمن هم مسائلی را به طور وارونه از حقوق زنان مطرح کردند که شرح آن کارها در اینجا مناسب نیست. اجمالاً در تمام این حرکاتی که به اسم زن و بر زنان تحمیل کردند، مقصودشان این بود که محتوای اسلامی زن را از او بگیرند و او را بی محتوا سازند.

لزوم واقع‌نگری در مسائل زنان

پس از این مقدمه که غرض از ذکر آن این بود که با نظر واقع‌بینانه باید مسائل زن را بررسی کرد و نقطه‌نظرهای اسلام را که از سوی خدای زن و خالق زن می‌باشد باید در نظر گرفت و تلقینات و تبلیغات مغرضان و نظرهای آلوده به شهوات را کنار گذاشت، در جواب این پرسش که برای زن پرداختن به چه کاری شایسته‌تر است عرض می‌کنم:

ارزش‌های وجودی، ملاک اشتغال زن

اگر فقط منافع و سود مادی و اقتصادی معیار باشد که همه چیز و همه شایستگی را از دریچه بازده مادی و اقتصادی آن ببینیم، هر کاری که بازده مادی و اقتصادی آن بیشتر باشد برای هر یک از مرد و زن، آن کار شایسته‌تر است، اگر چه هزاران خیانت و جنایت در آن باشد و اگر چه شرف انسانیت در آن پایمال شود. اما اگر معیار شایستگی، ضوابطی عالی‌تر و انسانی‌تر از این ضابطه باشد و برای انسان، شرافت و کرامتی در نظر گرفته شود و زن را دارای آن ارزش‌های انسانی بدانیم، و اجتماعی را که بدون همکاری صمیمانه زن و مرد و رابطه همانندی که قرآن از آن تعبیر به «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ



هُنَّ»^۱ بر پا نخواهد شد در نظر بگیریم، باید بگوییم زندگی انسانی بدون همکاری مرد و زن، سعادت‌مندان و قابل اعتماد و آرام‌بخش نخواهد بود. سهم هر یک از این دو در تحقق هدف‌های مدنی و اجتماعی و ترقی جامعه بسیار مهم است که هر کدام نباشند و سهم خود را ایفا نکنند، جامعه نمی‌تواند به سیر خود ادامه دهد، بلکه به سوی انقراض و زوال خواهد رفت. با قطع نظر از مسأله توالد و تناسل و بقاء نوع اگر زن و مرد بخواهند موضع خود را رها کنند و مثلاً تمام کارها و مشاغل سبک و سنگین را بر اساس تساوی کامل توزیع نمایند که نقش خاص زن و مرد در اجتماع ظاهر نباشد و شایستگی‌هایی که هر یک از این دو برای بعضی مشاغل دارند در نظر گرفته نشود، مسلم چرخ اجتماع چنان که باید گردش نخواهد کرد، بلکه گرفتار رکود و توقف خواهد شد.

خانه‌داری، اشرف اعمال زن

به نظر این‌جانب، شایسته‌ترین کار برای نوع زن که عالی‌ترین مظاهر همکاری زن و مرد است، این است که زن به کارهای داخل منزل و تربیت اولاد و خانه‌داری بپردازد و مرد به کارهای خارج، و در خارج از منزل انجام وظیفه نماید؛ البته این به آن معنی نیست که زن شغل مناسب دیگر را نباید یا نمی‌تواند عهده‌دار شود یا اینکه بر زن، خانه‌داری واجب است، بلکه

۱. «آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید)». سوره بقره، آیه ۱۸۷.

غرض این است که مصلحت اجتماع بر این است که اصل در مشاغل زن، این باشد و تدبیر امور داخل منزل در متن مشاغل زن اصالت داشته باشد و همه احترام شغل او و اعتبار و اصالت و ارزش آن را بشناسند و تقدس و افتخاری که برای زن خانه‌دار است محفوظ باشد.

به نظر ما این اصل است و اسلام هم به این اصل توجه دارد و زنان خانه‌دار را به ثوابها و اجر زیاد نوید داده است.

نظام عقلائی اسلام در فرهنگ عدم اختلاط

سؤال. نظر اسلام در رابطه با اختلاط زن و مرد اجنبی در اجتماع، و ورود دوشادوش زن و مرد در محیط‌های کاری و ... چیست؟

قال الله تَعَالَى: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ. صَدَقَ اللهُ الْعَلِيِّ

الْعَظِيمِ»^۱

نظام حجاب و عفاف، نظام معقول ارتباط بین زن و مرد

مسأله حجاب بین زن و مرد بیگانه، و به طور کلی موضوعی که این دو جنس بر حسب ذات و مطالبات جنسی و اصالت متساوی انسانی و شخصیت اسلامی و مصالح مادی و معنوی دارند، از مسائل بسیار مهم اجتماعی اصیل و اسلامی است.

موقعیت و موضوعی که منافع این دو صنف را به هم وابسته می‌سازد، زندگی آنها را مستقل از دیگری، ناقص و فاقد آرامش و استراحت می‌کند.

۱. «و هنگامی که از آن زنان چیزی می‌خواهید از پشت پرده و حجاب بطلبید». سوره احزاب؛ آیه ۵۳.

در اکثر جوامع - تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد- ضرورت برقراربودن نظام معقول و معتدل در این موضوع، مورد نظر عقلاء و سران اقوام بوده است، و این نکته اساسی مورد اتفاق بوده که زیان‌بارترین وضع بی‌نظمی و هرج و مرج، در این رابطه است که البته بیشتر و عمده این زیان و فساد، تحمیل بر جنس مؤنث می‌شود.

جامعه سالم مرهون تفکر عقلانی در موضوع زن

بر حسب تکوین و فطرت، توزیع وظایف و تکالیف بین این دو، در اصل، عادلانه و به نفع هر دو بوده است، مثل تقسیم و توزیع داخل و خارج که کارها و مشاغل سنگین و موجب اضطراب و هیجان بر عهده مرد قرار گرفته، و مدیریت داخلی خانواده، و تربیت فرزند و فراغت خاطر از گرفتاری‌های امور خارج از منزل، با بانوان شده است.

مسائلی که در ارتباط با این مطالب مورد بحث قرار می‌گیرد، خودبه‌خود یک علم وسیع است. آنچه که مسلم است، این است که نظر در اصلاح این موضوع و برقراری نظم صحیح و درست، نباید در محیط جار و جنجال و هوا و هوس و حمایت از یک طرف؛ چه زن و چه مرد باشد. مسأله در اهمیت، فراتر از این محاسبات است.

فقط در محیط عقلانی و فارغ از ملاحظات حیوانی و شهوانی و دفاع از یک طرف، می‌شود این مسأله را بررسی نمود.

تحقق جامعه سالم، در گرو درست‌اندیشی در این موضوع است، و درک موضوع اصلی هر دو به عنوان مکمل یکدیگر - چنان‌که در آیه کریمه

«هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۱ اشاره شده است - ضرورت دارد.

اسلام، منادی کرامت و ارزش واقعی زنان

در این میان، مطالعه سوابق معامله مکتب‌ها و جماعات و اقوام در رعایت کرامت انسانی بانوان، نشان می‌دهد که همواره ظلم‌آمیز و به نظر حقارت بوده است؛ دوران‌هایی که زن را؛ یا انسان نمی‌دانستند و یا برزخ بین انسان و حیوان می‌شمردند، و وجود دختر را ننگ و عار می‌دانستند، و دختران را با کمال قساوت و سنگدلی زنده به گور می‌کردند.

این اوضاع ناهنجار برای این بود که قوانین صحیح و هدایت‌های اخلاقی و دینی، قدرت اجرایی لازم را نداشت، و بر مردها هم - که از لحاظ فیزیکی قوی‌تر بودند- نظامات اخلاقی و وجدانی و معنوی حکومت نداشت.

در این اوضاع آشفته، اسلام بود که به فریاد بانوان رسید؛ اسلام بود که با آن اعلام‌های صریح، زنان را در کنار مردان قرار داد، و با اعلام‌هایی، مثل «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»^۲، و «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى»^۳، و یا «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...»^۴،

۱. «آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرند)». سوره بقره، آیه ۱۸۷.

۲. «مردان و زنان با ایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند». سوره توبه، آیه ۷۱.

۳. «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم». سوره حجرات، آیه ۱۳.

۴. «به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان

نظامات عامّ و جامع و صحیح را در روابط زن و مرد اعلام نمود، و تا آنجا جلو رفت که برای زن‌ها نسبت به مردها، احترامات خاصّ و ملاحظات ویژه‌ای برقرار کرد، و امنیت این جنس لطیف را - که مورد طمع جنس مقابل و هجوم آن است - تأمین نمود، و مردان را به احترام به کرامت زنان مکلف کرد تا آنجا که به حسن مصاحبت با مادر، نسبت به پدر تأکید بیشتر نمود.

ارتباط با نامحرم، تهدیدکننده کرامت زن

یکی از نقاط ضعفی که کرامت زن را تهدید می‌نماید، و به‌طور کلی عفاف و پاکدامنی جامعه را در خطر قرار می‌دهد - اگرچه مفسد آن به هر دو جنس، آسیب‌های بزرگی می‌رساند، و صیانت کلّ جامعه را تهدید می‌کند - اختلاط دو جنس به صورت‌های غیر مصون و معرض فساد و خلاف عفاف و حجاب و نگاه و نظر است، که فرمودند: «النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٍ»^۱ و سخن گفتن مرد بیگانه با زن بیگانه است که اگر بیش از ضرورت متعارف باشد خطرناک می‌شود، تا حدّی که بزرگان و پارسایان، از سلام بر زن جوان خودداری می‌کردند از بیم این که صدای او را

صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است». سوره احزاب، آیه ۳۵.

۱. «نگاه حرام، تیری از تیرهای مسموم شیطان است». کافی؛ جلد ۵، باب نوادر، حدیث ۱۲.

خوش و جاذب بیابند که البته حالتی فطری و غریزی است؛ و از سوی دیگر، زنان از سخن گفتن با نامحرم با نرمش و خاطره‌انگیز نهی شده‌اند: «لَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»^۱ که مرد بیمار شهوت، به هوس و هوا نیفتد؛ و هم‌چنین خلوت مرد با زن بیگانه را ممنوع فرموده‌اند که سوّم آنها شیطان^۲ و تهییج و تکان‌دهنده غریزه است؛ غریزه‌ای که در برابر آن، عابدان پارسا می‌توانند مقاومت کنند. اینها برنامه‌هایی است که متأسّفانه در جامعه ما در اثر غرب‌گرایی متداول شده است.

خانه‌داری، اشرف کارها

تشویق بانوان به خانه‌داری و تعظیم قدر بانوان خانه‌دار و ثواب‌های بسیاری که برای زنان باردار هنگام بارداری و شیرخواری کودک و پرورش کودکان و امور دیگر است، همه در مسیر حفظ و حراست از کرامت زن، و دفع مردان بدنهاد مقهور شهوات از تعرض به حریم عفت آنان است. این اشتباه بزرگی است که زن خانه‌دار را کسی بیکار بداند، و آن را که با مرد بیگانه در یک اطاق همکار است کارمند بگوید.

پاکی و پاکدامنی و عفت و حجاب و پارسایی، فضیلتی است که زن اگر به خدشه‌دار شدن آن در برابر ملک دنیا راضی شود، مغبون و زیان‌کار است.

۱. «به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند». سوره احزاب، آیه ۳۲.

۲. اشاره دارد به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «لَا يَخْلُونَ رَجُلًا بِامْرَأَةٍ فَمَا مِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةٍ إِلَّا

كَانَ الشَّيْطَانُ نَالَتَهُمَا». دعائم الاسلام؛ جلد ۲، فصل ۴، حدیث ۷۸۸.

در بسیاری از برنامه‌ها و تعالیم دینی، حفظ شخصیت زن و کرامت او در برابر مردان رعایت شده است، حتی در مراسم عبادات؛ در نماز، در حج، در معاف‌بودن زنان از جهاد و بعضی تکالیف دیگر، این حشمت زن منظور است.

همسانی مرد و زن در کسب ارزش‌های معنوی

در مجموع، جایگاه زن در اسلام جایگاهی رفیع و با قداست و احترامی خاص است. در همه ارزش‌ها - که رأس و اساس آنها، ایمان و ثواب عبادات و طاعات و مقامات و درجات حقیقی است - زن، از مرد کمتر نیست، و در میدان مسابقه فردی، بسا زن‌ها که بر بیشتر مردها برتری می‌یابند، و در این میدان، باعث ترقی و تقرب به خدا، ابراهیم‌وار و اسماعیل‌سان تسلیم امر خدا بودن و احکام خدا را از دل قبول داشتن است. مسائل مربوط به زن و روابط زن و مرد و مواضع و جایگاه آنها در اسلام، به دقیق‌ترین وجه - که عالی‌تر از آن متصور نیست - مطرح است.

دوری از نظرات شهوانی به مسأله زن در اسلام

باید کسانی که در علوم مختلف تخصص دارند، هر کدام این جایگاه‌ها را شناسایی کنند تا ببینند که اسلام در این مسائل، اعجاز کرده است که هر کسی با نظر حکیمانه مطالعه کند، همین بخش از تعالیم اسلام، او را به ایمان می‌رساند. متأسفانه بعضی نظرها در این مسائل، آلوده به شهوات و بازی‌گرفتن مقام زن است که اسلام - چنان‌که عرض شد - نسبت به آن بسیار حساس

است، و آن را معرض هلاک زن و مرد می‌داند، و چنان، این رشته شهوترانی را خطرناک می‌بیند که هزار سال حبس اخروی را مجازات یک شوخی مرد بیگانه با زن نامحرم می‌داند: «مَنْ فَآكَهَ امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا حَبْسَهُ اللهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ»^۱

در این مواضع دینی، شخص مسلمان؛ مرد مؤمن و زن مؤمنه، باید وظایف خود را در حفظ عفاف و حجاب و ترک هوا و هوس و چشم‌چرانی درک نمایند.

۱. وسائل الشیعة؛ جلد ۲۰، باب ۱۰۶، حدیث ۲۵۴۱۸.

ورود زنان به مناصب حکومتی

سؤال. آیا حضرت زهرا سلام الله علیها علاوه بر ولایت تکوینی، از ولایت تشریحی نیز برخوردار بودند، یعنی می توانستند به عنوان قانون گذار در جامعه باشند؟ اگر می توانستند، پس چرا زنان جامعه را از ورود به مشاغل حکومتی منع می کنید؟

اگر مقصود از ولایت تشریحی، جعل قوانین و احکام باشد این ولایت برای آن حضرت و هیچ یک از ائمه طاهرين عليهم السلام، نیست و به احدی حق قانونگذاری و جعل حکم، تفویض نشده است. دین و احکام و قوانین به حکم «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»^۱ اکمال و اتمام گردیده است.

منافع مناصب حکومتی با شأن بانوان

و اگر مقصود از ولایت تشریحی، ولایت بر حکومت و نظام و اداره و تنظیم امور عباد و تأمین امنیت بلاد و رتق و فتق و جعل و نصب حکام و قضات و حفظ حدود و ثغور، و تجنید جنود، و احقاق حقوق و اعانت

۱. «امروز دین را برای شما کامل گردانیدم». سوره مائده، آیه ۳.

مظلوم و دفع ظالم و تکفل اوضاع فکری و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی جامعه و نظام اجتماع است و خلاصه، حفظ حوزه اسلام از خطرات و انکسار و ضعف و انهدام و انقراض و قراردادن آن در مسیر ترقی و تکامل و قوت و قدرت روزافزون و عظمت و تعالی بیشتر است، این صاحب‌اختیاری که به اتفاق، مماً لابد منه بر اجتماع است شأنی از شئون ائمه طاهرین علیهم‌السلام، و مقامی است که آن بزرگواران به نصب الهی به وسیله نصّ و ابلاغ پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله وسلم، حایز آن می‌باشند و تعبیر از آن به ولایت شرعی مناسب‌تر از ولایت تشریحی است.

در اینجا مطلب این است که این ولایت شرعی یا تشریحی اگر برای زنانی که در شایستگی و عقل از اکثریت قریب به اتفاق مردها بالاتر باشند و صاحب ولایت تکوینی و حجّت بر خلق در فقه و مسائل دین باشند مقرر نباشد از ارزش آنان در برابر صاحبان این ولایت چیزی کم نمی‌کند، چون این ولایت، مستلزم و متضمن تکالیفی است که مکلف‌کردن بانوان به آن تکالیف، خلاف عزّت و حشمت آنها است و با اغراض عالیّه شارع مقدّس و صفات فاضله‌ای که بیشترین و کامل‌ترین درجه آن را همان بانوان صاحب ولایت تکوینی دارند منافات دارد؛ صفات با ارزشی، مثل تخدّر و تسرّ و حیا و حجاب و عفت، با وظایفی مثل جهاد و چابکی در جنگ و نبرد و سربازی و شبیخون و به تنهایی رفتن در سپاه دشمن و ... برای او سازگار نیست، و بانوان را در معرض هتک و اهانتی قرار می‌دهد که مردها هم همه باید از آن دفاع کنند و هتک آن حتّی نسبت به زن ذمیّه‌ای که در پناه اسلام است در حدّ بیرون‌آوردن خلخال از پای او در اسلام، قابل تحمّل

نیست و آن‌گونه بر خاطر معدلت‌مآثر حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، سنگین می‌آید که خواننده یا شنیده‌اید.

مشاغل مختلط، اهانت به حریم زنان

مشاغلی که طبعاً زن را در ارتباط مستقیم با مرد بیگانه در خلوت و جلوت و اطاق و محلّ کار قرار می‌دهد از نظر فرهنگ اسلامی، اهانت به زن و تجاوز به حریم حرمت او می‌باشد که ولایت‌های اجتماعی و همگانی کشوری و لشکری و حتّی کدخدایی ده و روستا که محتاج به ارتباط مستقیم زن با مردان اجنبی باشد برای زنان، هر چند کفو امام و پیغمبر باشند و در ولایت تکوینی چیزی از آنها کم نداشته باشند مقرر نشده است، و هر زنی که تربیت کامل اسلامی داشته باشد تا چه رسد به آن‌که صاحب مقام ولایتی تکوینی باشد از تصدّی این ولایات و مقامات ابا می‌نماید.

به همین ملاحظات، مسلمانان و شخص حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در جریان سرکردگی و رهبری عایشه در جنگ جمل و مداخله او در آن امر سیاسی بزرگ به او و برانگیزندگان‌ش اعتراض می‌کردند؛ نه به این جهت که دیگران از همراهانش همه در فهم و درک سیاسی از او برتر بودند یا این‌که او فهم و درک سیاسی یک نفر از آنها را نداشته باشد، بلکه برای این‌که این حرکت را توهین به او و موقعیت او و مخالفت با دستورات شرع و مخصوصاً قرآن کریم می‌دانستند؛ لذا از آن زمان تا حال؛ نه خودش و نه دیگران نتوانسته‌اند این حرکت او را توجیه کرده و از مشروعیت آن دفاع مقبول بنمایند.

زن. معاف از سختی جهاد و دفاع

سؤال. بفرمایید نظر شرع مقدس درباره حضور زنان در نیروهای مسلح چیست؟ و آیا توصیه‌ای نسبت به این امر دارید؟

کرامت بانوان و حفظ عفاف و حجاب آنها را نمی‌توان با هیچ امر دیگری عوض کرد. اصالت صیانت عفاف و حشمت بانوان و به خطر نیفتادن موقعیت آنان در اسلام، اهمیت بالا و ممتازی دارد.

معاف بودن زنان از جهاد و دفاع در اسلام

در عرصه جنگ و دفاع، باید مردها پیش‌قدم باشند و آنها مکلفند. در صدر اسلام که بر خلاف عصر ما نقش نفرات و افراد بسیار بود و در برابر نفرات و عده و عده کفار، نفرات مسلمان مرد قلیل بود، زن‌ها از جهاد و دفاع و اعمال شمشیر و سلاح معاف بودند و اگر در بعضی موارد با لشکر اسلام همراهی می‌کردند زنانی بودند که به عنوان پشت جبهه از فنونی، مثل شکسته‌بندی و پرستاری مطلع بودند.

در این مورد و مسائل دیگر مربوط به اسلام البته باید احکام اسلام رعایت شود و نباید بانوان لباس رزم بپوشند و مثل مردها از آنها سان ببینند.

از فرهنگ اسلام تا فرهنگ کنونی

اوضاعی که در جوامع اسلامی رو به نمایش و ظهور است، با احکام اسلام تطبیق ندارد.

در مسائل مربوط به بانوان، غرب‌گرایی و اختلاط بی‌بندوبار زن و مرد نباید ترویج شود. زن‌ها نباید در عرصه‌هایی که حضورشان از شأن آن‌ها می‌کاهد و وجود آن‌ها را سبک می‌سازد وارد شوند. حفظ بنیاد خانواده، امنیت اخلاقی جامعه و مصالح مهم دیگر همه فقط در گرو عمل به دستورات اسلام است.

زن نباید از نفرت رزمی محسوب گردد و لباس نظامی بپوشد و تحت اوامر مرد اجنبی قرار گیرد که صورت غرب‌مآبی و بی‌اعتنایی به مسأله حجاب و عفاف درآید که خطرناک و غیرشرعی است.

امروز در جنگ‌ها بیشتر به آلات و ادوات نیاز است و تکثیر نفرت از مردها هم مورد لزوم نیست و بانوان را در این عرصه‌ها نباید وارد نمود و سنت‌های اسلامی و آیات قرآنی در مورد حفظ حیثیات بانوان باید محفوظ بماند و بعضی کیفیات اگر عمل شود مورد قبول شرع نمی‌باشد.

لزوم توجه بزرگان جامعه به حفظ سنت‌های اسلامی

آنچه که این جانب هم متذکر می‌شوم و همه علمای اسلام باید به آن توجه کنند و می‌دانم که همه و هر کدام بر استقلال اسلامی جامعه و التزام به تعالیم و سنت ملتزم می‌باشند و همین نگرانی را دارند، این است که غرب‌گرایی و ترک سنت‌های اسلامی در بیشتر کشورها و جوامع ما رواج

یافته و روز به روز بر رواج آن افزوده می‌شود.

اختلاط فراگیر، سقوط همگانی

اختلاط زن و مرد بیگانه روز به روز در نهادهای دولتی بیشتر می‌شود و کسی هم استنکار نمی‌کند؛ در کشور اسلامی بزرگی، مثل بنگلادش مدیریت و ریاست بر همه شئون به آنها واگذار می‌شود، در پاکستان نیز همین برنامه هست. در کشورهای اسلامی مثل این‌که از کشورهای غربی وارد کردن زن‌ها در امور دولتی رایج‌تر می‌شود و مثل این‌که در اسلام و قرآن و سنت حرفی از روابط زن و مرد گفته نشده است.

ملاهی و مناهی همه جا هست. در همه کشورهای اسلامی سنن اسلامی مورد هتک قرار گرفته است، ولی به نسبت اگر ملاحظه کنیم در بین همه، این کشور ماست که از این معایب یا وجود ندارد یا اگر باشد نسبت به جاهای دیگر کمتر است.

در هر حال، همه علماء و دلسوزان اسلام باید با این نقاط ضعف و خطر تغییر هویت و متروک شدن احکام و گرایش لائیکی مبارزه نمایند.

مبانی فرهنگ اسلامی درباره زن

سؤال. در کتب اخلاقی علمای بزرگ راجع به رابطه زن و مرد و حفظ حدود و ثغور آن، توصیه‌های بسیاری شده است که با وضعیت برخی از زنان امروز، سازگار نیست. مضرات و مفسد عدم عمل به این توصیه‌ها چیست؟

ارتباط زن و مرد در فرهنگ اسلام

مسأله فرهنگ اسلام در ارتباط با دو جنس مخالف (زن و مرد)، بر اساس تعدیل روابط جنسی، و دوری از هرج و مرج در این روابط و نظامات خاصّ است، البتّه بعض این پیشنهادها در مواردی است که اطمینان به عدم مفسد نباشد، و زنها بدون نیاز عرفی، آمد و شد غیر متعارف در بین مردها در بازارها و خیابان‌های شلوغ نداشته باشند، و رفت و آمد با بیگانه، مثل دو نفر جنس موافق یا دو زن و مرد محرم نداشته باشند.

مفاسد عدم رعایت حریم زن و مرد

البته توالی مراعات نکردن این حریم، مفاسدی است که امروز دنیای معاصر و غرب به آن بی‌اعتنا است، و روابط بین زن‌های همسر دار با مردها و با محارم همه عملاً آزاد شده است، و اولاد زنا بیشتر از ولد حلال است. زن‌های همسر دار که از بیگانه باردار می‌شوند و فرزند دارند، بسیاری دارند، و مقامات و مسئولان بلندپایه غربی با کارمندان خود روابط دارند، و خلاصه در همه جا و مراکز علمی و حتی اخیراً در کنیسه‌ها هم رایج شده است که امروز و در عصر ما فرهنگ شده است.

مسافرت زن همسر دار با مرد بیگانه و خلوت آنها، همه معمول است، و پیروی از فرهنگ آنها با تعالیم اسلام سازگار نیست، و اگر مسلمانان، غرب‌گرایی را تعقیب کنند، با الزام به فرهنگ عفاف ممکن نیست.

فضیلت بزرگ خانه‌داری

به نظر ما و عقیده ما، فرهنگ اسلام که الهی و وحیانی است، بهترین روابط بین این دو جنس را پیشنهاد نموده است، و این دو جنس را مکمل یکدیگر و با هم، و حافظ کرامت یکدیگر قرار داده است.

خانه‌داری را فضیلت شمرده و زن را هر چه از معرض شهوت‌رانی بیگانه دورتر باشد، پاک‌تر و با کرامت‌تر می‌داند، و برای او، اعتبارات و امتیازات خاصی مقرر فرموده است، و از اختلاطی که فعلاً در غرب وجود دارد به شدت منع فرموده است.

مع‌ذلک این توصیه‌هایی که در این کتاب‌ها شده است همه تأکیدی

می‌باشد و دعوت به اعتنا به حفظ عفت و حجاب و پاکدامنی و پارسایی است.

فرهنگ اسلامی، مسیر سعادت جامعه

اگر جامعه بر اساس هدایت‌ها و تعالیم اسلام برقرار باشد، هیچ اشکالی و زحمتی پیش نمی‌آید، و زن‌ها همان‌طور که هزار و چهارصد سال است از آن استقبال داشته‌اند استقبال می‌کنند؛ ولی اگر بخواهیم فرهنگ تمام غربی یا نیمه‌غربی و دو شخصیتی بسازیم، مشکل ایجاد می‌شود، و جمع بین این دو فرهنگ، امکان‌پذیر نیست.

متأسفانه این گرایش به فرهنگ غرب، کم و بیش بعضی را تحت نفوذ قرار داده است، و اختلاط دو جنس و اشتغال زن‌ها به مشاغلی که این حریم‌ها و حرمت‌ها را می‌شکند و وجه نظر حتی بعضی مسئولان نیز قرار گرفته است.

بزرگترین جهاد زن مسلمان

سؤال. با توجه به حدیث «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ»^۱؛ خواهشمند است دیدگاه فقهی خود را در حوزه تفسیر حُسْنِ التَّبَعْلِ ارائه فرمایید؟

خانواده اسلامی فراتر از یک قرارداد

موضوع حسن تبعل و شوهرداری خوب و نیک که در این حدیث شریف به آن اشاره شده است؛ و در قبال جهاد مرد با کفار و بذل نفس و شهادت طلبی بیان شده است، بخش نخست و مرتبه اولی آن، همان عمل کردن زن به وظایف واجب شرعی است که در قبال مرد دارد و بر حسب عقد ازدواج به آن تعهد می‌دهد. چنان‌که مرد نیز بر حسب این عقد، تعهدات خاص و مسئولیت‌هایی را می‌پذیرد؛ ولی حسن تبعل و خوب شوهرداری معنایی است که قداست و معنویت آن فراتر از یک معاهده

۱. «جهاد زن، خوب شوهرداری اوست». کافی؛ جلد ۱۱، باب ۱۴۸، حدیث ۱۰۱۶۸.

خشک و قرارداد است.

رابطه‌ای است که از آن تعبیر قرآنی «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ هُنَّ»^۱ است. رابطه مودّت و مهر و رحمت مجعول الهی است. این گونه نیست که زن، یک طرف قرارداد باشد و مرد یک طرف، و از هم جدا و بیگانه باشند.

فرهنگ اسلامی ارتباط زن و شوهر

زن در این جهاد، با مرد یک واحد و صاحب مصالح و منافع واحد می‌شود؛ هر مصیبتی که به هر کدام برسد، به دیگری هم می‌رسد، حفظ الغیب آنها از یکدیگر با حضور و حفظ منافع شخصی تفاوت نمی‌یابد. خوشبختانه در بیشتر زن‌های مسلمانان این روحیه وجود دارد، و حقیقتاً جهادی که می‌نمایند حقیقی و نه فقط عدل جهاد اصغر، بلکه جهاد اکبر است. در یک دوره طولانی همسری از هم رنجشی نمی‌یابند، و غبار گله از یکدیگر بر صفحه دل پاکشان نمی‌نشیند. توقعات زن از مرد، هرگز خارج از توان او نمی‌شود، و مرد از این کم و زیادهای امور اقتصادی مورد اعتراض یا تقاضای جدایی واقع نمی‌شود. خلاصه، این تبعل و این شوهرداری و قداست آن را فقط خود این بانوان با معرفت و تربیت اسلامی می‌دانند، و از آن لذت می‌برند.

۱. «آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید)». سوره بقره، آیه

جهاد اکبر بانوی مسلمان

خانه‌داری، زحمات خانه، تحمّل زحمت بارداری، ایام رضاع و بچه‌داری و مدیریت خانه، کار بسیار پر مسئولیتی است که اگر چه بسیاری از این موارد برحسب تکلیف شرعی بر زن نیست، ولی حسن تبعل و شوهرداری که در عین حال، ریشه و اصالت خاصّ دارد، و امید به ثواب و اجر الهی آن، زن را با مرد و مرد را با زن یگانه می‌سازد که با هم به زندگی ادامه می‌دهند، و چه حال خوش و پر معنا و کامیابی مقدّسی است.

این، جهاد است، و ثواب جهاد با کفّار و منزلت آن را دارد، و تعالیم اسلام و هدایت‌های نورانی اهل بیت علیهم‌السلام، و سیره زنان و بانوانی که در صف اول این برنامه قرار دارند، برای همه زن‌ها و خانواده‌ها، آموزش و درس و تعلیم و تربیت است.

حجاب، کرامت بانوان

سؤال. مرجع عالیقدر و پدر خوبم. من فاطمه ۲۱ ساله هستم. شما را بارها در مشهد دیده‌ام و به شما به چشم یک پدر معنوی نگاه می‌کنم. آقا من یک دختر بدحجاب هستم، راستش نمی‌دانم حجاب چیست؟ چرا حجاب بر ما واجب است؟ چرا حجاب ارزش است؟ آیا چادر یک تگه پارچه با ارزش و مقدس است؟ دختر ۹ ساله از چادر چه می‌داند؟ چرا فقط در دین ما چادر و حجاب وجود دارد، یعنی پیامبران دیگر نمی‌دانستند؟

آیا معنای پوشش، نبودن من در جامعه نیست؟ پس چگونه باید برای جامعه مفید باشم؟ چرا ما زنان باید تاوان دل‌های مریض بعضی مردان را بدهیم؟ آیا بهتر نیست حجاب در کشور اختیاری باشد؟ لطفاً مرا نصیحت کنید و به سؤالاتم جواب دهید که من پی‌جوی حقیقتم. منتظر پاسخ شما هستم.

دخترم! انشاء الله تعالی تندرست و سعادت‌مند باشید و اندیشه‌های نیک و درست را در خود پرورش دهید.

نامه شما را خواندم. از بیداری باطن و معنویت پاک و اصالت فطرت شما امیدوار شدم. نوشته‌اید پی جوی حقیقت هستید و نصیحت می‌خواهید.

لزوم تأمل در کتاب آفرینش

حقیقت، ظاهر و آشکار است به هرچه نگاه کنید از ذره تا مجرّه، از زمین تا آسمان و کهکشان‌ها و جنندگان بزرگ و کوچکی که با چشم غیر مسلح به زحمت رؤیت می‌شوند، آب و هوا، باغ و سبزه‌زارها و درخت‌ها، حیوانات برّی و بحری و این انسان، این من و تو و این همه دستگاه‌ها و تأسیساتی که در بدن ما برقرار است و علی‌الدوام بی‌آن‌که ما نقشی داشته باشیم به طور خودکار عمل می‌کنند، این همه گل‌ها، این همه میوه‌ها و این همه ... همه، انسان را نصیحت می‌کنند؛ همه حقیقت و حق را نشان می‌دهند که غافل نباشید، بیدار و هشیار باشید، از این کتاب آفرینش که میلیون‌ها و میلیون‌ها و میلیارد‌ها و بیش از حساب و شمار درس بصیرت و بیش دارد بخوانید و پند بگیرید. بدانید که شما در برابر این معانی ژرف و این وجود پر از حکمت نباید آرام بنشینید. باید پرده‌های جهالت را هر چه می‌توانید پاره کنید و به سوی روشنایی بیشتر گام بردارید.

پرهیز از نگاه احساسی در مسأله حجاب

مسأله حجاب و مسائل جنسی و جنسیتی را تحت احساسات جوانی دختر یا پسر نمی‌شود بررسی کرد و نگاه غیر احساساتی باید به آن داشت. این برنامه و روابط مرد و زن و حجاب، همه باید با دید عقل و مصلحت

بررسی شود. مفسد و مصالح بسیار در اینجا ملاحظه می‌شود. کرامت و شخصیت زن بیشترین مصلحتی است که باید حفظ شود.

فوائد حجاب در جامعه

حجاب و پوشش و چادر و جدایی‌هایی که بین دو جنس به حکم عقل و شرع مقدس اسلام رعایت می‌شود همه، جامعه را از فساد و خانواده را از ویرانی نجات می‌دهد. حجاب برای زن، حصاری حصین و قلعه‌ای محکم است.

توزیع مناسب کار بین زن و مرد در اسلام

در جامعه، کاری که بر حسب وضع طبیعی بین زن و مرد توزیع شده است هر دو کار است، هر دو شریف است، هر دو باید رعایت شود تا جامعه بر نظام درست برقرار باشد.

خانه‌داری زن از اشرف کارها است. زن خانه‌دار بی‌کار نیست. مرد هم که مشاغل بسا سخت بیرون را عهده‌دار است جهاد فی سبیل الله است. کارهای پر زحمت و سخت به عهده مرد است.

بعض افراد بی‌اطلاع، نگاه ظاهری به غرب و اروپا و آمریکا می‌کنند و یک زن را می‌بینند که مثلاً وزیر یا وکیل شده است، اما هزاران زن را که در نهایت محرومیت‌های اقتصادی گوناگون هستند نمی‌بینند.

امروز در غرب، کار فساد بی‌حجابی و اختلاط زن و مرد به جایی رسیده است که از جلوگیری مفسد آن عاجز شده و به مفسد بسیار مخرب آن تن در داده‌اند.

در غرب، طبق اخباری که خبرگزاری‌ها منتشر می‌کنند زن‌ها در هر نهاد و مخصوصاً نهادهای ارتشی مورد اذیت و آزار مردهای مافوق هستند. زندگی راحت و آرام و انسانی ندارند. موالید تا حدّ چهل و هشت درصد در شناسنامه بی‌پدر معرفی می‌شوند.

تعالیم ارزشمند اسلام

ما باید به تعالیم اسلام افتخار کنیم. سالم‌ترین مجتمعات و جوامع، مجتمعات اسلامی است. تفکیک جنسیتی برای سلامت جامعه شرط اساسی است. چادر و رعایت محرم و نامحرمی و اختصاص یافتن بعضی مشاغل به زن و بعضی مشاغل به مرد بر اساس همین تفکیک لازم جنسیتی و ترتیبات و ضوابط آن است.

حجاب در همه ادیان

در احکام شرع، جنبه‌های جسمانی و روحی مرد و زن ملاحظه شده است و بر اساس صرف برتری دادن یک جنس بر جنس دیگر دستور و برنامه‌ای نیست. پیامبران همه به حجاب دستور داده‌اند و اختصاص به اسلام ندارد و حکم ملازم زن و مرد است.

همین روزها به یکی از وزراء در ایتالیا پیشنهاد کرده بودند که زنان مسلمان را از روبند ممنوع سازد، جواب داده بود که از کار و برنامه‌ای که حضرت مریم داشت کسی را منع نمی‌کنم! یعنی حضرت مریم سلام‌الله علیها هم حجاب کامل داشته‌اند.

دخترم راجع به حجاب، راجع به توانایی‌های زن و مرد و نقش این دو

جنس در ساختن یک جامعه عقل‌پسند با کرامت، کتاب‌های بسیار شیعه و سنی و مسلمان و کافر نوشته‌اند.

من به شما توصیه می‌کنم به تمام وجود اگر سعادت حقیقی خود را می‌خواهید، حجاب و تعلیمات عالیه اسلام را در همه برنامه‌ها رعایت کنید. خداوند متعال شما را حفظ و به همه آرزوها و آمال مشروع و عقل‌پسند برساند.

چراهایی در احکام زنان

سؤال. بالاخره عمری از ما گذشت و نفهمیدیم چرا دیه زن نصف مرد است؟ عمری از ما گذشت و نفهمیدیم چرا شهادت زن نصف مرد است؟ عمری از ما گذشت و نفهمیدیم چرا زن از شوهرش که با او عمری زندگی کرده و جوانی‌اش را به پای او ریخته کمتر از بچه‌هیش است؟ عمری از ما گذشت و نفهمیدیم اگر عدالت و برابری هست، پس چرا دیه اهل کتاب نصف دیه مسلمان است؟ عمری از ما گذشت و خیلی چیزها را نفهمیدیم. امیدوارم شما جواب این چراها رو بدهید؟

مجهولات بی‌نهایت انسان

ای کاش در این عمری که بر ما گذشت همین چند چیز را نفهمیده بودیم! ای کاش نفهمیده‌ها و مجهول‌مانده‌ها معدود بود و شماره داشت و می‌توانستیم یک میلیون و هزار میلیون و هزارها میلیارد را بشماریم و بگوییم عمری از ما گذشت و برای هزار میلیارد و هزارها میلیارد سؤال، جواب نیافتیم؛ یعنی همه را شناختیم و این مقدار ناشناخته ماند.

می‌دانید که اگر می‌توانستیم ناشناخته‌ها و مجهولاتمان را در یک شماره - هر چه قدر بزرگ باشد و مثلاً عدد یک که در مقابل آن صد هزار صفر گذاشته باشیم - تحت حساب و رقم در می‌آوردیم، در علم و دانش در چه مرتبه‌ای بودیم؟

یقیناً در هر مرتبه‌ای بودیم، ارسطوها و فارابی‌ها و ابن‌سیناها و صدها از این اشخاص، در برابر دانائی‌های ما سر تعظیم فرود می‌آوردند. اصلاً شما می‌توانید از میان تمام حکیمان و دانشمندان و ریاضیدانان، کسی را معرفی کنید که بتواند مجهولات خود را به شمار آورد؟ آنچه شمردنی است و در شمار می‌آید معلومات و دانسته‌ها است؛ بنابراین چرا فقط از غصّه نامعلوم‌ماندن این چند چیز رنج می‌برید؟!

عالم ناشناخته

عالم تشریح و تکوین در هر بخش بسیار کوچکش از این چراها بسیار و بی‌شمار دارد.

هر جزئی از عالم تکوین و هر فردی از انسان، خود عالمی است که با آن‌که به کلی ناشناخته نیست و ناشناخته نمانده است اما باز هم ناشناخته است، و چراها در برابر آن هم‌چنان اسباب تحیر ارباب عقول کبیره است و می‌پرسند و کاوشگری می‌نمایند و می‌فهمند که در هر موضوع هم هر چه را بفهمند و کشف کنند، همه اسرار آن نیست و در عین حال پرسش را ادامه می‌دهند و چراهایی که حاکی از غرور جاهلانه است بر زبان نمی‌آورند و می‌دانند که هر چه در عالم تشریح و تکوین به صورت

برنامه‌ای که هست باید به همان صورت باشد، اگر غیر از این باشد غلط است. انگشت خنصر باید از سیابه وسطی کوچکتر باشد؛ اگر مساوی آنها باشد غلط می‌شود. درخت توت با همه بزرگی‌اش میوه‌اش باید کوچک باشد و بوته هندوانه با همه ضعف و سستی و کوچکی‌اش، میوه‌اش چند کیلو می‌شود.

در عالم تشریح قوانین و تعالیم اخلاقی و قضایی و اجتماعی و نظامی و غیره همان باید که هست؛ دیه زن باید نصف مرد باشد و اهل ذمه همان دیه‌ای را که مقرر شده است باید داشته باشند و دختر باید نصف پسر ارث ببرد و زن باید گاه چهار یک و گاه هشت یک ارث ببرد؛ اگر بیشتر یا کمتر باشد غلط است.

شخصی که چرا می‌گوید اگر همه را فهمیده باشد، نمی‌تواند چرا بگوید تا چه رسد به این که هیچ کجا را نفهمیده باشد. مع‌ذلک به این پرسش‌ها هم جواب‌هایی داده‌اند اگر چه نمی‌توان آنها را پاسخ اصلی و تمام حکمت و فلسفه حکم گفت.

جواب از این سؤالات در حدی که برای ما ممکن است نیاز به دین‌شناسی و اسلام‌شناسی و شناخت مقاصد اسلامی در ارتباط با روح و جسم و تمام شئون این انسان دارد. اجمالاً در این احکام، مصالح دنیوی و اخروی انسان منظور است و فرهنگ جامع و کامل اسلام در حیات فردی و اجتماعی و سیاسی و روحی و جسمی و مادی و معنوی را باید در نظر گرفت تا بتوان در این مقوله‌ها اظهار نظر نمود.

ارزش زن در حفظ حجاب

سؤال. دختر جوانی دارم که حجاب خود را رعایت نمی‌کند؛ موهای خود را از چادر بیرون می‌گذارد و آرایش کرده در اجتماع حاضر می‌شود. خواهشمند است به ایشان توصیه‌ای فرمایید امید است که ان شاء الله نصیحت شما در وی اثر کند.

برترین الکوی دختر مسلمان

بسیار مایه تأسف است که یک دختر مسلمان به جای این‌که حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها - آن بزرگواری که هنگام حضور مرد نابینا در خدمت پیامبر، بلند شد تا پشت پرده برود و فرمود: اگر او نابینا است، من بینا هستم، و اگر مرا نبیند بوی بدن مرا می‌فهمد^۱ - را برای خود الگو قرار دهد، و به جای پیروی از این بانوی معصومه بزرگوار، زن‌ها و دختران

۱. در روایت آمده است: «اسْتَأْذَنَ أَعْمَى عَلَى فَاطِمَةَ؛ فَحَجَبَتْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَهَا لِمَ حَجَبْتِي وَ هُوَ لَا يَرَاكِ. فَقَالَتْ إِنَّ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ وَ هُوَ يَشْمُ الرِّيحَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي.» بحار

بی‌بند و بار و بی‌مبالات را الگو قرار دهد، و موهای خود را از نامحرمان نپوشاند.

حجاب و عفت، ملاک ارزش زن

دخترم!

زن، متاع نفیسی است. باید هویت خود را حفظ کند، و خود را در معرض دید اجنبی قرار ندهد، و هرچه پوشیده‌تر و با حجاب‌تر باشد، ارزش او در جامعه بیشتر است، و این روش کفّار است که فرقی بین زن و مرد نمی‌گذارند.

به هر حال، این عمل موجب پشیمانی خواهد شد و این زنان و دختران بی‌مبالات، ملعبه و بازیچه مردان هوسران قرار می‌گیرند، و هم در دنیا ضرر می‌بینند و هم در آخرت.

واقعاً حیف است که یک دختر نجیب و خانواده‌دار و اصیل به رنگ آنها در آید.

ابیاتی تقدیم به دختران سعادت‌خواه

در پایان، اشعاری را که خطاب به دختر گفته‌ام، به شما هدیه می‌نمایم:

دخترم دختر نیکو سیرم	قوت قلبم و نور بصرم
دختر ای جان پدر، سرو روان	هم‌عنان باد تو را بخت جوان
ای گل گلشن اقبال و صفا	ای همه عاطفه و مهر و وفا
در ادب کوش و فضیلت‌جو باش	راستی پیشه کن و خوش‌خو باش

لطف حقّ باد تو را روز افزون
 ای همه حُسن و جمال و فر و هوش
 راه شیطان لعین هیچ مپو
 جلوه در کوچه و بازار مکن
 تا توانی ز خَسان، پنهان باش
 زیور زن نه برلیان و طلاست
 شوهر خویش گرامی می‌دار
 بانوان راست به حق، اجر جهاد
 خدمت مام به نیکویی کن
 مام را حرمت بسیار بود
 حقّ مادر نتوان کرد ادا
 مادران راست بس این قدر و مقام
 پیش از اسلام زنان خوار بُدند
 زندگی‌شان نه چو یک انسان بود
 همه در قید اسارت بودند
 بهر شوهر نه چو همسر بودند
 دختران را پدران بی‌باک
 پور خطّاب در آن دوره دور
 نور اسلام چو شد عالم‌تاب

پا منه از ره عفت بیرون
 روی چون ماه ز اغیار پوش
 نزد بیگانه سخن، نرم مگو
 فتنه‌سان، خلق، گرفتار مکن
 ادب‌آموز به فرزندان باش
 زیورش عفت و آزر و حیاست
 خاطرش خواه و عزیزش بشمار
 گر نمایند دل شوهر شاد
 زو پذیرایی و دلجویی کن
 قلبش از عاطفه سرشار بود
 که بُود شعبه‌ای از حقّ خدا
 که بهشت است به زیر اقدام
 سخت، محروم و گرفتار بُدند
 که کم از زندگی حیوان بود
 مانده در تیه جهالت بودند
 بلکه چون کلفت و کمتر بودند
 می‌نمودند نهان در دل خاک
 کرد شش دختر خود زنده به گور
 کرد بیدار، زنان را از خواب

با حقوقی که بر آن نیست مزید
 حرمت و حشمت و اعزاز تمام
 مقتدای همگان هادی کلّ
 مژده‌ها دادش و پیغام آورد
 کرد اعلام که زن انسان است
 گشت در معرفت و بینش فرد
 گوی سبقت بر بایی ز اقران
 در عبادت منما هیچ قصور
 روحش از خیر و دعا شاد نما
 که فلاح است و نجات از احوال

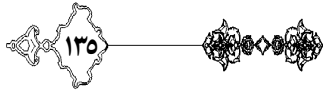
صبح کردند در آفاق جدید
 یافت زن از برکات اسلام
 احمد آن شمع سبل ختم رسل
 بهر زن، عزّت و اکرام آورد
 کرد اعلام که زن انسان است
 ای بسا زن که ز ملیون‌ها مرد
 دارم امّید ز حیّ سبحان
 خواهی ار فوز به جنّات و قصور
 پدرت را ز وفایاد نما
 چنگ بر حبّ پیمبر زن و آل

ضرورت‌های یک حضور

سؤال. حدّ پوشش برای یک زن مسلمان جهت حضور در اجتماع و مقابل نامحرم چگونه است؟

ناسازگاری فرهنگ فعلی با فرهنگ قرآنی عفاف

به نظر اینجانب، بنا بر احتیاط واجب، پوشاندن وجه و کفین، مخصوصاً اگر در معرض دید «من فی قلبه مرض» باشد، لازم است. تذکر می‌دهم وضعی که فعلاً متعارف شده- که به هیچ وجه، بانوان بر مرجوحیت و ناخوشایند بودن کشف وجه توجّه ندارند، و با مردان بیگانه به طور مستمرّ، مثل مرد با مرد، یا زن با زن معاشرت و همکاری دارند، و آن را عادت و رسم قرار داده‌اند، و در معابر و خیابان‌ها و مجالس ظاهر می‌شوند- با مجموع تعالیم اسلامی و جهاتی که شارع مقدّس در آن، حفظ کرامت والای زن را در نظر گرفته منطبق نمی‌شود، و با این جمله بزرگ و پر معنی قرآنی که حدّ رابطه زن و مرد بیگانه با هم اگر چه به صورت ارشاد و سفارش و توصیه آن را فرض کنیم، سازگار نیست: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ



لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ^۱ هر نوع و هر وضعی که با آن دل‌های مردان و زنان پاکتر بماند، آن مطلوب است.

فرهنگ غرب، دون شأن بانوان

البته فرهنگ‌های غربی - که حتی روابط نامشروع زن و مرد را عیب نمی‌گیرند یا مهم نمی‌شمارند و شنایع دیگر را مجاز و قانونی کرده‌اند - بسیاری از سنن و اخلاقیات زن مسلمان را در حفظ عفت و شرف خود، خلاف آزادی او می‌دانند، اما زن مسلمان و تعلیمات اسلامی، آن فرهنگ را محکوم و مبتذل و دون شأن زن و انسان می‌دانند. شخصیت زن مسلمان را نمی‌توان با این نگرش‌های حیوانی زیر سؤال برد.

امید است خواهران با فضیلت، بر جوانب متعدد حیات زن و سیاست‌هایی که همیشه و خصوصاً تقریباً از یکصد سال پیش تا این زمان، برای تغییر هویت اسلامی بانوان و در نتیجه تغییر هویت اسلامی کل جامعه وجود داشته، احاطه و آگاهی یابند، و بتوانند تعهد خود را با سنن اسلامی، بیش از پیش استحکام بخشند، و خود را در برابر تبلیغات سوء، مصونیت داده و بیمه نمایند.

۱. «این کار برای پاک‌ی دل‌های شما و آنها بهتر است». سوره احزاب، آیه ۵۳.

از دواج. قرارداد متحد شدن

سؤال. من دانشجوی رشته کاردانی حسابداری هستم. به رشته طراحی علاقه وافر دارم. جدیداً به عقد آقای درآمده‌ام. سؤال من این است آیا ایشان حق دارد بر تمام امور من، نظارت و کنترل داشته باشد، یا فقط در مواردی خاص؟

موقعیتی در دانشکده پیش آمده که من می‌توانم طراحی را ادامه دهم. ایشان این کلاس را برای من ممنوع کرده‌اند. آیا من می‌توانم باز هم به دنبال این رشته بروم یا نه؟ از این موارد زیاد پیش می‌آید. می‌خواستم بدانم با وجود اینکه هنوز در خانه پدرم هستم، مسئولیت من به گردن پدرم است یا همسرم؟ در ضمن، آیا گذشته من ربطی به او دارد و باید هر چه بوده را به او بگویم؟ ما هر دو می‌خواهیم بر اساس قوانین شرعی و اسلامی پیش برویم و زندگیمان را حلال گردانیم. در ضمن ایشان جوانی پاک و سالم از هر نظر هستند و من ایشان را هدیه‌ای از جانب خدا می‌دانم.

مرقوم شما رسید، جواباً اشعار می‌دارد:

همدل بودن زن و شوهر از آیات الهی

یکی از آیات بزرگ الهی و شگفتی‌ها و ظرافت‌هایی که در عالم آفرینش، به‌خصوص انسان، تماشایی و عبرت‌انگیز و بینش‌آفرین است، زوجیت و همسر و همدم و انیس و مونس بودن زن و مرد با یکدیگر است، که واقعاً الآن که این نوشته را می‌نویسم، واژه‌ای که تعبیر از این زوجیت و با هم شدن و باهم بودن و یکی شدن این دو جنس را بنماید، ندارم.

قرآن مجید می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۱ بانوان برای شوهران لباس و شوهران برای ایشان لباس می‌باشند، و در آیه دیگر پیرامون این رابطه می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۲ یعنی همدم، مونس، غمخوار متحد مشترک المنافع و موافق، همدل، نه معارض و نه جدا از هم و نه مستقل از هم، بلکه متحد، اتحادی که بین هیچ دو نفری برقرار نمی‌شود. حقیقت زوجیت این معانی مقدس و آرام‌بخش است. این است که از دو جنس مخالف یک واحد به تمام معنا موافق، ساخته می‌شود و اسلام به این جهت

۱. «آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید)». سوره بقره، آیه ۱۸۷.

۲. «و از نشانه‌های خداوند این است که از خودتان همسرانی برایتان آفرید تا مایه آرامش شما شوند و

بین شما دوستی و مهربانی قرار داد». سوره روم، آیه ۲۱.

ازدواج و تقویت و تکمیل، بسیار اهمیت داده است، و در اکثریت زنان و شوهران مسلمان، این روحیه و این تجلی و یگانگی و اتحاد را، اگر چه بالطبع فراهم است، فراهم تر می سازد، و اهتمام بر این است که بنیاد قویم و مستحکم، از آسیب و تعرض مصون بماند و زن و مرد در دل به آن وفادار باشند.

نمونه خانواده اسلامی

حقیر در همین زندگی خود، زنان و مردانی را دیده‌ام که در این جهت باهم شدن و از هم بودن، نمونه بودند و چنان بودند که گویی هر یک از راز دل دیگری خبر داشت و همان را انجام می داد و همان را می گفت که دیگری می گفت؛ شخصیتشان درهم ذوب شده بود، اگر او در بیرون خانه بود و دیگری در درون خانه، هر دو با هم بودند و در رنج و غم و شادی و گشایش، شریک یکدیگر بودند. نه این خود را از او طلبکار می دانست و نه او به این ادعایی داشت.

این مردسالاری تحمیلی، که در زمان ما مبارزه با آن را مطرح می نمایند، و از آن برای جداکردن زن از شوهر، و آنها را دو واحد، در مقابل هم قرار دادن استفاده می کنند، اصلاً وجود نداشت؛ و اخلاق اسلامی در محیط خانه و بر روابط با هم حاکم بوده است.

غرض از این بیانات این است که شما بر حسب آنچه نوشته‌اید، همسر از هر جهت پاک و سالم دارید، که او را هدیه‌ای از طرف خدا می شمارید، مسأله غیرقابل حل، بین خودتان نخواهید داشت؛ این صفا و وفا و

خوش‌بینی که به هم دارید، همه امور را بر وفق دلخواه قرار می‌دهد، شما خاطرخواه او و او هم خاطرخواه شما خواهد بود.

قانون، حافظ نظام خانواده

البته در نظامات شرعی، برای اینکه اگر در بین زن‌ها و شوهرها، افرادی پیدا شدند که به واسطه بعضی جهات و عذرهای صحیح یا بهانه‌های غلط به این اتحاد و یگانگی نرسیدند، قانون بر آنها حاکم شود و آنها را منظم سازد، برای هر یک از زن و شوهر نسبت به هم حقوقی مقرر شده است که بر حسب آن، نظام خانواده و زوجیت باز هم محفوظ بماند و در سایه این حقوق و قانون با هم همزیستی داشته باشند؛ بر حسب این حقوق، هیچ زن و مردی موظف نیستند که از گذشته‌های خوب و بد و سوابق زندگی خود یکدیگر را مطلع سازند، باید هرچه می‌گویند و عمل می‌کنند، همه موجب قوت اتحاد و خوش‌بینی آنها به یکدیگر باشد.

حقوق متقابل زن و شوهر

مسأله اینکه تا در خانه پدر هستید باید چگونه باشید، این جزئیات را با توافق با هم و ملاحظه خیر و صلاح یکدیگر، در حالی که یک واحد هستید، حلّ نمایید؛ نه او جمود بر حقّی که دارد داشته باشد و نه شما در موضوعی که در بین است، اصرار کنید.

مرد باید دستور «الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ وَ الْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ

بِشَهْوَتِهِ^۱ را در رابطه با زن رعایت کند. زن هم باید خود را موظف بداند که یا اخلاقاً و یا حقاً و شرعاً، رضایت شوهر را فراهم نماید. امید است با این توضیحات، این روابط گرمی که بین شما و همسرتان بحمدالله برقرار است، بیش از پیش گرمتر شود، و زندگی سعادت‌مندانه و خوبتر و خوبتر را در پیش روی داشته باشید؛ «أَلَّفَ اللَّهُ بَيْنَكُمْ وَ طَيَّبَ اللَّهُ نَسْلَكُمْ»

۱. «مؤمن طعامی را می خورد که خانواده‌اش می خواهند و منافق خانواده‌اش را مجبور به خوردن غذای

دلخواه خود می کند». کافی، جلد ۴، بَابُ كَفَايَةِ الْعِيَالِ وَ التَّوَسُّعِ عَلَيْهِمْ، حدیث ۶.

پوشش در مقابل زنان اهل کتاب

سؤال. نحوه حجاب زن مسلمان در مقابل زن کافر یا زن اهل کتاب چگونه باشد؟

لزوم پوشش مواضع زینت

باید حجاب، طوری باشد که مواضع زینت زن مسلمان پوشیده باشد. در کتاب شریف کافی، جناب کلینی قدس سره به سند خود از حضرت امام صادق علیه السلام روایت فرموده است که فرمودند: «لَا يُبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُنْكَشِفَ بَيْنَ يَدَيِ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ فَإِنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ»^۱

این حدیث را شیخ عظیم القدر صدوق قدس سره نیز در کتاب من لایحضره الفقیه و خصال و فیض از وافى و شیخ عاملی در وسائل روایت کرده‌اند.^۱

۱. «برای زن مسلمان، سزاوار نیست که در برابر زن یهودی و نصرانی کشف (وجه) نماید، زیرا آنها برای شوهرانشان، آنها را توصیف می‌کنند». کافی؛ جلد ۱۱، صفحه ۱۹۱، باب ۱۵۸- خصال؛ صفحه ۵۸۷، ابواب السبعین و مافوقه- وافى؛ جلد ۲۲، صفحه ۸۱۶، حدیث ۲۲۲۵۷- وسائل الشیعه؛ جلد ۲۰، صفحه ۱۸۴، حدیث ۲۵۳۷۹.

پیام‌های حدیث، بسیار مهم و با معنی، و برای زمان ما و بانوان مؤمنه هشدار و بیدارباش، و برای مسئولان درس است و حجّت. ترجمه حدیث شریف این است که از برای زن مسلمان، سزاوار نیست که در برابر زن یهودی و نصرانی کشف (وجه) نماید، زیرا آنها برای شوهرانشان، آنها را توصیف می‌کنند.

لازم به تذکر است که بعضی بزرگان، احتمال حرمت این انکشاف را به ملاحظه آیه ۳۱ سوره نور عنوان کرده‌اند.

اسلام و ورزش بانوان

سؤال. آیا اسلام برای ورزش بانوان، مخصوصاً ورزش‌هایی، نظیر دوچرخه‌سواری و فوتبال و ... محدودیت و ممانعتی قائل شده است؟ مگر اسلام خودش مسلمانان را توصیه به ورزش نکرده است؟

هدف اسلام از ورزش

این‌گونه امور در اسلام، نه مطلقاً مجاز و بی‌ضابطه و بی‌برنامه و دستور است و نه مطلقاً ممنوع و محذور است. بعضی از برنامه‌های ورزشی که حتی مردان انجام می‌دهند غیر مشروع و حرام است، و سائر برنامه‌ها نیز باید برای همان ورزش و تندرستی و فوائد جسمانی و معقول آن، و شادابی جسم و نشاط روح و رفع خستگی انجام شود و از مظاهر و روش‌هایی که موجب تحریک غرائز حیوانی و بدآموزی‌های مختلف و ترویج بی‌شرمی و بی‌حیائی می‌شود اجتناب شود.

خلاصه، حدود و تعلیمات اخلاقی و اساسی شرعی و عقلی را رعایت

نمایند و این شرایط در مسابقات و در پخش و ارائه آنها، همه باید رعایت شود.

خطر بیماری ورزش گرائی

بسیار کار ظریف و دقیقی است و دست‌اندرکاران آن باید افراد مجرب، آزموده و متعهد و وارد به مسائل روانی باشند و چنان نکنند که با این وسائل کنونی همه جوانان و نوجوانان را سرگرم چیزی به اسم ورزش نمایند و آنها را از کار و تلاش و تحصیل باز بدارند و همه تعریف‌ها و تمجیدها را نثار ورزشکاران بنمایند که کشور در مسیر ورزش قرار بگیرد و در مسائل دیگر گرفتار افت و تنزل و انحطاط گردد که مسلماً اگر مسائل ورزش هم خارج از اعتدال مطرح باشد برای مملکت مضر است. ورزش باید باشد، اما مسائل دیگر، مانند علم و صنعت و بالاتر اخلاق و ایمان، نباید ضعیف شود. اگر ورزش لازم و نافع است، و تربیت بدن مهم است، بیماری ورزش گرائی و بیماری مسابقات ورزشی، خطرناکتر است.

حدود ورزش بانوان

اما ورزش بانوان، اگر در خانه یا مدرسه و در شرایط مصون از فتنه و نگاه نامحرم صرفاً برای ورزش و منافع بدنی آن باشد جایز است، و تعلیم و تعلم آن هم در مدت کوتاهی فراهم می‌شود، اما برگزاری مسابقات ورزشی بانوان و ورزش‌هایی که صرفاً جنبه نمایشی و سنت‌شکنی دارد، غیر از ابتدال برای زنان نتیجه‌ای ندارد، و این سبکی را که بعضی به تقلید از اجانب و کفار و هم‌آهنگی با آنها و حتی شرکت در مسابقات با آنها ترویج

می‌نمایند همه فتنه‌زا و فسادانگیز است، و مظهر جالب غرب‌زدگی همین تبلیغات و ترویجات و تشویقاتی است که از زنان به اصطلاح ورزشکار می‌شود که از آنها هم قهرمان بسازند.

در زیر این ترویج‌ها، مطالب دیگر و مطالب فساد انگیز دارند، و شخصیت اسلامی زن و التزام و پایبندی او به چادر و عفت و حجاب و پارسائی و پاکدامنی و ترک اختلاط با مردان اجنبی را هدف قرار داده‌اند. بسیاری از این مسابقات برای مردها نیز امتیاز و ارزش نیست و بازیگری صرف است.

لزوم هوشیاری در برابر نقشه‌های شیاطین

به هر حال باید زن و مرد مسلمان به‌هوش باشند که در دام‌ها و شبکاتی که با نام‌های جالب و فریبنده در راهشان می‌اندازند گرفتار نشوند. بعضی از اینها که از ورزش ترویج می‌کنند همانند این‌که از موسیقی و نوازندگی و رقص و اختلاط زن و مرد و دوچرخه‌سواری بانوان و پوشیدن لباس‌های تنگ و ترک التزام به پوشش چادر ترویج می‌کنند، هدف آنها مطلب دیگر و وارد کردن بانوان در مفسد دیگر است.

ای بسا ابلیس آدم‌رو که هست پس به‌هر دستی نباید داد دست

ای بسا غول بیابانی که راه عرضه می‌دارد ولیکن سوی چاه

اگر بانوان با ایمان و مردان مؤمن، هوشیار و بیدار نباشند و خدای‌نخواسته به این صداها ناهنجار جواب مثبت بدهند، صبح می‌کنیم در حالی که همه عزت‌های اسلامی و استقلال اسلامی و هویت اسلامی خود

را از دست داده و از سعادت دنیا و عقبی، محروم شده باشیم که البته با غیرت و استقامت و آگاهی و بصیرتی که الحمدلله زن و مرد مسلمان ما از خود نشان داده‌اند، به حول و قوه الهی، شاهد چنین روزهای ذلت‌باری نخواهیم بود.

پوشش بر مبنای حیا

سؤال. پوشش زنان و مردان در خانواده‌ها و محیط‌های کاری و جامعه چگونه باید باشد؟

حیا و وقار، ملاک پوشش اسلامی

به طور کلی، لباس و پوشش اسلامی؛ چه در رفت و آمدهای بیرون از منزل، و چه داخل منزل در بین محارم و بین هم‌جنس، و چه در دانشگاه و چه در مراسم رسمی، در سفر و حضر برای مرد و زن و پیر و جوان در حضور غیر همسر، باید بر اساس وقار و حیا و مراعات حیا باشد که در جوامع اسلامی نظر به سفارش‌های بسیار و تشویقات اُکیدیه که در موضوع حیا شده است، مسلمان‌ها همه بر حسب تربیت اسلامی و محیط اسلامی، مصادیق آن را می‌شناختند، و به حفظ آن اهمیت می‌دادند.

باید در لباس نیز، استقلال و شخصیت اسلامی ظاهر باشد، و تقلید از بیگانگان حتی در بعض مراسم و اعطاء امتیازات و جوایز نباشد. هویت اسلامی در هر مورد و برنامه باید ظاهر گردد، مانند کنار گذاشتن کراوات در

اثر انقلاب- اگر چه به ظاهر چیز مهمی نیست- ولی دارای معنایی با اهمیّت و اعلام موجودیّت و هویت است.

در اهمیّت حیا- که البته رشته‌های مختلف دارد و فقط در لباس منحصر نمی‌شود- همین که فرموده‌اند: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ»^۱ کافی است.

تضاد فرهنگ فعلی پوشش با حیا

بنابراین، پوشش‌های فعلی که روز به روز در جامعه مسلمانان در اثر تقلید از بیگانگان، رایج و هویت اسلامی ما را خدشه‌دار می‌نماید، و پوشش‌هایی که وضع اندام را در معرض دید دیگران قرار می‌دهد، لباس حیا نیست، و مسلمان با حیا، از پوشیدن آن شرم می‌کند.

تا پیش از این نهضت غرب‌گرایی- که در اثر استضعاف مسلمانان و تضعیف استقلال اسلامی به وسیله عمال اجانب، مثل رضاخان و مصطفی کمال به بهانه اتّحاد الشکل به اجبار و زور تحمیل شد- لباس همه، لباس حیا بود.

امروز هم، هر چه لباس با شرم و حیا بیشتر رعایت شود، لباس اسلامی‌تر است. البته غرض ما اعلام حرمت این لباس‌ها که متداول شده نیست، چون به هر حال آن را ساتر عورت و پوشش بشره می‌دانند، ولی با حیای اسلامی هم‌سو نیست، و بعضی صور آن تا حدّ حرام هم می‌رسد. این مقداری که عرض شد، شرط پوشش و لباس مسلمان با حیا است.

۱. «کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد». کافی؛ جلد ۲، باب الحیاء، حدیث ۵.

رسوایی مفاسد اختلاط با نامحرم در غرب

حجاب کامل برای زن مسلمان همین است که غربی‌ها در کشورهای خود با آن معارضه دارند، و می‌خواهند آن را براندازند، چنان‌که در فرانسه، همان فرانسه‌ای که این روزها ممنوعیت پوشیدن صورت را به اصطلاح قانونی کرده‌اند، و از طرف دیگر رسوایی تعرض نمایندگان مرد پارلمان فرانسه به زنان نماینده، مضار اختلاط زن و مرد و مصون‌نبودن این مجالس را نشان می‌دهد. حاصل این‌که مطابق تربیت دینی در محیط اسلامی، پوشش عام زن و مرد بر اساس حیای شخص می‌باشد.

حجاب. مایه حشمت زن

سؤال. چرا باید زنان با چادر و یا پوشیه در اجتماع ظاهر شوند؟
آیا تنها مانتو و شلوار کفایت نمی‌کند؟

حفظ حشمت بانوان، حکمت اصلی حجاب

در این سؤال، اگر منظور پرسش از فلسفه حکم خدا و حکمت و فلسفه ظاهر شدن زن با پوشش‌های مهیج و محرک، مثل مانتو و شلوار در انظار بیگانگان و در خیابان‌ها و معابر و مجالس عمومی باشد، گمان نمی‌رود بر کسی حکمت این دستورات اسلام - که حافظ حشمت و شئون زن و مانع از مفسد اخلاقی و اجتماعی بسیار است - معلوم نباشد، و حضور با بعضی پوشش‌های تنگ و اندام‌نما در انظار اجانب غیر از علاقه به ارائه مفاتن بدن و خودنمایی و جلب توجه بیگانه، تعبیر و معنایی داشته باشد.

جایگاه زن در جوامع غیر اسلامی

این مسائل را با دید عقلانی و حکیمانه باید تحت مطالعه قرار داد، و با دیدی که گرفتار طوفان غریزه جنسی و میل به خودنمایی و دلربایی دارد، و از مفاسد بسیار آن غافل است، نمی‌توان بررسی نمود.

در جامعه و مناطق غیر اسلامی، تا حدودی زشتی و قباحت این جلوه‌های حیوانی از میان رفته، و به اسم آزادی، به زنان اجازه هر کار خلاف عفتی می‌دهند، و از او به صورت ابزاری برای جلب توجه مردان بوالهوس و شهوتران، جهت مقاصد سیاسی و تجاری و غیره استفاده می‌شود.

آنان مفاسدی را که بر این آزادی‌ها و روش‌های ضد اخلاقی مترتب می‌شود، تا هر کجا باشد و به هر کجا منتهی بشود، عیب و عار و خلاف شرف و حیثیت زن و جامعه نمی‌دانند.

گاهی روزنامه و جراید و خبرگزاری‌ها، اعمال و رفتاری از اینها خبر می‌دهند که از هیچ حیوان وحشی صادر نمی‌شود که نمونه‌های بسیار رسوایی از آن را در زندگی به اصطلاح بانوهای اول مثل آمریکا باید خواند.

غرب‌زدگی، مانع عفت اسلامی

متأسفانه غرب‌زدگی، بعضی از مسلمان‌ها و زن‌های مسلمان را کم و بیش به سوی آن زندگی منحط و غیر انسانی گرایش داده، و به حریم‌ها و حرمت‌ها اهانت می‌گردد. بازی‌ها و اختلاط‌های ناهنجار و حتی مسابقه‌های غیر سالم، همه و همه برای ریشه‌کن کردن بنیاد عفت اسلامی و اساس عائله

مسلمان، خطراتش از موادّ مخدّر و هروئین و تریاک - که با آن مبارزه می‌شود - کمتر نیست.

راجع به این موضوعات، کتاب‌ها نوشته شده، و علماء و صاحب‌نظران مسلمان و غیر مسلمان، همه به زن و مرد هشدار داده‌اند.

و اگر غرض، سؤال از دلیل شرعی بر منع از این حضور زن در مجامع باشد، مگر سؤال‌کننده در غیر مجامع و کشورهای اسلامی تربیت شده و بزرگ شده باشد؛ گر چه این برنامه‌های اسلام و مسلمان‌بودن زن و زن مسلمان‌بودن را بسیاری از بیگانگان هم که مختصری در احکام اسلام مطالعه دارند می‌دانند.

وجوه تمایز زن مسلمان با کفار

از آیات قرآن مجید و احادیث شریفه، سیره زن‌های متعهّد و مسلمان از آغاز ظهور اسلام تا زمان ما از شیعه و سنی همه استفاده می‌شود که حفظ حجاب و پوشش مناسب چادر و عبا و حتّی پوشیدن رو و صورت از مهم‌ترین وجوه تمایز زن مسلمان با کفار بوده است، و همیشه خانم‌ها بدان معتقد بوده‌اند، و برنامه‌هایی که اسلام، در نواحی مختلف حیات زن مقرر فرموده، همه حافظ شرافت زن و شئون اجتماع است.

مبارزه با حجاب، هدف استعمارگران

برانداختن این برنامه‌ها همواره مخصوصاً در این قرن اخیر از مهم‌ترین مقاصد سیاسی استعمارگران شرق و غرب بوده و هست، و همواره پیدا و ناپیدا و آشکار و پنهان، ایادی و مزدوران آنها؛ از نویسندگان و شعراء خود

فروخته و مطبوعات فاسد، این برنامه را دنبال کرده، و در پوشش‌های مختلف، تیشه به ریشه مبانی عزّت و شرف مسلمان‌ها می‌زنند، و مفسد را به نام مفاخر، ترویج و تبلیغ می‌نمایند.

باید زن و مرد مسلمان در عین حالی که با عزم راسخ، و تصمیم محکم با تمسک به تعالیم عالیه اسلام اهتمام می‌کنند که همیشه در صحنه‌های ترقّی واقعی علم و عمل و صنعت رو به جلو و قدم به پیش باشند، از این نقشه‌های شوم- که در مذاق گرفتاران به شهوات، شیرین جلوه می‌کند- بی‌خبر نباشند، و با آن تبلیغات و روش‌های غیر اسلامی و نابکارانه با کمال اهتمام مبارزه نمایند.

زنان و مسابقات ورزشی

سؤال. بنده مربی ورزش هستم. برخی بانوان ورزشکار ما در مسابقات بین‌المللی در خارج از کشور حجاب بسیار ضعیف و لباس‌های بدن‌نما دارند و جلوی مردان اجنبی به مسابقات می‌پردازند، و بعضی از موارد حتی مربیان آنان، مردان خارجی هستند که در بیشتر موارد، رسانه‌های داخلی تصاویری از آنان را به نمایش می‌گذارند. نظر مبارکتان را در خصوص توسعه این چنینی ورزش بانوان بیان فرمایید؟

لزوم آگاهی از فوائد حقیقی ورزش

ورزش برای پرورش جسم و تقویت بدن و قوت مقاومت اعضاء و استقامت و حفظ تناسب اندام و خلاصه فوائد و منافع جسمی بلکه روحی آن، مطلوب و مستحب و در بعضی موارد واجب است. لازم است همگان را از نتایج و فوائد آن آگاه و به آن ترغیب و تشویق نمایند و درس و آموزش بدهند، و این ورزش که بر حسب تعالیم جامع و

کامل اسلام نیز ممدوح و مستحسن است، برنامه‌ای عام و همگان و ارزشی است.

اگر اماکن سالم و مراکزی باشد، همگان باید در آن ممارست لازم را داشته باشند. آموزش و تعلیم آن به بانوان که در آن ورزش‌های خاص و مورد ضرورت و نیاز را تعلیم بدهند هیچ اشکالی و ایرادی ندارد، چون تربیت بدن مثل تربیت روح بر زنان هم مثل مردان لازم است و ترک آن موجب بیماری‌ها و کاستی‌ها و سستی‌های خطرناک جسمی است. البته بدن برای روح است و ورزش برای انسان است و انسان برای ورزش نیست، چنان‌که برای خوردن و خواب نیست. اصل، روح است و جسم، فرع است و به گفته شاعر:

خوردن برای زیستن و ذکر گفتن است

تو معتقد که زیستن از بهر خوردن است؟!

تصویر افراطی ورزش

اما تصویری که امروز در زمان ما از ورزش در اذهان منعکس است غیر از این تصویر است؛ تصویری که ورزش در اذهان بسیاری دارد و در نام تربیت بدنی و ورزش، آن را تبلیغ و ترویج و فعال می‌نمایند، این است که گروه و افرادی برای یک مسابقات تماشایی تربیت بشوند و فراتر از آنچه بدن نیاز دارد، به تمرینات و عملیاتی به اصطلاح ورزشی سرگرم باشند تا در مسابقات مختلف، مثلاً رسیدن به قله کوه یا در دویدن، رسیدن به نقطه معلوم از دیگران اگر چه با یک ثانیه باشند، مثلاً زودتر مسابقه را ببرند یا

طرف را به زمین بکوبند و یا ... آن ورزش لازم و مفید با این ورزش که به عنوان تربیت بدنی آن را ترویج می‌نمایند تفاوت‌های بسیار دارد؛ آن یک ضرورت حیاتی است و این یک سرگرمی و بازی و تفریح است؛ آن همه‌اش فائده است و این در بعضی اقسام و انواعش مضرّ و غیر مشروع و در حدّ اقل به طور مطلق، عقلانیت آن زیر سؤال است؛ آن فائده‌اش حقیقی و واقعی است و این، غیر واقعی است؛ این گاه یا بیشتر جلوه‌هایی حیوانی و برخوردارهای حیوانی است و آن صد در صد انسانی است.

و خلاصه، این که به نام ورزش، گروه‌هایی و افرادی را که نمی‌توان آنها را در خطوط ممتاز و واقعی حیاتی و ارزشی و حقیقی در سیر تکامل و تربیتی قرار دارد به تمرین ورزش‌هایی مختلف مشغول می‌کنند که بهترین اوقات عمرشان صرف کسب مهارت در انواع ورزش‌ها بشود غیر از ورزش لازم و غیر از تربیت بدنی حقیقی است.

این مسابقات اگر مفید باشد فقط در همان حدّ تربیت واقعی و پرورش بدن قابل تشویق است و صرف اینکه در دنیا معمول است موجب استحسان آن نیست، خصوصاً اگر جوانان را از کارهای اصلی باز بدارد و رغبت آنان را به رشته‌های لازم دیگر کم‌رنگ سازد.

لزوم پرهیز زنان از شرکت در مسابقات ورزشی

در اینجا سخن بسیار است و اجمالاً اگر در این میدان‌ها مردها و پسرها وارد شده‌اند، سزاوار نیست زن‌ها و دخترها وارد شوند و در این مسابقات در داخل و خارج شرکت نمایند، زیرا افتخاراتی که زن مسلمان به تربیت

اسلامی به آن آراسته است مخدوش می‌شود.

این برنامه‌ها، برنامه‌هایی که به اسلام برسد یا در محدوده اسلام و حفظ حجاب و کرامت و شخصیت زن متوقف شود نیست و خطر این‌که تا برنامه مسابقات زیبایی و مطالب دیگر پیش برود کاملاً هست چنان‌که می‌بینیم برخی از این زن‌ها ابائی از اینکه برنامه‌های ورزشی در اجتماع مردان هم انجام شود ندارند. مشارکت نداشتن زن‌ها در این برنامه‌ها و هم‌تراز نشدن با زن‌های بیگانه، افتخار و ارزش اسلامی و انسانی است. حیف است که جامعه غرب‌گرا باشد و از هر عادت و روشی که در غرب است کورکورانه تقلید نماید، و معقول و نامعقول و خوب و بد آنها را از هم تمیز ندهد.

عاقبت غرب‌گرایی در ورزش

در خاتمه نظر حقیر این است که طرح پیشنهادهای مربوط به ورزش بانوان در شکل‌های غربی و حتی به صورت ورزش بین‌المللی اسلامی، مخاطره‌آمیز و حرکت به سوی ترک عفاف و حیا و حقوق اسلامی و موجب اختلاط زن و مرد و ابتذال و مفاسد بسیار و طبعاً ملازمات غیر مشروع زیاد است. اگر سنت‌های اسلامی و سنگرهای دینی شکسته شود، تقلید از فرهنگ غرب که بیشتر موافق شهوات و ترک معنویات و ارزش‌های والا و کرامت انسان مخصوصاً بانوان است در مرحله خاصی متوقف نخواهد شود، و نتیجه آن پیدایش همان جامعه و همان زن‌هایی می‌شود که در احادیث معتبر از پیدایش آنها در آخر الزمان اعلام خطر شده است.

چرایی تعدد زوجات و اختصاص آن به مردان

سؤال. فلسفه این که مرد می تواند چند زن داشته باشد، اما یک زن نمی تواند چند همسر داشته باشد، چیست؟ آیا این تبعیض در احکام نیست؟

بی اطلاعی انسان از علل تکوین و تشریح

از نظر یک مسلمان - که جهان بینی الهی دارد، و به خداوند قادر عالم حکیم، ایمان دارد - جواب این پرسش ها واضح است. برنامه های قوانین الهی و تشریحی، مانند برنامه ها و نظامات جهان آفرینش و عالم تکوین؛ از جماد و نبات و انسان و حیوان و آسمان و زمین و کهکشان ها و آفتاب و ماه و منظومه ها و میلیاردها مجموعه های عالم خلقت با اسرار و نظامات و ارتباطاتی که بین کوچک ترین آنها از ذرات اتمی و کوچک تر و بزرگ ترینشان که بسیاری از آنها هزار برابر زمین و منظومه ما می باشند، و از برگ یک درخت و یک جنبنده، همه و همه، تحت تقدیر الهی و نظم محیر العقول او می باشند، و کسی را نمی رسد که به چند

و چون آنها اعتراض کند، یعنی اگر عقل همه افراد بشر را به یک نفر بدهند، نخواهد توانست بخش کوچکی را به تمام جوانب درک کند، و در چگونگی آنها حرفی بزند.

عالم تشریح و احکام الهی نیز تحت همین جریان است، و خدایی که بشر را آفریده و در او این نظامات بسیار پیچیده را - که عقول نادره بشری را مسخر ساخته - قرار داد، برای عرصه اختیاری که به او داده، این احکام را به وسیله انبیا و پیامبران فرستاده است، و شخص مؤمن به خدا، عمل به این احکام را وسیله سعادت خود می‌داند، و همان‌طور که نمی‌گوید: چرا میوه گیاه کوچکی، مثل هندوانه و خربزه، بزرگ است، و میوه درخت تنومند بزرگی، مانند توت و گردو کوچک است، در عالم تشریح و احکام نیز حرفی ندارد، و تسلیم است.

غرض این که از نظر مسلمان و موحد و معتقد به این که جهان را خالق خدا نام است، جواب این پرسش‌ها روشن است.

در پاسخ شخص مادی

اما به یک ملحد و کسی که جهان‌بینی مادی دارد، و غیر از عالم ماده و ظاهر و محسوسات به چیزی عقیده‌مند نیست، و عالم را بی‌شعور و بی‌ادراک دانسته، و همه این علائم درک و شعور و اراده را منکر باشد، جواب می‌گوییم که این برنامه‌ها و تفاوت‌های ظاهری بین زن و مرد و جنس ماده و نر، نیز موافق با سیر همان لاشعوری و لامدرکی است که تو تصور می‌کنی؛ اینها به حفظ وضع ظاهری جهان مربوط است و حافظ وقوع

جواز تعدد زوجات، مطابق سیر طبیعت

اما جواب از این که «چرا مرد می‌تواند چهار زن دائم داشته باشد؟» این است که:

اگر یک مرد با هزار زن و بیشتر رابطه جنسی داشته باشد، محصول این رابطه، هزار انسان می‌باشد، و اگر هزار مرد و بیشتر با یک زن ارتباط جنسی داشته باشند، محصولش یک فرزند بیشتر نمی‌باشد.

به علاوه اگر کسی بخواهد با این زبان معترض حرفی بزند - که آن را هم نباید بگوید - آن است که چرا رابطه دائمی به چهار زن محدود شده و تا چهار صد و بیشتر از او نیست؟

این موضوعات را با سیر عالم طبیعت، باید در نظر گرفت. مسأله جنس نر و ماده در عالم نباتات هم هست، و در آنجا نیز چنین است که جنس نر می‌تواند در بیشتر از یک جنس ماده، مؤثر و فراگیر باشد، ولی جنس ماده نمی‌تواند. این تفاوت‌های تشریحی، بیشتر از مسأله تکثیر نسل، مسأله عدم اختلاط انساب، مسأله به هم پیوستگی زن و مرد و مصالح، ریشه می‌گیرد.

لزوم پرهیز از نگرش تک بعدی به زن

از سوی دیگر، چرا نظر بلند و عالی و متعالی اسلام را به زن فراموش کرده، و به این مسائل مهم، صرفاً از جنبه شهوانی و اعمال غریزه جنسی می‌نگرید؟ اسلام، زن را در مقامات متعالی و سیر معنوی و رشد عقلانی

هم طراز مرد قرار داد، و با اعلان: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۱ همه را، اعم از زن و مرد در این جایگاه رفیع قرار می‌دهد؛ در حالی که بسیاری از مجموعه بشری، زن را از نوع انسان نمی‌شناخت، و یا جایگاهی بین حیوان و انسان برای او قائل بود، و یا وجود دختر را ننگ و عار می‌دانست، و دختران را زنده به گور می‌کردند.

معروف است که یک فیلسوف که نمی‌توانست - و البته هم نباید بتواند - سراسر عالم خلقت را درک کند، مدت‌هایی طولانی فکر می‌کرد که اگر به جای خدا می‌خواست عالمی بیافریند، چگونه می‌آفرید؟ او پس از سال‌ها تفکر - که اگر به میلیون‌ها سال هم می‌رسید همین نتیجه را داشت - به این نتیجه رسید که من هم اگر می‌خواستم و می‌توانستم عالمی خلق کنم، به همین نظم و نظام خلق می‌کردم. عالم احکام الهی که مربوط به روح و جسم و ظاهر و باطن و فرد و اجتماع و حیات و موت و اعمال غرایز و تفکیک و توزیع نعمت‌ها و مسایل بسیار دیگر است، نیز همین‌گونه می‌باشد. اگر کسی که عقلش اجل عقول باشد، و همه عقل‌ها را در سر او گذاشته باشند تفکر کند، باز هم به بهتر و کافی و کامل‌تر از این احکام نمی‌رسد.

این که سؤال‌کننده، گوشه بسیار کوچکی از احکام را گرفته، و روی تفاوت‌هایی که به ظاهر در آن است سؤالی طرح کند، مثل کسی است که یک بخش از اندام و اعضای انسان را مطالعه کند، و بخواهد بدون این که ارتباط آن با همه اعضا را ببیند، نظری بدهد.

به هر حال، حیف است که انسان قدر خود را نداند، و با کمی اطلاع و علم در اطراف این مطالب حرف بزند. در خاتمه، از خداوند متعال، برای پرسش‌کننده محترم و خودم، هدایت و افزایش آگاهی و درک و معرفت، مسألت می‌نمایم.

فلسفه برخی احکام ازدواج دوم

سؤال. چرا یک مرد برای ازدواج مجدد نیازی به اجازه زن اول ندارد؟ زنی که تمام جوانی اش را برای یک مرد می‌گذارد، چرا باید تحت این ظلم قرار بگیرد که شوهرش بدون اجازه او زن بگیرد؟

مسأله‌ای که شما طرح کرده‌اید، از مسائل مهم در روابط همسر بودن و همسر شدن است که بر حسب فرهنگ‌های مختلف، نگاه به آن تفاوت دارد.

تحت قاعده بودن ازدواج در اسلام

در اصل، بین تمام حیوانات، اختصاص مؤنث به مذکر، و مطلق بودن مذکر، یک قاعده طبیعی است.

زن از جهت تولید، بیشتر از رابطه با یک مرد تولید ندارد، ولی مرد، از این جهت به عدد زنانی که با آنها ارتباط جنسی دارد، تولید دارد.

این گزینه و ارتباط باید مثل سایر امور، نظم و انضباط خاص خود را داشته باشد. در مجامع غربی همین است که می‌خوانید و می‌شنوید؛ نظم و

ترتیب و قداست در بین نیست، و مرد با زن‌های دیگر، و حتی زن‌های همسر دار در ارتباط جنسی آزاد است که بر حسب روزنامه‌ها در طبقات به اصطلاح بالای جامعه آنها مرسوم است؛ به اسم و عنوان، یک همسری است، ولی به رسم و عمل، همه همسری و حیوان‌پروری است.

همسانی زن و مرد در کسب فضائل معنوی

اسلام، پس از دوران‌های بدرفتاری با زن در اقوام و ملل مختلف، ظهور کرد، و آن جاهلیت‌های ستم‌کیشانه را - که تا حدّ زنده به گور کردن دختران رسیده بود- محو، و دوری جدید و الهی را عنوان کرد:

اولاً: زنان را در ارزش‌های انسانی به حکم آیه ۳۵ سوره احزاب^۱ با مرد هم‌قطار قرار داد که در این ارزش‌ها، بسا زن‌ها که از بسیاری از مردها هم پیشی گرفتند.

در نظام عائله هم برای زن‌ها که قبلاً حقوقی نداشتند، و رسم‌های بسیار زشت در آنها معمول بود که زن بسا نه فقط حق مالکیت نداشت، بلکه ملک دیگران بود، حقوق عالی و انسانی مقرر فرمود، و نظام همسری را بر اساس آیه «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۲ یا آیه «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ»^۳ بهترین و با قداست و لذت قرار داد، و مسأله روابط جنسی مرد را با زن‌ها حتی زن‌های شوهردار - که حدی نداشت- محدود به روابط شرعی و

۱. سوره احزاب، آیه ۳۵.

۲. «بین شما و همسرانتان، دوستی و مهربانی قرار داد». سوره روم، آیه ۲۱.

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۷.

قانونی و رعایت تمام حقوق فرمود، و مسأله جواز ازدواج شرعی مرد با بیش از یک زن را تحت ضوابط و حفظ حقوق زن اول قرار داد، و با این کار، از مفسد زیادی پیشگیری نمود.

عدم جواز تعدد زوجات، موجب نقصان قانون

در عین حال، سنّت رایج بین مسلمانان تک‌همسری است، ولی اگر این اجازه نباشد، قانون ناقص می‌گردد، و جواب‌گوی بعض موارد استثنایی نمی‌شود، و منتهی به اعمال خلاف عفت و منافی شرف می‌گردد.

خلاصه، از نظر عقل و وضع زن و مرد اگر ملاحظه شود، بهترین قوانین و انضباطات بین زن و مرد مقرر شده است. باید این مباحث را با دقت و در راستای هدایت عقلانی و علم الاجتماع و توجه به غرایز همه مطالعه نمود تا معلوم شود دستورات شرع همه بر اساس حکمت و تأمین آسایش انسان‌ها است، و ملاک برتری زن و مرد، فقط تقوی و پرهیزکاری است.

اسلام و مدیریت زن در جامعه

سؤال. آیا زن می‌تواند به مقام رهبری یا ریاست جمهوری برسد؟

رجلیّت، شرط مدیریت جامعه

رجلیّت در مدیریت جامعه به عنوان رهبر یا رئیس جمهوری یا استاندار یا فرماندار، شرط است، و دلیل آن، اجماع و استقصاء موارد و بعضی روایات می‌باشد، مثل «لَنْ يَفْلَحَ قَوْمٌ اَسَدُوا اَمْرَهُمْ اِلَى امْرَاةٍ»^۱

کرامت زن، دلیل معافیّت زن از بعضی مشاغل

تذکر لازم در اینجا این است که این سؤال، باید این چنین طرح شود که به چه دلیل، زن، از قبول مسئولیت قضا معاف است؟ چون مسئولیت آن، سنگین و قاضی بر لب گودال جهنم قرار دارد و خطر سقوط او را تهدید می‌نماید، مثل این که چرا نمی‌گویند زن نمی‌تواند جهاد کند، زیرا جهاد،

۱. «امتی که امر اداره جامعه خود را به زنی بسپارند، سعادت‌مند نخواهند شد». تحف العقول؛ صفحه ۳۵.

خطر قتل و اسارت دارد.

باید پرسید که چرا زن معاف شده و این مسئولیت سنگین بر عهده مرد است؟ جواب این است که این احکام به علت ناتوانی جسمی یا فنی زن است، و به عبارت دیگر، تضعیف موضع زن نیست. بسا زن‌ها که در این توانایی‌ها از بسیاری مردها قوی‌تر باشند، و با وجود این، مکلف نیستند. حکمت این احکام، حفظ موقعیت زن است، و محافظت زن از خطرات، بهتر از ارجاع این مسئولیت‌ها به اوست. اینها محرومیت نیست، بلکه امتیاز است.

سیره فاطمی و حضور زن در مناصب مدیریتی

وقتی مثل حضرت فاطمه سلام‌الله علیها با آن مقامات و صلاحیت‌هایی که هم‌تراز با انبیاء الهی می‌باشد، مکلف به ولایت بر امور اجرایی و مدیریت جامعه‌ای نباشد، معلوم می‌شود که چه مصالح بزرگی را شارع مقدس در نظر داشته است که اگر بخواهیم وارد بیان این موضوع شویم، باید رساله‌ای طولانی بنگاریم.

لباس دین و استقلال زن

سؤال. دختری هستم که برای رعایت کامل مسائل شرعی از پوشیه استفاده می‌کنم، اما بیشتر اوقات مورد تمسخر و مؤاخذه نزدیکان و اقوام قرار می‌گیرم. وظیفه این جانب نسبت به این‌گونه برخوردها چیست؟

دختر عزیزم!

احساسات دینی، علاقه و تعهد شما نسبت به پیاده‌شدن احکام و وظایف شرعی، مورد تقدیر است، ان شاء الله مشمول الطاف حضرت بقیة الله ارواح العالمین له الفداء باشید.

پوشاندن صورت، نشان کرامت نفس زن

بدانید پوشیدن صورت و ستر وجه، موجب شناخته‌شدن زن به تعهد، به حجاب و عفاف، و کرامت نفس می‌شود، و افراد بوالهوس و چشم‌چران را از او مأیوس می‌نماید.

بدیهی است چنین پوشش و لباسی - که لباس دین و اسلام زن، و اعلام استقلال و شخصیت و تعهد دینی اوست - لباس شهری که مذموم است نیست.

چادر، نماد حضور شجاعانه زن در اجتماع

اگر همه زنان - العیاذ بالله - به بی‌مبالاتی در امر حجاب گرایش پیدا کنند، و لباس‌های آن‌چنانی که زن‌های بعضی اماکن می‌پوشند، بپوشند، و به آن و اختلاط با بیگانگان - چنان‌که رو به رواج است - افتخار کنند، آیا زن مسلمان می‌تواند از مواضع دینی و عفت و عصمت خود دست بردارد یا باید با حضور شجاعانه خود، و با همان چادر خویش، اعلام موجودیت کند که من هستم و به دین و حیثیات انسانی و اسلامی خود متعهدم و افتخار دارم؟

اگر منکرات شایع، و ارتکاب این امور و بی‌اعتنایی به محرّمات و شکستن سنت‌های الهی، رایج شد و ترک آن مورد تمسخر گردید، آیا ارتکاب این معاصی جایز می‌شود یا باید بگویند: «إِنْ تَسَخَّرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسَخَّرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسَخَّرُونَ»^۱

لازم به ذکر است که به نظر این‌جانب، پوشاندن صورت و دست از نامحرم، بنابر احتیاط بر زنان واجب است.

۱. «اگر ما را مسخره می‌کنید، ما نیز شما را همین‌گونه مسخره خواهیم کرد». سوره هود، آیه ۳۸.

تحصیل یا خانه‌داری

سؤال. آیا تحصیل زن همان قدر اهمّیت دارد که تحصیل مرد دارد؟ اگر نه، چرا؟ اسلام به دختران و زنان ماندن در خانه و کارهای مربوط به آن را توصیه می‌کند، یا تحصیل را؟

وجوب علم بر مرد و زن

بر حسب حدیث معروف و مشهور که از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده است «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ طلب علم بر هر مسلمانی واجب است»^۱ به طور مطلق در مورد معارف و عقاید و احکام اسلامی تا حدّی که یک مسلمان به آن نیاز دارد برای زن و مرد یکسان است، و نسبت به علوم دیگر؛ بعضی علوم برای زن اهمّیت بیشتر دارد و بعضی برای مرد، چنان‌که به حسب اوضاع و احوال و شرایط زمانی و

۱. کافی؛ ج ۱، باب فرض العلم و وجوب طلبه، ص ۳۰.

مکانی و شغلی و به درجه نیاز جامعه یا فرد برای یک فرد یا جامعه تحصیل یک علم اهمّیت دارد و برای جامعه و فرد دیگر تحصیل علم دیگر. اجمالاً در اسلام از علم، کمالی برای بشر بالاتر نیست و ارزش هر فرد و هر جامعه به مقدار علمی است که دارا است و تحصیل بعض علوم فریضه و واجب است یا به وجوب عینی یا به وجوب کفایی، و بعض علوم مستحب است بر حسب تعالیم اسلام، و باید حرکت بشر همیشه به سوی کمال علمی باشد و هر کس یا دانش آموز باشد یا دانشمند.

تحصیل به مقدار نیاز جامعه بانوان

و در مورد مقایسه بین تحصیل و خانه‌داری، در این مسأله حکم دختران با بانوان شوهردار تا حدّی تفاوت دارد. به طور کلی در خانه‌ماندن زن، اگر ضرورت‌های شرعی یا جهات مرجّحه مهمتر در بین نباشد، اولی و ارجح است و حتّی برای مخدّرات شرعاً امتیازی هست که برای بانوانی که عادت به بیرون‌رفتن دارند نیست؛ مثل این‌که قاضی دادگاه به خواهش مدّعی نمی‌تواند خانم مخدّره را به دادگاه احضار نماید، بلکه باید خودش یا شخصی را برای سؤال نزد او بفرستد.

مع‌ذلک تحصیل به مقداری که عرفاً ضرورت دارد یا برای مشاغل یا مصالحی که موجب بی‌نیازی بانوان از مراجعه به مرد اجنبی می‌شود، مثل رشته‌های مختلف پزشکی در صورتی که تحصیل با مراعات تکالیف شرعی انجام شود، مستحسن و در بعض موارد، واجب کفایی است؛ اما ادامه تحصیل برای بانوان شوهردار باید با موافقت شوهر باشد.



خانه‌داری، اشرف کارها

راجع به خانه‌داری، معلوم است که بر خانم‌ها خدمت در خانه واجب نیست، ولی خانه‌داری و همکاری با شوهر و اداره خانه فضیلت و ثواب بسیار دارد و از اعمال صالحه مهمه بانوان و اشرف کارها است، و بسیار خطاست که زن خانه‌دار را بی‌کار بدانند و آن‌که را با اجنبی در یک اطاق کار می‌کند، از او برتر بدانند.

زنان و مردان خردمند: مخاطبان قرآن

سؤال. در نهج البلاغه و دیگر روایات اهل بیت علیهم السلام وارد شده است که عقل زنان ناقص و ایمانشان ضعیف است. بفرمایید آیا این روایات از نظر سند معتبر است؟ و اگر آری، تبیین و توجیه آن چیست؟

درجه احساسات و عاطفه در بانوان

اگر چه در بین بانوان، زنانی می‌باشند که در توان عقلی از نوع مردها و اکثریت آنان قوی‌تر و رشد فکری بیشتر دارند، ولی بر حسب نوع، زنان از مردان عاطفی‌تر و احساساتی‌تر، و رحم و مهرشان بیشتر است، هر چند همه دارای عقل می‌باشند؛ و آیاتی که در قرآن مجید در آنها از صاحبان عقل و تفکر، تمجید و توصیف شده – چنان‌که شامل مردان است – شامل بانوان نیز هست، و «أُولِي الْأَلْبَاب» و «أُولِي النَّهْي» بر هر دو اطلاق شده است؛ با این وجود مردان بر حسب نوع از زنان در تدبیر و سخت‌گیری و مدیریت و صلابت نفس، قوی‌ترند و کمتر از زنان تحت تأثیر عوامل جالب رأفت و

رحم و گذشت قرار می‌گیرند؛ بنابراین مرد برای یک سلسله وظایف خاص بر حسب نوع مناسب‌تر است و زن هم برای یک سلسله وظایف دیگر.

تفسیر نقصان عقل در روایات

پس می‌توان گفت که مراد، نقصان عقل زن در برابر عواطف خاص اوست و از عقل، آن معنای حقیقی مطلقاً نیست یا به طور مطلق نیست. مضافاً بر این که این روایات نهج البلاغه^۱ ظاهراً مخاطب خاص دارد که همان زنی است که آن جنگ بزرگ و فتنه‌ای را - که تاکنون هم بسیاری در آتش آن می‌سوزند- رهبری کرد؛ او هم نقص عقل داشت و هم نقص ایمان.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۸۰.

پیوستگی زن و شوهر در فرهنگ اسلام

سؤال. همه می‌گویند که زنان، مایه آرامش مردان هستند. چرا این رابطه عاطفی و آرام‌بخش فقط از طرف زن است؟ آیا مرد، مایه آرامش زن نیست؟

ابعاد شخصیت انسان

دین اسلام، اکمل از تمام ادیان و حاوی هر دانشی است که انسان، جهت تحصیل سعادت به آن احتیاج دارد؛ و انسان، موجودی است که زندگی و تعیش او ابعاد وسیع و گسترده‌ای دارد؛ از جهتی موجودی عقلانی، و از سویی اجتماعی، و از جهاتی دارای خصوصیات فردی است، و نیز بُعد احساسی بسیار قوی دارد؛ و احکام و آموزه‌های اسلام در بردارنده همه علوم است که انسان در ابعاد مختلف برای سعادت به آن دانش‌ها نیازمند است.

شما تنها از بُعد یک مرد و احساساتش نسبت به جنس مخالف به آموزه‌های دین نگاه می‌کنید، و از شدت احساس زنان نسبت به مردان و گرایش ایشان به مرد بلکه عمده هم‌متشان در جلب نظر مردان غافل شده‌اید. اکنون جواب از سؤال شما:

قرآن کریم صریحاً از رابطه مهر و مودت طرفین خبر داده است، و می‌فرماید: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ خداوند میان شما همسران، دوستی و عاطفه و رحم قرار داده است.»^۱

این، خود یکی از آیات بزرگ الهی است که زن و شوهر را در اوج دوستی و مهر به یکدیگر قرار داده است، و هم‌چنین می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ هُنَّ»^۲ زن و شوهر برای هم مانند لباس می‌باشند؛ زن لباس مرد و مرد لباس زن.

در این تعبیر، معانی بلند و ارزشمندی درج است. زن و شوهر اگر چه به ظاهر دو فردند، ولی با هم، چنان پیوسته می‌شوند که یک واحد می‌شوند؛ شریک زندگی در منفعت و مصلحت که واقعاً توصیف آن با قلم دشوار است.

۱. سوره روم، آیه ۲۱.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۷.

اسلام و فرهنگ ازدواج

سؤال. دختری ۳۵ ساله هستم که چند خواهر و برادر دارم و همگی در سن ازدواج هستیم، ولی متأسفانه هیچ یک ازدواج نکرده‌ایم. هر چه نذر و نیاز می‌کنم نتیجه نمی‌گیرم. تا به حال خودم را از گناه حفظ کرده‌ام، اما از نظر روحی و جنسی به شدت احساس نیاز می‌کنم. خواهشمند است این جانب را راهنمایی فرمایید؟

دختر با ایمان و عفت و تقوا و با حجاب و پارسا!
نامه شما را این پدر تو - که خوب و بد جهان را دیده، و گرم و سرد روزگار را چشیده - به دقت خواند، و شکایت شما را که بسیاری از دختران در سن و سال شما دارند می‌داند.

تفسیر صحیح اوضاع دنیا

این شکایت همیشه مطرح بوده و خواهد بود، و طبع دنیا این است که همه از پسر و دختر و جوان و پیر و اهل هر شغل و پیشه از آن بی‌گله و

شکایت نیستند، مگر آنهایی که حقایق و واقعیات این جهان را درک کرده باشند، و هر طور و هر وضعی را که پیش بیاید، خلاف جریان و مسیر این عالم ندانند، و به خوب و بد هر پیش‌آمد به ظاهر بد رضایت می‌دهند، و ناامید نمی‌شوند، و در هر شدت و سختی به گشایش و آسایش و یاری و لطف و رحمت خدا دل می‌بندند و امیدوارند، و پیش‌آمدها را با تفسیرهای خوب و آرام‌بخش، معنا و تفسیر می‌کنند، و راحت و مطمئن، کار خود را به خدا واگذار می‌نمایند، و با «أَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ»^۱ و «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ»^۲ روح خود را از هر فشار و افسردگی و ناامیدی و بدبینی به آینده نجات می‌دهند. می‌گویند اگر در این فرصت به مقصودی که داشتیم نرسیدیم، از کجا که اگر به آن می‌رسیدیم خیر و صلاح ما بود؟! شاید صدها گرفتاری‌ها و دشواری‌ها را به بار می‌آورد. اگر این شغل، این سفر، این تجارت، این ازدواج برای ما فراهم شده بود پشیمانی‌هایی پیش می‌آورد.

قرآن و کلید تفسیر مشکلات

کسی چه می‌داند که به همین شکلی که برای او پیش آمده، خیر و صلاح او نیست، و شما که نمی‌دانید این تأخیری که در ازدواج شما پیش آمده خیر نبوده، حتماً بگویید خیر و صلاح بوده و آنچه خیر و صلاح است جلو می‌آید ان‌شاء الله. چرا افسرده شده‌اید؟! صدها و هزارها بوده و هستند که در سنین بالاتر

۱. «امر را به خداوند واگذار می‌نمایم». سوره غافر، آیه ۴۴.

۲. «بر خدا توکل نمودم». سوره هود، آیه ۵۶.

از سن شما بوده‌اند و برای آنها بهتر از هر دختر کم سن و سال و سایل زندگی و همسر مناسب فراهم شده است.

شخص آگاه برای نشده‌ها نباید غصه بخورد. قرآن مجید می‌فرماید: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ بسا شما چیزی را ناخوش و مکروه می‌دارید، در حالی که آن برای شما خیر است و یا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما شر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»^۱

در این مورد راهنمایی‌ها و دلگرمی‌هایی که اسلام به ما داده است بسیار است. به شما توصیه می‌کنم که افسرده نباشید. ان شاء الله تعالی این موضوع که شما به آن به صورت یک مشکل نظر می‌کنید، با لطف خدا حل و آسان می‌شود.

من هم دعا می‌کنم که خداوند متعال همه دختران مؤمنه و پسران مؤمن را در زندگی موفق و سعادت‌مند و عاقبت به خیر بفرماید.

ازدواج؛ از فرهنگ ما تا فرهنگ اسلامی

البته در ارتباط با مسأله ازدواج، مطالب بسیاری داریم. فرهنگ اجتماع ما آن‌چنان که باید و شاید در این موضوع اسلامی نیست، و راهنمایی‌های دینی جلوی چشم بیشتر جوان‌ها (پسر و دختر) و نزدیکان و بستگان آنها نیست.

۱. سوره بقره؛ آیه ۲۱۶.

اگر بود، این همه جوان پسر و دختر از زندگی مقدس و آرام‌بخش ازدواج محروم نمی‌ماندند. باید خود پسرها و دخترها و مخصوصاً پدران و مادران آنها سعی کنند هرچه ممکن است شرایط را کم بگیرند و شرایط را به محدوده شرایط اسلام نزدیک کنند و موانع را از بین بردارند.

ازدواج که باید از آسان‌ترین مسائل زندگی باشد به این صورت و با مخارج کمرشکن و پیشنهادهایی که مرسوم گردیده از معضلات شده که بسیاری از جوان‌های جامع الشرايط، آن را برای خود غیرمقدور می‌بینند.

در هر حال شما امیدوار باشید و این نگرانی‌هایی را که نوشته‌اید از خود

دور کنید و یقین داشته باشید که «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^۱

من مخصوصاً برای حُسن عاقبت و سعادت دنیا و آخرت شما دعا

می‌کنم. در ضمن زیارت عاشورا، نماز استغاثه به حضرت زهرا علیهاالسلام

و نیز نماز جناب جعفر طیار که در مفاتیح‌الجنان آمده است را بخوانید

ان‌شاء الله مؤثر واقع می‌شود.

۱. «و کسی که به خدا توکل می‌کند، خداوند برای او کفایت می‌کند». سوره طلاق، آیه ۳.

زنان و قضاوت

سؤال. آیا قضاوت برای زن جایز است؟ و آیا در تاریخ اسلام،
زنانی در این منصب وجود داشته‌اند؟

گواهی تاریخ بر عدم قضاوت زنان

قضاوت زنان جایز نیست و از اوّل پیدایش اسلام تاکنون در هیچ عصری،
زن متصدی منصب قضاوت نبوده است؛ و ورود آنها به دستگاه قضایی هر
چند قاضی نباشند هم، مستلزم مفاسد و تبعات سوء اخلاقی است.

نقش استعمارگران در گرایش‌های غیراسلامی

این گرایش‌های غیراسلامی همه از غرب‌گرایی و تبلیغات استعمارگران و
خود باختگی برخی از زنان و مردان مسلمان است. خداوند متعال استقلال و
عزت بانوان اسلامی و شخصیت آنها را از این خطرات حفظ نماید.

اختلاط در حال طواف

سؤال. اگر اختلاط زن و مرد در اسلام حرام است، چرا در طواف کعبه در حالی که در حال احرام زن و شوهر نسبت به هم حرام می‌شوند، این اختلاط در سطحی وسیع اجرا می‌شود؟

لزوم تسلیم حکم خدا بودن

احکام شرع مقدّس از طرف خداوند به وسیله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مردم ابلاغ می‌شود. خداوند، اختلاط زن و مرد را حرام فرموده، و خود خداوند فرموده که احرام مرد در سر و گردن او، و احرام زن در صورت اوست، و حکمت آن را خدا می‌داند. ما که مصالح و حکمت‌های احکام خدا را نمی‌دانیم، نباید اشکال کنیم.

طواف، جلوه‌ای از روز قیامت

مع‌ذلک تذکّر این نکته لازم است که حجّ و آن اجتماعات بزرگ، جلوه‌ای از روز قیامت و حضور در آن موقف حسّاس است که در آن

شرایط با این‌که همه زن و مرد در کنار هم هستند، هیچ‌کس در حال آن‌که در کنار اوست و حتی حضور او است، به او توجه ندارد، و چنان است که خود او تنها آنجا حاضر شده است: «لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يَغْنِيهِ»^۱.

در مراسم طواف و آن عبادت بزرگ، چنان موقعیت و ایستگاهی است که همه غرق توجه به خدای تعالی، و محو در حال حضور خود هستند، و از خود و هستی خود هم بی‌خیال و غافل‌اند؛ کسی و چیزی را غیر از خدا نمی‌بینند.

در آن حال روحانی، هر کسی به خود و حال خود و توبه و اصلاح نفس خود، مشغول است. مرد، التفات به این‌که، آن کسی که در کنار او است زن است یا مرد یا جماد، ندارد، و هم‌چنین است زن. تمام حال احرام، در این حال و در این سیر رو به خدا است و به سوی قرب بیشتر پیش می‌رود.

فرض بر این است که شخص در عالم دیگر و عالم فرشتگان سیر می‌کند. کسی نیست که محرم به او نگاه کند، و کسی نیست که به محرم نگاه کند. در هر حال، مطلب همان است که همه باید تسلیم حکم خدا باشیم؛ جایی تعبّد به پوشاندن وجه است، و گاهی بر عکس «وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»^۲

۱. «برای هر انسانی در آن روز حال و کاری خواهد بود که او را به خود مشغول دارد». سوره عبس، آیه ۳۷.

۲. «و ما همه تسلیم او هستیم». سوره بقره، آیه ۱۳۳.

حجاب. موجب پاکی جامعه

سؤال. آیا احکامی مثل حجاب، و محرم و نامحرم بودن و عدم اجازه حضور زن در بعضی مراکز اجتماعی برای زن محدودیت و چالش نیست، و زنان و حتی مردان را از زندگی دلخواه خود منع نمی‌کند؟ چرا برای پوشش کنیز در اسلام استثنائاتی هست؟

فوائد بی‌شمار حجاب

اصل وجوب حجاب فی الجمله، از ضروریات اسلام است، و دلیل آن قرآن کریم و روایات شریفه و اجماع علماء اسلام است، و حکمت آن واضح است، و مفسده بی‌حجابی و یا بدحجابی بر هر عاقلی روشن است. تشریح حجاب، برای حفظ وقار و متانت و شخصیت زن است تا ملعبه مردان اجنبی و شیوع فساد در جامعه نشود که بیشتر روابط غیر مشروع و مفسد اخلاقی که فعلاً در جوامع وجود دارد، به خاطر عدم رعایت کامل حجاب است.

حجاب زن، موجب شخصیت و مصون ماندن او از نظرهای سوء

هواپرستان و عفت جامعه است، و عدم رعایت آن، تبعات کثیره‌ای دارد، و بر این اساس، زن باید خود را از نظر نامحرمان مستور بدارد به طوری که حجم مفاتن بدن او هم معلوم نباشد، و انظار هواپرستان را جلب نکند، و هیچ پوششی، مانند چادر این هدف را تأمین نمی‌کند؛ چنان‌که سیره بانوان متدین هم - خلفاً عن سلف - پوشش با چادر و مانند آن بوده است.

فرهنگ غربی دون شأن زن

البته فرهنگ‌های غربی - که حتی روابط نامشروع زن و مرد را عیب نمی‌گیرند یا مهم نمی‌شمارند و شنايع ديگر را مجاز و قانونی کرده‌اند - بسیاری از سنن و اخلاقیات زن مسلمان را در حفظ عفت و شرف خود، خلاف آزادی او می‌دانند، اما زن مسلمان و تعلیمات اسلامی، آن فرهنگ را محکوم و مبتذل، و دون شأن زن و انسان می‌دانند.

ترجیح کرامت زن توسط اسلام بر هر چیز دیگر

در نهایت، متذکر می‌شوم که اسلام عزیز، کرامت زن را بر هر چیز دیگری ترجیح داده است و آن، تنها با حفظ عفت و حجاب و عدم اختلاط با مردان بیگانه میسر است.

لازم به ذکر است که بعضی از استثنائات بین کنیز و زن آزاد به ملاحظه بعض حکمت‌ها، مثل موضع کنیز است که در خدماتی که باید در جامعه برده‌داری انجام دهد موظف به پوشیدن وجه نیست. مع ذلک به این معنی نیست که نگاه به او مطلقاً جایز باشد، و تحت شرایط لازم قرار دارد.

تعالیم نجات‌بخش اسلام درباره بانوان

سؤال: به نظر شما، آیا حجاب و تفکیک جنسیتی در جامعه، جلوی پیشرفت زنان در جامعه را نمی‌گیرد و مانع هنرآموزی و کسب علم و کمال او می‌شود؟ آیا وضعیت زنان در جوامع غربی از حیث هنر و کمال بهتر از زنان مسلمان نیست؟ چه چیزی باعث پسرفت زنان مسلمان شده است؛ حجاب، تفکیک جنسیتی، خانه‌داری یا ...؟

لزوم بررسی مسائل زنان با نگاه عقلانی

برخی از افراد هستند که در تعالیم و ارشادات اسلام مطالعه کافی ندارند و یا متأثر از مجامع غربی و اوضاع و احوال اجتماعی بیگانگان هستند و با نظر سطحی گمان می‌کنند زنان آنها وضع بهتری از زنان مسلمان دارند و بسا که تحت تأثیر غریزه جنسی و دید حیوانی، معاشرت‌های همه‌گونه‌ای آنها را با مردهای بیگانه و مجالس رقص و خودنمایی‌های آنها را آزادی بشمارند، و از کمبود این اوضاع و التزام زنان مسلمان به تربیت

اسلامی و حجاب غصّه می‌خورند که چرا ما چنین و چنان نیستیم؟ و اغراض فاسد خود را در زیر عنوان لزوم ترقّی نسوان و مشارکت آنها با مردان مطرح می‌نمایند و تلویحاً اسلام را زیر سؤال می‌برند که با علم و ترقّی زن‌ها مخالف است و زنان را از کسب کمال و هنر و ... محروم کرده است، برای رفع این توهّمات که بیشتر و بلکه در کلّ، القاء آنها مغرضانه بوده و هست و افراد کم اطلاع هم بسا این تلقینات را بازگو نمایند، عرض می‌کنم که پیرامون این مسائل، دانشمندان و اهل نظر از سنّی و شیعه و حتّی غیرمسلمین توضیحات کافی داده و از اسلام دفاع نموده‌اند و هر گفته‌ای، تکرار این مطالب خواهد بود، ولی چون سؤال تکرار می‌شود ناچار جواب هم مکرّر می‌شود، به طور فشرده و بسیار مختصر عرض می‌شود:

اسلام، نجات‌بخش بانوان

اسلام، دینی است که در میدان مسابقات کمالات حقیقی انسانی راه را برای زنان باز نمود و آنان را که در بعض جوامع، برزخ بین انسان و حیوان می‌شمردند و در بعض مدرسه‌ها و مکتب‌ها بحث در هویت انسانی آنها بود و در بعض جامعه‌ها، دختران را زنده به گور می‌کردند که از جمله نقل می‌شود عمر بن الخطاب به دست خود، چند دختر خود را در کمال قساوت و سنگدلی زنده به گور کرد، با مردها در حقوق انسانی برابر نمود

۱. الاستاذ محمد سعید الافغانی، مجلة حضارة الاسلام، ط دمشق، ۲۶، س ۲۲، ص ۲۱؛ و ماوردی بصری شافعی، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، ج ۱۳، ص ۶۷، انتشارات دار الکتب العلمیة بیروت؛ و لشنقیطی محمد الامین، أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، ج ۸، ص ۴۳۹، انتشارات دار الفکر بیروت.

و همان شأن و اعتبار و حقی را که در کسب امتیازات حقیقی به مردان داد به زن‌ها نیز عطا کرد، و در قرآن مجید به صراحت اعلان نمود: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۱

چنان‌که ملاحظه می‌شود این آیه در ده صفت - که کمال حقیقی و نهائی انسان است - زنان را در کنار مردان یاد فرموده است، و هر دو را در میدان مسابقه جهت کسب این فضایل وارد کرده است.

بدیهی است تعلیم و تربیت انبیا برای نیل بشر به این کمالات است و تفاوت درجات زن و مرد در تفاوت بهره‌ای است که از این صفات به دست آورند. بسا زن که بیش از میلیون‌ها و میلیون‌ها مرد به مقامات ارجمند نائل شده و از همه پیشرفته و عالیقدرتر است.

اسلام بر آن تفکرات غیر انسانی دوران جاهلیت که تا عصر ما نیز در بعضی نقاط جهان وجود دارد خطاً بطلان کشید، چنان‌که جاهلیت‌های زمان ما را که به اسم رشد و ترقی نسوان و حمایت از حقوق بانوان و برابری آنها با مردان می‌خواهند زنان را به وسیله اعمال شهوات مردها و قبول مظاهر پست و دور از شرافت انسانی و فروش اندام خود به همگان، تبدیل نمایند

۱. سوره احزاب، آیه ۳۵.

نیز محکوم کرده، و همه را منافی با شأن و کرامت زن می‌داند.

زنان در تحصیل علوم متعارفه و علوم اسلامیّه و ورود در تجارت و اقتصاد و رشته‌های معاشی دیگر مثل مردها آزادند، بلکه در بعض موارد کسب و تحصیل بعض رشته‌های تخصصی علمی بر آنها واجب است و با وجود آنها، مراجعه بانوان به مردها حرام است.

در رشته‌های هنرهای حقیقی، مثل خطّ و خیاطی و گل‌دوزی و فنون دیگر، زن‌های مسلمان همیشه ممتاز بوده و اکنون در بعض موزه‌ها، قرآن‌هایی به خطّ بانوان خوشنویس با ایمان داریم که نه فقط برای زن‌ها بلکه برای جامعه اسلامی (زن و مرد) باعث افتخار است، چنان که زن‌های حافظ قرآن مجید در گذشته و حال بسیار بوده و هستند.

در جامعه اسلامی که باید به هر چیز با دید اسلامی نگاه کرد، احدی به زن‌ها به نظر بردگی و حقارت نگاه نمی‌کند.

بدیهی است دیدها و نظرات نادرست و غیر انسانی در گذشته و حال بوده و هست؛ در گذشته در بعض جوامع زن به صورت مخلوقی مادون انسان و در خدمت مرد مطرح بوده و در عصر حاضر در جوامع غربی و به اصطلاح متمدّن و پیشرفته به عنوان آزادی به خدمت به اشباع غریزه جنسی مردان پست و شهوتران و عرضه کالاها گمارده شده و حتی برای مقاصد سیاسی و جاسوسی از طریق فساد و فحشا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اختلاط با بیگانه، اهانت به زنان

البته اسلام به حفظ حجاب و عفاف زن اهمّیت بسیار داده و در مورد

خطرات اختلاط زنان با مردهای بیگانه و حضور آنها در مجالس و مجامع و جلساتی که معرض اهانت به کرامت نفس و شخصیت زن باشد، شدیداً هشدار می‌دهد و از اظهار زینت و نداشتن حجاب، نهی اکید نموده است، و در بسیاری از احکام شرعیّه حتی عبادات به مسأله عفاف زن و این‌که وسیله چشم‌چرانی و نظرهای هوس‌پرستان واقع نشوند توجه لازم شده است.

فضیلت خانه‌داری

مسأله خانه‌داری و مشارکت با مرد در تشکیل زندگی عائلی هم مسأله مهمی است که آن هم برای زن در اسلام یکی از وسائل مهم کمال حقیقی و فوز به تقرّب به خدا و از اعظم طاعات است و جهاد محسوب می‌شود. در اینجا ناگفته نماند که نباید وظائف و تعهداتی را که مرد و زن بر حسب اقتضاء قبول ازدواج به اختیار خود می‌پذیرند و طبعاً موجب توجه بعضی تکالیف خاصّ به هر یک از دو طرف است از احکامی شمرد که زن و مرد خود به خود به آنها مکلفند، زیرا هر دو هم زن و هم مرد جز در موارد بسیار نادر اختیار دارند که مجرد زندگی کنند و مثلاً تمام عمر را در تحقیق و کسب هنرهای مشروعه و علوم و فنون بگذرانند، ولی اگر ازدواج کردند طبعاً آزادی آنها کم و زیاد عرفاً و شرعاً محدود می‌شود و ناچار باید به لوازم عقد ازدواج عمل نمایند و همان‌طور که آثار طبیعی این رابطه را می‌پذیرند، از برنامه‌های شرعی آن هم تخلف ننمایند.

یکانگی زن و شوهر در اسلام

تعالیم اخلاقی و ارشادات اسلامی و قداستی که اسلام برای امر ازدواج

عرضه می‌دارد، زن و مرد را چنان می‌سازد که هر دو مکمل یکدیگر شده و مانند وجود واحد عمل نمایند، به طوری که هیچ اشتراکی در منافع بین دو نفر از این صمیمانه‌تر و پاکیزه‌تر و به هم پیوسته‌تر و خلاصه، یگانه‌تر نیست.

قرآن مجید در یک مورد، رابطه آنها را چنین تعریف می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۱ زن و مرد بدون همسر مانند شخص برهنه و بی‌پوشش می‌باشند و هر دو به هم نیازمندند.

زندگی همسری زن و مرد در اسلام مشحون به صفا و وفا و غمخواری از یکدیگر و عشق و محبت است. هرگز در اسلام و در جامعه اسلامی، به زن به نظر حقارت نگاه نمی‌شود و همکاری و خانه‌داری زن، بردگی برای مرد نیست، چنان‌که کار مرد و رنج‌های سخت و به دوش گرفتن بارهای سنگین و کار کردن در معدن‌ها و شرایط نامساعد برای اداره امور عائله و تأمین هزینه زندگی، بردگی او برای زن شمرده نمی‌شود.

سخن آخر

در خاتمه باز هم تأکید می‌کنم مواردی که ذکر کرده‌اید، هیچ‌کدام مانع از هیچ‌یک از فضائل و کمالات حقیقی انسانی نیست و اگر برخی تعهد بانوان را به تعالیم اسلامی منافی با دیدگاه‌ها و عرف‌هایی می‌بینند، نباید روی آن نظر بدهند، زیرا این عرف‌ها با اسلام در تعارض است و اسلام آنها

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۷.

را محکوم می‌نماید، البتّه آن‌که عرف، آزادی مطلق زن و مرد را می‌پسندد و تن‌فروشی زن‌ها و خوانندگی و نوازندگی و رقص و کارهای دیگر این زن‌ها را در مجامع مردهای بیگانه عیب نمی‌داند و حیا و آزر و عفت و غیرت و شرم را موهوم می‌شمارد، و تعالیم اسلام را که با این برنامه‌ها سازگار نیست خلاف آزادی زن می‌داند، ما هم از او غیر از این نظر، انتظار دیگری نداریم. خداوند همگان را به کسب صحیح معارف ناب اسلام عزیز موفق بدارد.

زنان و مقام پیامبری

سؤال. چرا خداوند متعال از ۱۲۴۰۰۰ پیامبر خود عده‌ای را زن قرار نداد تا زنان هم به راحتی و بدون پرده بتوانند سؤالات و مشکلات خود را حل کنند؟ آیا این تبعیض نیست؟

اولاً این پرسش به گونه‌ای دیگر در عصر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مطرح شد: چرا قرآن بر دو نفر از به اصطلاح بزرگان و عظمای عرب نازل نگردیده که چنین و چنان شود؟ و وجه اختصاص آن به شخص محمد بن عبدالله که آن مال و ثروت و ریاست ظاهری را ندارد چیست؟

رسالت و نصب الهی

بدیهی است اگر خدای متعال در جواب آنها حکمت‌های بزرگ و شرائط و صلاحیت‌های موجود در شخص رسول الله صلی الله علیه و آله و اسرار و جهاتی را که جز خدا بر همه آنها احدی مطلع نبود برای آنها می‌شمرد، هم کلام بسیار طولانی و وسیع می‌شد و هم آنها که در آن محیط جاهلیت و افکار کوتاه و اعتبارات موهوم گرفتار بودند از درک و قبول آن

عاجز بودند، لذا جواب شافی و کافی و مختصر آن اینست که «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ؛ خدا داناتر است که در کجا (و چه محلّ و قلبی) رسالت خود را قرار دهد.»^۱

و به عبارت دیگر «إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»^۲ بدیهی است که هر فرستنده‌ای، فرستاده و رسولی می‌فرستد که خود از دیگران به تعیین او برای مقصدی که دارد آگاهتر است، تا چه رسد به این که فرستنده خداوند متعال و رسول و فرستاده شده، رحمة للعالمین باشد. بنابراین وظیفه آنان که این پیام‌آور عزیز به سوی آنها از جانب خدای جلیل آمده این است که از او استقبال کنند و پیام خدا را از زبان او به گوش جان بگیرند و بشنوند و به کار بندند و به این عذرها که چرا این آمد و آن نیامد، وقت و عمر خود را تلف نمایند و هشدارهای خدا را در نظر بگیرند. جواب از این سؤال شما در اصل، همان جواب قرآن است که (خدا بهتر می‌داند که چه کسی را به رسالت خود انتخاب کند) از هر جنس و از هر قبیله و از اهل هر سرزمین که انتخاب فرماید، همه باید از او استقبال کنند و بدانند که اگر گزینش دیگری به صلاح رسالت و تبلیغ و هدایت آنها بود، حتماً خدا او را برمی‌گزید و این اصلی است که مکرراً در قرآن بر آن

۱. سوره انعام، آیه ۱۲۴.

۲. سوره نحل، آیه ۷۴.

تأکید شده است.

شرائط ادب بنده که در ذات خود جاهل است و «أَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتُهُ»^۱ زبان حال او است در برابر خداوند «عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ»^۲ «وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^۳ این است که اگر اهل معرفت باشد، و به درجه‌ای از مقام بینش و بصیرت رسیده باشد همان جواب «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»^۴ را که مشحون به تنبیهات است دریافت کند و زبان به تسییح و تهلیل و تجلیل و تقدیس بگشاید.

همسانی زن و مرد در خطابات الهی

معذک با عذرخواهی کامل و تقاضای عفو و بخشش از درگاه خداوند علیم و قدیر عرض می‌کنم که یکی از امور مهمه‌ای که از دعوت انبیاء و مخصوصاً قرآن مجید استفاده می‌شود این است که زن و مرد را با هم و در کنار هم و به صورت یک واحد قرار داده و خطابات قرآنی چه آنها که «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» است و چه آنها که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» است، فراگیر هر دو و خطاب به هر دو است. غرض این است که برخلاف فرهنگی که امروزه در جامعه ما ترویج می‌شود که مرد و زن را در برابر هم و معارض یکدیگر قرار می‌دهد و گمان

۱. «من نادانی بودم که تو به او آگاهی دادی». دعای ابوحمزه ثمالی.

۲. «دانای پنهان و آشکار». سوره توبه، آیه ۹۴.

۳. «او به هر چیزی داناست». سوره بقره، آیه ۲۹.

۴. سوره انعام، آیه ۱۲۴.

می‌کنند که هر کجا و در هر موقف و مکان و محلّ و شغلی که این جنس باشد باید آن جنس هم در آنجا حضور داشته باشد، دعوت اسلام دعوت به واحد شدن زن و مرد و اشتراک خاصی است که در هیچ وجه مشترکی بین مردم جز بین زن و مرد تحت تعالیم عالیه اسلام حاصل نمی‌شود که می‌فرماید: «هِنَّ لِبَاسٍ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۱ یا «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۲ این فرهنگ و این تربیت غیر از تربیتی است که امروزه زنان به اصطلاح روشنفکر و مترقی و غرب‌زده می‌خواهند.

تربیت اسلام این دو را چنان می‌سازد که این نمی‌گوید چرا من آنجا نیستم و چرا پیغمبر نشده‌ام و چرا کار بازار و اداره و سروکله‌زدن با این و آن و ... با من نیست؟

اگر بنا بود برای مردها پیغمبر از جنس خودشان و برای زنها نیز پیغمبر از جنس خودشان فرستاده شود این خود اول جدائی و عنوان این و آن و دوئیّت و القاء اختلاف می‌شد.

رسالت و کارهای دشوار

از طرفی امر رسالت امری است که در برخی موارد نیاز به داشتن مواضع دشوار و بسیار سخت و خشنی است که زن را برای این مواضع

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۷.

۲. «و از نشانه‌های خداوند این است که از جنس خودتان برایتان همسرانی مایه آرامش آفرید، و بین شما

و آنها دوستی و مهربانی قرار داد». سوره روم، آیه ۲۱.

مکلف نمی‌کنند.

طرفیت با نمرود و آن مواضعی که حضرت ابراهیم خلیل علی نبینا و آله و علیه‌السلام داشت، یا طرفیت با فرعون و آن مواضع سختی که حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه‌السلام به آن مبتلا شد، یا آن‌چنان مواضعی که برای حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه‌السلام پیش آمد و از همه روشن‌تر مواضعی که برای حضرت رسول اعظم صلی‌الله علیه و آله جلو آمد؛ آن سرسختی‌هایی که کفار جاهلیت در معارضه با آن حضرت نشان دادند؛ آن همه آزار و متاعب و مصائب؛ چه قبل از هجرت و چه بعد از آن، همه شاهد و گواه صدقی است بر این‌که پیامبران باید از بین مردها انتخاب شوند که به حسب خلقت و طبیعت خود می‌توانند کارهای سخت را متحمل شوند.

تفکیک جنسیتی و پیشرفت علمی

سؤال. نظر حضرتعالی در مورد اختلاط در کلاس‌های دانشگاهی، با توجه به این که برخی عنوان می‌کنند که این طرح، اولاً مانع پیشرفت‌های علمی می‌شود، و ثانیاً بیت‌المال از این جهت، باید هزینه‌های زیادی را متحمل شود، چیست؟

لزوم تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها

جداکردن کلاس‌های دختران و پسران، کار لازمی است، چون بسیار واضح است که کلاس‌های مختلط، مفسد زیادی دارد. به طور کلی، ورود زن در صحنه اجتماع در حالی که رعایت احکام شرع نشود، مفسد بسیاری دارد که مجال شرح نیست، و بلکه از کثرت وضوح، نیاز به شرح ندارد؛ گذشته از این که به موازات آن، لطمه‌های فراوانی به خانواده و تربیت اطفال و امور منزل وارد می‌شود.

لوازم پیشرفت علمی در دانشگاه

اختلاط در دانشگاه‌ها، موجب محرومیت بسیاری از جوانان متعهد به سنن اسلامی از تحصیل علم است، و وجهی برای اصرار بر اختلاط، غیر از غرب‌گرایی و تضعیف هویت اسلامی نیست. این‌که برخی عنوان کنند که جلوگیری از اختلاط، مانع پیشرفت علمی است، مجرد یک ادعا است. مختلط‌بودن، مانع پیشرفت علمی و موجب مفاسد بزرگ است.

هزینه تفکیک جنسیتی، مورد قبول ملت مسلمان

هزینه مالی اجراء تفکیک جنسیتی هر چه هم سنگین باشد قابل تحمل است، و ملت مسلمان ما که برای برقراری نظام اسلامی و احکام اسلام، ده‌ها هزار شهید والا مقام تقدیم داشته‌اند، از این هزینه‌ها استقبال دارند، و باید از هزینه‌های غیرلازم و غیر ضروری و اسراف‌گرانه بکاهند، و به این موارد حساس و اساسی اختصاص دهند.

مدیریت داخلی و بیرونی خانواده

سؤال. به نظر شما چرا اسلام مدیریت بیرون خانواده را به عهده مردان گذارده و مدیریت داخل خانه را با زنان قرار داده است. مگر اسلام فرقی بین زن و مرد قائل است؟

فطرت و طبیعت، مبانی تکلیف

فطرت و طبیعت تکالیف، سرپرستی خانواده را بر عهده مرد گذارده است. قوت و صلابت ذاتی مرد، توانائی درگیری او با دشواری‌های بیرون از محیط خانه، تماس با مردم و قدرت او بر حمایت از مصالح خانواده، او را به سرپرستی این اجتماع و داشتن اختیاراتی که در هر اجتماع، مدبر آن اجتماع باید دارا باشد آماده کرده است.

مدیریت داخل منزل مطابق طبیعت زن

زن به علت لطف و عاطفه که لازمه وجود او و کمال وجود اوست با پرداختن به امور داخلی و مدیریت داخل خانه که نوازش و گرمی و شور و شوق می‌خواهد و از طرفی از مزاحمت خارجی برکنار است، سزاوارتر

می‌باشد.

زن، علاوه بر مدیریت داخل خانه، وظایف بزرگ، خطیر، خطرناک و مقدّس بارداری، بارنهادن، شیردادن و پرورش طفل را بر دوش می‌گیرد. او چگونه می‌تواند علاوه بر مسؤولیت‌های مذکور به مدیریت خانواده پردازد و مسؤولیت حفظ مصالح خانواده در خارج که تراحمات اجتماعی را در پی دارد بر عهده بگیرد. سرپرستی مرد در امور خانواده، وظیفه‌ای است که اگر قانون هم نباشد بالطبع بر دوش مرد می‌افتد. قانون وظیفه دارد این مسؤولیت را تنظیم نماید تا بعضی مردها از آن سوء استفاده نمایند و آن را وسیله تحمیل خود بر افراد عائله به خصوص همسر قرار ندهند.

الحاق به کنوانسیون حقوق زنان

سؤال. آیا به نظر شما نباید زنان ایرانی از حقّ خود بهره‌مند شوند و کشور ما به کنوانسیون حقوق زنان ملحق شود؟

الحاق به کنوانسیون، تنازل از مواضع اسلامی

با توجه به ماده یکم و دوم کنوانسیون مرقوم و موادّ مشابه آن به نظر حقیر، ملحق شدن به صورت مطلق یا مشروط به آن، عدول ظاهر و تنازل بین از مواضع عالیّه اسلامی است. ماده دوم این کنوانسیون که از موادّ اصلی و اساسی آن است، متضمّن محکوم کردن بخش مهمّی از احکام الهی اسلام است که بر حسب نصوص کتاب و سنّت و اجماع و ضرورت بین‌المسلمین ثابت و حاکم است.

لزوم ایستادگی مسئولان نظام اسلامی

امضاء و تصویب این کنوانسیون، هویت اسلامی امضاءکننده و تصویبکننده آن را از هر هیئت یا مجلس باشد، مخدوش و زیر سؤال می‌برد.



در نظام جمهوری اسلامی که از برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، باید
اعضاء نهادهای آن، همگان متعهد به اسلام و عمال نظام اسلام باشند، الحاق
به مثل این کنوانسیون مورد قبول و تصویب هیئت دولت و مجلس شورای
اسلامی واقع نخواهد شد.

اختیار طلاق و مراعات حقوق و شرافت زن

سؤال. آیا در دین اسلام زن حق طلاق دارد؟ اگر نه، چرا خداوند اختیار طلاق را فقط به دست مرد داده است و زن را از این حق محروم نموده است؟

مبنای عقلی و عرفی اختیار مرد در طلاق

نکاح و ازدواج، اعتبار رابطه خاص بین زن و مرد است که در نوع، چنان مستحکم و پایدار است که طرفین در تمام عمر به آن وفادار و با هم و به هم پیوسته می‌شوند، و فصل این ارتباط در ذهن آنها نیست، و اگر چه در طبع این رابطه و اعتبار آن، اختیار فصل رابطه برای مرد قرار داده شده است و اعتباری جدید در اسلام نیست، اما در اسلام، قداستی برای آن عنوان شده که در نوع و اکثر قریب به اتفاق، این رابطه بین آنها منفصل نمی‌شود؛ و حاصل این که اختیار طلاق با مرد، شرط و حق برای او بر زن نیست. اعتبار عرفی آن، این اختیار است، و در اسلام نیز آن امضاء و ابقا شده است، و باز حاصل این که این یک اعتبار عقلایی است که مختار بودن

زن در آن، معرض معایب و مفسد و تزلزل بنیاد خانواده است. از آن جمله این است که اگر در مورد زن این حکم باشد، زن همیشه معرض طمع دیگران می‌شود، مثل زنی که همسر نداشته باشد روی آن حرف و حساب است؛ به عکس بدون این حق برای وی، زن از این که مزاجت با او مطرح باشد مصونیت دارد، و این موضوعی است که حتماً باید در این رابطه محفوظ باشد؛ لذا از قدیم و اعصار گذشته، محترم و برقرار مانده است.

پیش‌بینی جنبه‌های تأمینی برای زن

مع‌ذک‌ک برای این که مب‌اد‌ا مردی از این حکم سوء استفاده نماید، جنبه‌های تأمینی دقیق در احکام اسلام برای حفظ مصالح زن مقرر شده است که تا الزام مرد بر طلاق و با امتناع او، طلاق به وسیله حاکم شرع پیش‌بینی شده است، و عادلانه‌ترین احکام و عقلایی‌ترین نظامات در این رابطه بین طرفین مقرر شده است.

دختر نمونه کیست؟

سؤال. سال‌هاست که اول ذی‌القعدة میلاد با سعادت بانوی کرامت حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها، به عنوان روز دختر نامیده شده است.

در این روز، ادارات و نهادهای مختلف کشور با برگزاری همایش‌ها و جشن‌هایی با ملاک‌هایی که خود در نظر می‌گیرند، دختران جوانی را به عنوان دختر نخبه و نمونه مسلمان معرفی می‌کنند و از آن‌ها تقدیر به عمل می‌آورند.

سؤال اینجاست که به نظر اسلام عزیز، دختر نمونه و نخبه کیست؟ آیا داشتن شغل و یا مدرک دانشگاهی از ملاک‌های برتری دختران است؟ آیا داشتن حجاب و پوشش از معیارهای انتخاب دختر نمونه است؟ آیا قهرمانی در رشته‌های ورزشی می‌تواند ملاک صحیحی برای انتخاب دختر نمونه باشد؟ منتظر جواب شما هستم.



ملاک‌های دختر شایسته

بر حسب آنچه از هدایت‌های قرآنی، روایات شریفه، احادیث متواتره و سیره مسلمین خلفاً عن سلف استفاده می‌شود، دختر نمونه دختری است که به صفات ده‌گانه ارزشی اسلامی که در سوره احزاب^۱ بیان شده آراسته، و حجاب و پوشش کامل اسلامی داشته باشد.

دختر نمونه، دختری است که در برنامه‌ها و مسابقاتی که معرض نظر نامحرمان و بدان‌دیشان قرار می‌گیرد شرکت ننماید و عفت، کرامت و مقام و منزلت بالایی را که اسلام برای بانوان شناخته است، حفظ نماید. والعاقبة للمتقين.

۱. «به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبیا و زنان صابر و شکیبیا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است». سوره احزاب، آیه ۳۵.

تفاوت احکام زن و مرد در اعمال حجّ

سؤال. چرا خداوند در احکام و اعمال حجّ، بین زنان و مردان تبعیض قائل شده است؟

تفاوت، نه تبعیض

تفاوت احکام عبادی حجّ بین زنان و مردان، تبعیض نیست، مثل تفاوت بین مالک گندم و جو و سایر اشیایی که متعلق زکات است که بر مالک و کسی که در حدّ نصاب داشته باشد، واجب است، و بر کسی که ندارد، واجب نیست. مالک نصاب نمی‌تواند اعتراض کند که چرا بر من زکات واجب شد، و بر کسی که مالک نصاب نیست زکات واجب نشده است؟ حجّ بر مستطیع واجب است، ولی بر غیر مستطیع واجب نیست؟ این تفاوت‌ها، تبعیض نیست. حلق برای سروره و کسی که حجّ، مرتبه اولی او است، اگر مرد باشد واجب یا به فتوای بعضی مستحبّ مؤکّد است، ولی بر زن واجب نیست.

مرد، نمی‌تواند این تکلیف را تبعیض بگوید که زن‌های محرمه در

پوشیدن لباس دوخته آزادند، ولی مرد محرم نباید لباس دوخته بپوشد. بلندگفتن تلبیه برای مرد محرم مستحب است، ولی بر زن استحباب ندارد.

وجوب تسلیم حکم خدا بودن

این‌گونه فرق‌ها و تفاوت‌ها در احکام حجّ و سایر احکام، هیچ‌یک تبعیض نیست. باید متفاوت باشد، و اما علل احکام، بهتر این است که بگوییم حکمت احکام، چه بسا علت حکم بر ما مخفی باشد، ولی حکمت آن را درک می‌کنیم. در همه این مثال‌ها که گفتیم حکمت حکم و وجه فرق در نظر ظاهر است.

دیه زن و مستندات آن

سؤال. با تحقیقات و مطالعاتی که داشتم متوجه شدم که در هیچ آیه و روایتی بحثی در مورد نصف بودن دیه زن نشده است. بعضی از فقها هم که قائل به این حکم هستند، دلیلشان، نان آور بودن مرد برای زن است که این علت هم با اشتغال زنان از بین رفته است. پس این حکم چه توجیهی دارد با این که اکثریت، آن را خلاف عدل می دانند؟

روشن بودن حکم دیه زن در منابع فقهی

شما برای تحقیقات خود به کدام منبع فقهی و کتب استدلالی مراجعه کرده‌اید و به این نتیجه رسیده‌اید. آیا واقعاً تحقیق کرده‌اید؟ خوب بود منابع تحقیق خود را بیان می‌کردید، و این طور بر خلاف واقع سخن نمی‌گفتید، چون بر حسب روایات و فتاوی فقهای بزرگ، هیچ اشکال و شبهه‌ای در حکم مذکور نیست، و بلکه، مسأله اجماعی بین علماء شیعه و سنی است، و در این حکم، تفاوتی بین صغیر و کبیر و عاقل و مجنون و سالم الاعضاء و غیر سالم و مورد عمد و شبه عمد و خطا نیست، و همین طور در جراحات، دیه زن، نصف دیه مرد است. بلی، اگر دیه جراحت کمتر از ثلث دیه مرد باشد، در این مورد دیه مرد و زن برابر است؛ و اما روایات در این حکم بسیار است. از جمله در وسائل الشیعة جلد ۱۹ در ابواب دیه نفس، باب پنجم، ۴ روایت، و در

صفحه ۵۹ تا ۶۳ کتاب مذکور، باب حکم الرجل يقتل المرأة و المرأة تقتل الرجل، حدود ۱۵ روایت، آمده است.

با این حال شما می‌گویید در هیچ روایتی صحبت در این مورد نیست. بسیار جای تعجب و تأسف است که بی تحقیق چنین ادعایی کرده‌اید!

اسلام یعنی تسلیم

دیگر این‌که، کدامند این اکثریتی که می‌گویند این قانون بر خلاف عدل است؟ آیا منظور کسانی هستند که اصل اسلام را قبول ندارند؟ اگر این باشد، که ارزشی ندارد.

ما با مسلمان طرف هستیم، و یک مسلمان معتقد، می‌داند این حکم خدا است هر چند علت آن را نداند، و برای اتمام حجّت و قطع عذر، همین بس است که انسان یقین کند فلان حکم، حکم خدا است هر چند نداند که چرا خداوند این حکم را تشریح فرموده است.

عمده این است که اصل این نظام‌ها، همه بر اساس نصوص قرآن کریم و روایات معتبر و صحیح، ثابت است.

در عین حال که استحکام نظامات شرع را به قدر معرفت خود درک می‌کنیم، و صاحبان عقول کبیره از عصر رسالت تا حال به آن معترف بوده و هستند، در عین حال، بشر به تمام حکمت‌های احکام دست نخواهد یافت.

آنچه مهم است این‌که حال قبول و تسلیم نسبت به تمام احکام و نظامات شرع داشته باشیم، و در برابر شرعیات و احکام شرع، مثل تکوینیات، تسلیم و خاضع باشیم و با عمل به این احکام، به مقامات بلند معرفت نائل، و قلّه‌های کمال معنوی را فتح نماییم.

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظلہ العالی در یک نگاه

R	نام کتاب	زبان	ترجمه
قرآن و تفسیر			
۱	تفسیر آیہ فطرت	فارسی	-
۲	القرآن مصون عن التحریف	عربی	-
۳	تفسیر آیة التطہیر	عربی	-
۴	تفسیر آیة الانذار	عربی	-
حدیث			
۵	منتخب الأثر در ۳ جلد	عربی	فارسی/انگلیسی
-	غیبة المنتظر	عربی	-
۶	قیس من مناقب امیرالمؤمنین (ع) (مئة و عشر حدیث من کتب عامۃ)	عربی	فارسی
-	پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین (ع) در حدیث	-	فارسی
۷	احادیث الأئمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها	عربی	-
۸	احادیث الفضائل	عربی	-
فقه			
۹	توضیح المسائل	فارسی	-
-	منتخب الاحکام	فارسی	-
۱۰	احکام نوجوانان	فارسی	انگلیسی
۱۱	جامع الاحکام در ۲ جلد	فارسی	-



۱۲	فارسي	استفتائات قضايي	-
۱۳	فارسي	استفتائات پزشكي	-
۱۴	فارسي	مناسك حج	عربي
۱۵	فارسي	مناسك عمره مفرده	عربي
۱۶	فارسي	هزار سؤال پيرامون حج	-
۱۷	فارسي	پاسخ كوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد	آذري
۱۸	فارسي	احكام خمس	-
۱۹	فارسي	اعتبار قصد قربت در وقف	-
۲۰	فارسي	رساله در احكام ثانويه	-
۲۱	عربي	فقه الحج در ۴ جلد	-
۲۲	عربي	هداية العباد در ۲ جلد	-
۲۳	عربي	هداية السائل	-
۲۴	عربي	حواشي على العروة الوثقى	-
۲۵	عربي	القول الفاخر فى صلاة المسافر	-
۲۶	عربي	فقه الخمس	-
۲۷	عربي	أوقات الصلوة	-
۲۸	عربي	التعزير (احكامه و ملحقاته)	-
۲۹	عربي	ضرورة وجود الحكومة	فارسي
۳۰	عربي	رسالة فى معاملات المستحقة	-
۳۱	عربي	التداعى فى مال من دون بينة ولايد	-
۳۲	عربي	رسالة فى المال المعين المشتبه ملكيته	-
۳۳	عربي	حكم نكول المدعى عليه عن اليمين	-
۳۴	عربي	ارث الزوجة	-
۳۵	عربي	مع الشيخ جاد الحق فى ارث العصبه	-
۳۶	عربي	حول دييات ظريف ابن ناصح	-
۳۷	عربي	بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعية الاستخارة)	-

-	عربي	الرسائل الخمس	-
-	عربي	الشعائر الحسينية	۳۸
آذري	-	آنچه هر مسلمان باید بداند	-
اصول فقه			
-	عربي	بيان الاصول در ۳ جلد	۳۹
-	عربي	رسالة في الشهرة	۴۰
-	عربي	رسالة في حكم الاقل و الاكثر في الشبهة الحكمية	۴۱
-	عربي	رسالة في الشروط	۴۲
عقاید و کلام			
-	فارسي	عرض دين	۴۳
-	فارسي	به سوي آفریدگار	۴۴
-	فارسي	الهیات در نهج البلاغه	۴۵
-	فارسي	معارف دين در ۳ جلد	۴۶
-	فارسي	پیرامون روز تاريخي غدیر	۴۷
-	فارسي	ندای اسلام از اروپا	۴۸
-	فارسي	نگرشي بر فلسفه و عرفان	۴۹
-	فارسي	نیایش در عرفات	۵۰
-	فارسي	سفرنامه حج	۵۱
-	فارسي	شهید آگاه	۵۲
-	فارسي	امامت و مهدویت	-
-	فارسي	نظام امامت و رهبري ۱/	۵۳
عربي	فارسي	تجلي توحيد در نظام امامت ۲/	۵۴
-	فارسي	ولایت تکوینی و ولایت تشریعی ۳/	۵۵
-	فارسي	پیرامون معرفت امام ۴/	۵۶
-	فارسي	معرفت حجت خدا ۵/	۵۷
-	فارسي	وابستگی جهان به امام زمان ۶/	۵۸
عربي	فارسي	باورداشت مهدویت ۷/	۵۹
-	فارسي	اصالت مهدویت ۸/	۶۰
آذري	فارسي	نوبد امن و امان ۹/	۶۱
-	فارسي	عقیده نجات بخش ۱۰/	۶۲
-	فارسي	انتظار، عامل مقاومت و حرکت ۱۱/	۶۳

۶۴	فارسي	به سوي دولت كريمه / ۱۲	-
۶۵	فارسي	پاسخ به ده پرسش / ۱۳	-
۶۶	فارسي	گفتمان مهدويت / ۱۴	انگليسي
۶۷	فارسي	فروغ ولايت در دعاي نديه / ۱۵	عربي
۶۸	فارسي	پيامهاي مهدوي / ۱۶	-
۶۹	فارسي	توضيحات پيرامون كتاب عقیده مهدويت در تشيع اماميه	انگليسي
۷۰	فارسي	گفتمان عاشورا يي	-
۷۱	فارسي	مقالات كلامي	-
۷۲	عربي	الي هدي كتاب الله	-
۷۳	عربي	ايران تسمع فتحيب	-
۷۴	عربي	رسالة حول عصمة الانبياء و الائمة	-
۷۵	عربي	تعليقات على رسالة الجبر و القدر	-
-	عربي	لمحات في الكتاب والحديث والمذهب	-
۷۶	عربي	صوت الحق و دعوة الصديق	-
۷۷	عربي	رد اذوبة خطبة الامام على (ع)، على الزهرا (س)	-
۷۸	عربي	مع الخطيب في خطوطه العريضة	اردو / فرانسسه
۷۹	عربي	رسالة في البداء	-
۸۰	عربي	جلاء البصر لمن يتولى الائمة الاثني عشر	-
۸۱	عربي	حديث افتراق المسلمين على ثلاث وسبعين فرقة	-
۸۲	عربي	من لهذا العالم؟	-
۸۳	عربي	بين العلمين، الشيخ الصدوق الشيخ المفيد	فارسي
	-	داوری میان شیخ صدوق و شیخ مفید	فارسی
۸۴	عربي	مقدمات مفصلة على «مقتضب الاثر» و «مكيال المكارم» و «منتقى الجمال»	-
۸۵	عربي	امان الائمة من الضلال والاختلاف	-
۸۶	عربي	البكاء على الامام الحسين (ع)	-
۸۷	عربي	النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالاخبار الدخيلة	-
تربيتي			
۸۸	فارسي	ماه مبارك رمضان، عالي ترين مكتب تربيت و اخلاق	-

۸۹	فارسي	راه اصلاح (امر به معروف و نهی از منکر)	-
۹۰	فارسي	با جوانان	-
تاریخ			
۹۱	فارسي	سیرحوزه‌های علمی شیعه	-
۹۲	فارسي	رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)	-
سیره			
۹۳	فارسي	پرتوی از عظمت امام حسین (ع)	-
-	فارسي	آینه‌ی جمال	-
-	فارسي	از نگاه آفتاب	-
-	فارسي	اشک و عبرت	-
تراجم			
۹۴	فارسي	زندگانی آیت الله آخوند ملامحمد جواد صافی	-
۹۵	فارسي	زندگانی جابر بن حیان	-
۹۶	فارسي	زندگانی بوداسف	-
-	فارسي	فخر دوران	-
شعر			
۹۷	فارسي	دیوان اشعار	-
۹۸	فارسي	بزم حضور	-
۹۹	فارسي	آفتاب مشرقین	-
۱۰۰	فارسي	صحیفة المؤمن	-
۱۰۱	فارسي	سبط المصطفی	-
۱۰۲	فارسي	در آرزوی وصال	-
مقاله‌ها و خطابه‌ها			
۱۰۳	فارسي	حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)	-
۱۰۴	فارسي	شب‌پرگان و آفتاب	-
-	فارسي	شب عاشورا	-
-	فارسي	صبح عاشورا	-
۱۰۵	فارسي	با عاشوراییان	-
۱۰۶	فارسي	ارمغان مشهد	-

